

آخرین سفیر آسمانی

هفتاد درس در ثبوت و اثبات
زنده بودن و امامت حضرت مهدی علیه السلام

مؤلف:

دکتر سید ابوالحسن سادات اخوی

ویراستار:

دکتر عبدالحسین طالعی



انتشارات نبأ

سرشناسه: سادات اخوی، سید ابوالحسن، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور: آخرین سفیر آسمانی: هفتاد درس در
ثبوت و اثبات زنده بودن و امامت حضرت مهدی علیه السلام / مؤلف:
سید ابوالحسن سادات اخوی؛ ویراستار: عبدالحسین طالعی.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.
شابک: ۸-۱۱۶-۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: مهدویت، انتظار، محمد بن حسن (عج)، امام دوازده،
۲۵۵ ق. غیبت، امامت.
شناسه افزوده: طالعی، عبدالحسین، ۱۳۴۰، ویراستار.
رده بندی کنگره: ۴ / ۲۲۴ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابخانه ملی: ۶۱۶۹۰۸۴



انتشارات نبأ

آخرین سفیر آسمانی

مؤلف: دکتر سید ابوالحسن سادات اخوی

ویراستار: دکتر عبدالحسین طالعی

حروفچینی: انتشارات نبأ / صفحه آرایی: مشکاة

چاپ و صحافی: فرارنگ، صالحانی

چاپ اول: ۱۳۹۹ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۸۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان

بهار شیراز، کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶

تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ / فاکس: ۷۷۵۳۵۷۷۶

شابک: ۸-۱۱۶-۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸ - 8 - 116 - 264 - 600 - 978 ISBN:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

بخش اول:

دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان

مقدمه ۱۱

درس ۱: سوی حق ای رهنمای راستین ۲۵

درس ۲: عهد فطرت را همواره یاد آر ۲۸

درس ۳: خالقم از من چه خواهد در جهان؟ ۳۱

درس ۴: مالک مملوک! دستم را بگیر! ۳۳

درس ۵: من به رزقت زنده‌ام، روزی رسان! ۳۶

درس ۶: مالک ملک جهانی ای خدا! ۳۸

درس ۷: حکمتش مبنای خلقت آمده ۴۰

- درس ۸: کی عبث این خلقت از او شد پدید؟ ۴۲
- درس ۹: فضل و رحمت شد اساس کار او ۴۵
- درس ۱۰: ظلم را در کوی او راهی نبود ۴۷
- درس ۱۱: شاهد نیک و بد اعمال ماست ۵۰
- درس ۱۲: رستگاران را، خدا! بنما به ما! ۵۳
- درس ۱۳: در چنین حیرت کدامین سو روم؟ ۵۶
- درس ۱۴: ای امین حق در این ملک جهان! ۵۹
- درس ۱۵: حضرتش در این جهان فصل الخطاب ۶۲
- درس ۱۶: دین حق را او مبین آمده ۶۵
- درس ۱۷: یاد مُنعم را چو نعمت پاس دار ۶۸
- درس ۱۸: شکر منعم را چه سان جای آورم؟ ۷۰
- درس ۱۹: اسوه‌ام را ای خدا بر من نمای ۷۲
- درس ۲۰: علت ایجاد هستی کیست؟ کیست؟ ۷۵
- درس ۲۱: علت ابقاء هستی اوست، اوست ۷۷
- درس ۲۲: با وجودش گشته حجت‌ها تمام ۷۹
- درس ۲۳: جهل را این سان ز جان باید زدود ۸۱
- درس ۲۴: از چنین تردیدها باید گریخت ۸۳
- درس ۲۵: از شیاطین در پناه حق در آ ۸۸
- درس ۲۶: گنج عقلت را بیاب و زنده کن ۹۱
- درس ۲۷: کیست آن خواننده آیات حق؟ ۹۴
- درس ۲۸: تزکیه یعنی که راهش طی کنی ۹۸
- درس ۲۹: آنکه آموزد کتاب حق کجاست؟ ۱۰۰
- درس ۳۰: وارث پیغمبران مولای ماست ۱۰۳

فهرست مطالب □ ۷

- درس ۳۱: بر هدف باید که از راهش رسید ۱۰۶
- درس ۳۲: در مسیر حرکت از ظلمت به نور ۱۰۹
- درس ۳۳: از زیان و سود خود غافل مشو ۱۱۱
- درس ۳۴: با خدا باید چنین گویی سخن ۱۱۴
- درس ۳۵: حجت معصوم حق در این جهان ۱۱۷
- درس ۳۶: رشته‌ای از حق به سوی خلق اوست ۱۱۹
- درس ۳۷: هان مرو بی‌پیشوا در راه دور ۱۲۲
- درس ۳۸: آزمون، همزاد خلقت آمده ۱۲۵
- درس ۳۹: وارد شهری مشو از غیر در ۱۲۹
- درس ۴۰: آن نگهبان شریعت را شناس ۱۳۳

بخش دوم:

دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجت در هر زمان

- درس ۴۱: توبه‌خواهی، از درِ حطّه در آ ۱۴۲
- درس ۴۲: هر پیمبر جانشینی بایدش ۱۴۵
- درس ۴۳: آن گواه حق که بر مردم رسد ۱۴۹
- درس ۴۴: امام، مطمئن‌ترین دستاویز ۱۵۳
- درس ۴۵: رشته‌ی محکم که دست ما گرفت ۱۵۶
- درس ۴۶: رشته‌ای از مردمان را پاس دار ۱۵۹
- درس ۴۷: صاحبان امر را باید شناخت ۱۶۲
- درس ۴۸: با چه امری دین حق کامل شود؟ ۱۶۶
- درس ۴۹: رهنمای مردم‌اند از آسمان ۱۶۹
- درس ۵۰: آمده از سوی حق بر جان خلق ۱۷۲

۱۷۵	درس ۵۱: اینک این ما و صراط مستقیم
۱۸۰	درس ۵۲: در زمین اینک خدا را جانشین
۱۸۳	درس ۵۳: دین حق با این ستون‌ها استوار
۱۸۷	درس ۵۴: با گروه راستان همراه شو
۱۹۰	درس ۵۵: آنکه هشدار خدا ابلاغ کرد
۱۹۴	درس ۵۶: هر زمانی را امامی رهنماست
۱۹۷	درس ۵۷: این علامات طریق بندگی
۲۰۰	درس ۵۸: از که پرسم این همه پرسش، خدا؟
۲۰۳	درس ۵۹: پیشوایت کیست در روز جزا؟
۲۰۶	درس ۶۰: در پناه این چنین کهف امان
۲۰۹	درس ۶۱: نور حق را مظهر و مجلا تویی
۲۱۲	درس ۶۲: هر زمان آید سفیری از خدا
۲۱۴	درس ۶۳: در چنان توفان چنین کشتی روان
۲۱۷	درس ۶۴: جان روشن از که یابیم؟ از امام
۲۲۰	درس ۶۵: تا خدا خواهد مطهر داردش
۲۲۴	درس ۶۶: آب جاری در کویر خاکدان
۲۲۸	درس ۶۷: چشم بگشا و بین تکرار را
۲۳۱	درس ۶۸: روز روشن را چنین کفران کنند
۲۳۵	درس ۶۹: مهبط خیل ملک در شام قدر
۲۳۸	درس ۷۰: باز می‌دارد عذاب از مردمان
۲۴۱	فهرست منابع

اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيْفَتَكَ بِمَا اَصْلَحْتَ بِهٖ اَنْبِيَاءَكَ وَ
 رُسُلَكَ وَ حَقِّهٖ بِمَلَايِكَتِكَ وَ اَيِّدْهُ بِرُوْحِ الْقُدْسِ مِنْ
 عِنْدِكَ وَ اسْلِكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا
 يَحْفَظُوْنَهُ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَ اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهٖ اَمْنًا
 يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
 عَلٰى وَّلِيِّكَ سُلْطٰنًا وَ اِثْمًا لَهٗ فِيْ جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ
 وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَنْصَارِهٖ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. ۱

پروردگارا! کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستینت را سامان
 ده، همان‌گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را سامان دادی.
 از فرشتگانت نگاهبانانی بر او بگمار و از سوی خویش با
 روح القدس او را یاری فرما و دیده‌بانانی که از پیش رو و
 پشت سر نگاهش دارند و از هر‌گزندی نگاهش دارند ناامنی
 و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز، که او تو را
 می‌پرستد و هیچ چیز را همتا و مانند تو قرار نمی‌دهد. برای
 هیچ‌یک از آفریدگانت چیرگی نسبت به ولی خود قرارمده. او
 را در جهاد با دشمن خودت و خودش اجازه فرما و مرا از
 یاران او قرار ده، که به‌درستی تو بر هر کاری توانایی.

مقدمه

عقل مهم‌ترین ابزار شناختی هر انسان عاقلی است؛ چراکه اولاً به خودش شناخته می‌شود؛ یعنی نیازمند ابزار دیگری برای شناخت نیست. ثانیاً شناخت حقایق حجت‌های الهی به آن است. حدیث ابن سگیت، اهمیت عقل را در این زمینه نشان می‌دهد.

ابن سگیت از حضرت رضا علیه السلام پرسید: برای چه خداوند حضرت موسی علیه السلام را با معجزه ید بیضاء و ابطال سحر مبعوث فرمود و حضرت عیسی علیه السلام را با معجزه طب [و شفای امراض] و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با کلام و خطبه‌ها [که همان قرآن است]؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: خداوند در روزگاری حضرت موسی علیه السلام را مبعوث به نبوت فرمود که عمل رایج در میان مردم آن زمانه «سحر» بود، به همین دلیل او از جانب خداوند با معجزه ابطال سحر که در توان مردم آن دوره نبود، آمد و به درستی خداوند متعال حضرت عیسی علیه السلام را در روزگاری مبعوث فرمود که در ده‌های مزمن و ناعلاج شایع بود و

مردم نیاز شدیدی به طب داشتند، به همین جهت حضرت عیسی علیه السلام از جانب خداوند با معجزه‌های آمد که نزد ایشان همانند آن نبود و آن زنده کردن مردگان و شفای کور مادرزاد و علاج بیماری پیسی به فرمان خدا بود و حجّت را بر ایشان تمام کرد.

خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در دوره‌ای مبعوث فرمود که کلام و سخنرانی رایج بود - و فکر می‌کنم شعر را نیز اضافه فرمود - پس آن حضرت از نزد خداوند کتابی آورد که با داشتن مواعظ و احکام؛ سبب ابطال عقیده مشرکان و اثبات حجّت بر آنان بود. راوی گوید: ابن سگیت با شنیدن این پاسخ‌ها پیوسته می‌گفت: به خدا قسم که تا کنون مانند تو ندیده‌ام! حال بفرمایید امروز حجّت بر مردم چیست؟
حضرت فرمود: عقل است که انسان توسط آن، راست‌گوی بر خدا را شناخته و تصدیقش کند و دروغ‌گوی بر پروردگار را شناخته و تکذیبش کند.

ابن سگیت گفت: به خدا قسم که پاسخ صحیح همین است.
مرحوم طبرسی گوید: حضرت رضا علیه السلام در ضمن کلام به این مطلب اشاره فرمود که عالم در زمان تکلیف، از فرد راست‌گویی از جانب خداوند متعال خالی نمی‌ماند تا افراد مکلف در مسائل شبهه‌ناک در امر شریعت بدو پناه برند، فردی که خداوند دلالت بر صدق او می‌کند و مکلف با کمک عقل بدو می‌پیوندد و اگر عقل نبود هرگز صادق از کاذب شناخته نمی‌شد. پس عقل نخستین حجّت خداوند متعال بر خلق است.^۱

لذا ضرورت دارد انسان برای کسب شناخت صحیح به احکام عقل مراجعه کند.

شیعه تنها مکتب در جهان است که بر پایه عقل سلیم و نقل قطعی اعتقاد دارد که خداوند رحمان، هیچ‌گاه - از بدو خلقت تا ختم آن - بشر را بدون راهنمای زنده، نگذاشته و نمی‌گذارد. انسان‌ها با کمی تعقل درمی‌یابند که نیاز به راهنما دارند. در امور دنیایی این نیاز بسیار بدیهی است. امروزه با تمام پیشرفت‌های بشری، نه تنها نیاز انسان به راهنما کمتر نشده، که با پیچیدگی‌های زندگی صنعتی، بیشتر نیز شده است. وجود راهنمایان و مشاوران در تمام ابعاد زندگی عمّ از امور خانوادگی با تمام گستره‌اش از ازدواج، ارتباط با همسر و تربیت فرزند و ده‌ها زیر شاخه آن، که در علوم اجتماعی و روان‌شناسی بحث می‌شود گرفته تا امور کسب و کار، خرید و فروش و امور تحصیلی و غیره از ضروریان امروز است. مراجعه روزافزون افراد در همه کشورهای، خصوصاً کشورهای پیشرفته به این راهنمایان، شاهد صدق این مدّعاست.

چگونه می‌توان باور کرد که بشر برای زندگی دنیایی - که محسوس و در دسترس اوست - به راهنما نیازمند باشد، ولی برای زندگی اخروی، پیمودن مسیر آخرت و رسیدن به سعادت ابدی - که غیر محسوس و غیر قابل تجربه است - به راهنمای زنده نیاز نداشته باشد؟ برخی در مسأله، برداشت نابجایی از ختم نبوت دارند. آنان معتقدند که در زمان حضرت خاتم الانبیاء بشر به درجه‌ای از کمال عقلانی رسیده که دیگر نیاز به آمدن انبیاء الهی ندارد، لذا پایان نبوت را به معنای پایان یافتن نیاز بشر به راهنمایان الهی تلقی کرده و عقل را برای هدایت بشر کافی دانسته‌اند، در حالی که ختم نبوت، به معنای پایان نیاز بشر به راهنما

نیست، بلکه پایان آمدن شریعت جدید یعنی تشریح و قانون‌گذاری جدید بعد از شریعت اسلام است.

اساساً همین معنا یعنی خاتمیت اسلام باعث می‌شود نیاز به راهنما در این شریعت بیشتر از شرایع دیگر باشد، زیرا این شریعت داعیه‌دار هدایت بشر تا دامنۀ قیامت است. پس باید کامل‌ترین و جامع‌ترین برنامه را داشته باشد. پرواضح است که اولاً پیامبر اکرم در طول ۲۳ سال نمی‌توانستند تمام ابعاد دین را تبیین و تشریح کنند، ثانیاً مردمان بعد از ایشان با پرسش‌های جدید و فضا‌های جدید، به هادیانی از جنس او نیاز دارند.

برای روشن شدن مطلب فرض کنید مدیر مدرسه‌ای برنامه‌ی جامعی برای اداره‌ی مدرسه داشته باشد، اما آیا بعد از حیات او می‌شود مدرسه را فقط با آن برنامه‌ی جامع اداره کرد؟ آیا می‌شود مدیریت مدرسه را به فردی غیرمتخصص در امور آموزشی سپرد؟ یا اینکه باید مدیر دیگری در سطح او کار اداره‌ی مدرسه را به عهده‌گیرد تا بتواند برنامه‌های جامع او را پیاده نماید؟ یک مدرسه با برنامه‌ی محدود و زمان‌دار، نیاز به مدیران پیوسته و روزآمد دارد، چگونه ممکن است مدرسه‌ی بزرگ بشری، بعد از پیامبر، بی‌نیاز از مدیر و راهنما باشد؟

البته اینجا تفاوت‌هایی بین راهنمایان الهی با راهنمایان بشری است. امر آخرت نسبت به امر دنیا خطیرتر و مهم‌تر است، زیرا دنیا گذرا و آخرت ابدی است. راهنمایان الهی، از جایگاه ویژه و صفات ویژه‌ای نسبت به راهنمایان عادی برخوردارند، که مهم‌ترین آن، علم و قدرت و عصمت و هبّی الهی است.

فرضاً یک راهنمای بشری، فردی را در امر ازدواج، به دلیل علم

ناقص یا ناتوانی در بیان و یا از روی هوای نفس، به اشتباه راهنمایی کند؛ چه اتفاقی می‌افتد؟ ممکن است آن فرد در ازدواج شکست بخورد. آثار این اشتباه، محدود به این دنیای فانی است ولی اگر راهنمای الهی در امور مرتبط با آخرت خطا کند، حیات جاودان افراد را به خطر می‌اندازد. چنین پیامدی نقضِ غرضِ خدایِ علیمِ قدیر، در هدایت بشر است، زیرا امکانات لازم برای هدایت بشر - که مهم‌ترین آن وجود راهنمایی بی‌نقص باشد - فراهم نشده است. این یعنی سوء ظن به خدای سبحان. در حالی که هدف خدای سبحان از خلقت، رستگاری انسان‌هاست.

بعد از توحید مهم‌ترین اعتقاد شیعیان، اعتقاد به وجود حجّتی زنده در هر زمان است. به عقیده شیعه، زمین برای لحظه‌ای از راهنمای زنده، خالی نمی‌ماند. این راهنمای زنده، گاهی به عنوان پیامبر و گاه امام به هدایت مردم می‌پردازد. در کتاب شریف کافی، فصل کتاب الحجّة روایات فراوانی در این زمینه گرد آمده است. به عنوان نمونه، حسین بن ابی‌العلاء گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ فرمود: نه»^۱.

یکی از مشترکات ادیان ابراهیمی اعتقاد به منجی موعود الهی است. در دین یهودیت به آمدن مسیحی غیر از عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام، در مسیحیت به بازگشت عیسی بن مریم و در اسلام به خروج مهدی از فرزندان پیامبر خاتم اشاره شده است. اصل عقیده به منجی در تمام این ادیان مشترک است، گرچه در مصداق منجی اختلاف

دارند. در میان اهل قبله نیز، اختلاف در تعیین شخص مهدی مطرح است. اکثریت اهل تسنن به مهدی‌ای اعتقاد دارند که از فرزندان پیامبر صلوات الله علیه و آله است و در آخرالزمان به دنیا می‌آید ولی شیعه، بنا بر دلایل عقلی و نقلی قطعی، معتقد به وجود قطعی حجت در هر زمان است. امام مهدی علیه السلام آخرین حجت الهی است. ایشان فرزند بلافصل امام یازدهم حضرت امام حسن عسکری و حضرت نرجس خاتون علیها السلام است. در سال ۲۵۵ قمری در شهر سامراء دیده به جهان گشوده و از آن زمان تاکنون راهنمای الهی جهانیان است.

در این کتاب به بخشی از دلایل ثبوتی و اثباتی شیعه درباره حیات و حضور حجت در هر زمان به خصوص امامت و هدایت حضرت مهدی علیه السلام، امام عصر و زمان پرداخته می‌شود و مجموعاً ۴۰ دلیل عقلی و ۳۰ دلیل نقلی بیان شده است.

ابتدا دلایل عقلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن آیات و روایات مبتنی بر ضرورت وجود امام در هر زمان بیان می‌شود. دلالت این آیات و روایات بر ویژگی‌های خاص امام از قبیل علم و قدرت و عصمت الهی، ما را در تشخیص مصداق و تطبیق آن یاری می‌کند.

در آغاز این نوشتار، خودم و خواننده گرامی را به پناه یگانه هادی زمان در می‌آورم که در فهم و انتقال معارف الهیه مهدویه، از شر ابلیس لعین و ایادی جنی و انسی او محفوظ باشیم و ان شاء الله در تحت حمایت آن بزرگوار قرار گیریم.

أَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَ أَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ

الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مَا قُدِّرَ وَ قُضِيَ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الطَّيِّبِينَ مِنْ شَرِّ
الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ.^۱

هرکس برای خویش پناهی گزیده است

ما در پناه مهدی آل محمدیم

مُلتمسانه از آن ولّیّ زمان استدعا داریم که ما را در فراگیری و عمل
و تبلیغ این معارف تابناک یاری رساند.

فقیر و خسته به درگاہت آدمم، رحمی

که جز ولای توام نیست، هیچ دستاویز

از کتاب می توان به شیوۀ خودآموز بهره برد ولی اگر به صورت
درسی مورد بحث و بررسی قرار گیرد، بر بهره و فایده اش افزوده
می شود، زیرا تلاش بر آن بوده که در نهایت فشردگی، فقط اصول و
رئوس مطالب بیان شود.

نحوۀ تدریس این کتاب که در قالب ۷۰ درس فراهم آمده،
بدین گونه است که استاد در هر جلسه یک درس را مطرح کند و به
مباحثۀ دانش آموزان بگذارد. از آنجا که این مباحث غالباً عقلی و
تذکری است، با مثال ها و بیان تجربیّات شخصی افراد بارور می گردد.
پس از جمع بندی مطالب، از دانش پژوهان خواسته می شود که برای
تحکیم مبانی مهدویّت در خود و دیگران، از موضوع درس هر هفته،
بهره گیرند.

مطالب هر درس تا حدّ امکان مختصر و مفید بیان شده، تا

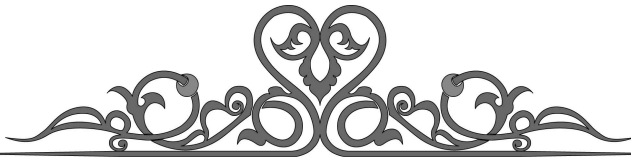
۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۶، ص ۴۲۶، با اندکی تفاوت در بشارۀ

المصطفی، ج ۲، ص ۲۷.

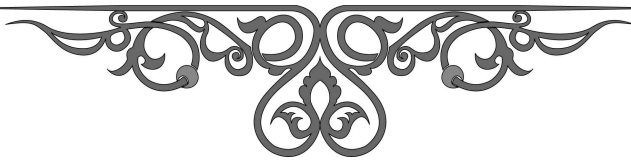
فرصت بیان مثال و تجربیات عملی دانش پژوهان عزیز فراهم گردد. لذا در این کتاب به جز جنبه علمی جنبه تذکری و تبلیغی نیز مد نظر قرار گرفته است.

از خوانندگان گرامی تقاضا می شود با ارسال نظرات، پیشنهادهای و دیدگاههای خود به نشانی mahdavitruith@gmail.com در تکمیل و بهسازی این نوشتار سهیم باشند.

بخش اول



دلایل عقلی
بر ضرورت وجود حجّت
در هر زمان



در این بخش دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان با پنج مقدمه بیان می‌گردد.

مخاطب این بخش موحدان هستند. یعنی پیش شرط فهم این دلایل عقلی، اعتقاد راسخ به خدای متعال است. در مکتب اهل البیت علیهم‌السلام هیچ حقیقتی روشن‌تر از خدا نیست و حقایق دیگر به او روشن می‌شوند. زیرا معرفتی‌کننده باید از معرفتی‌شونده روشن‌تر باشد. چنان‌که در روایت ملاقات دانشمند مسیحی صدر اسلام با سلمان فارسی آمده است:

سلمان فارسی در حدیثی طولانی، ورود جاثلیق نصرانی و صد نفر از همراهانش را در دوران خلافت ابوبکر در مدینه نقل می‌کند. جاثلیق از ابوبکر مسائلی پرسید و او نتوانست جواب دهد. پس از این ماجرا او را به امیرالمؤمنین علیه‌السلام راهنمایی کردند. جاثلیق مسائلی از حضرتش پرسید و پاسخ گرفت. از جمله پرسید:

آیا خدا را به واسطهٔ محمد شناختی یا محمد را به خدا؟

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: من خدا را به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشناختم، بلکه او را به خدای عز و جل شناختم. زیرا او مخلوق و مُحَدَّث است، لذا نیاز به خالق و مُحَدَّث دارد و از حدودی که در طول و عرض او قرار داده، فهمیدم او مصنوعی تحت تدبیر سازنده‌ای مدبّر است. همین فهم نیز - گذر از مصنوع به صانع و از مدبّر به مدبّر - به دلالت و الهام و اراده خدای متعال است، همان‌گونه که طاعت خود را به فرشتگان الهام نموده و خود را به ایشان بدون کیفیت و شبیه شناسانیده است. لذا معرفت خدا که صنع و فعل خداست، مقدّم بر هر معرفتی است و این معرفّی کیفیت و مانند ندارد.^۱

منظور ما از عقل در این بخش، عقلِ صناعی فلسفی - ساخته بشر - نیست. بلکه عقل فطری است که از تعریف بی‌نیاز است، و ممکنات به واسطه او تعریف می‌شوند. این عقل، ذاتی بشر نیست، بلکه موهبتی از جانب خدا به انسان است. به عبارت دیگر، عقل به خودش روشن است و دیگر اشیاء به او روشن می‌شوند. عقل - به تنهایی و به خودی خود - در خلأ کار نمی‌کند. بلکه باید داده‌هایی به آن داد و حکم او را جویا شد. در کلام الله آمده است:

۱. التوحید، ص ۲۸۶. «عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ، يَذْكُرُ فِيهِ قُدُومَ الْجَائِلِيقِ الْمَدِينَةَ مَعَ مَائَةٍ مِنَ النَّصَارَى وَ مَا سَأَلَ عَنْهُ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ يُجِبْهُ، ثُمَّ أُرْسِدَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَأَجَابَهُ عَنْهَا وَ كَانَ فِيمَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَرَفْتَ اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ أَمْ عَرَفْتَ مُحَمَّدًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا عَرَفْتُ اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ لَكِنْ عَرَفْتُ مُحَمَّدًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، حِينَ خَلَقَهُ وَ أَحَدَتْ فِيهِ الْحُدُودَ مِنْ طُولٍ وَ عَرْضٍ، فَعَرَفْتُ أَنَّهُ مُدَبَّرٌ مَصْنُوعٌ بِاسْتِدْلَالٍ وَ الْإِهَامِ مِنْهُ وَ إِرَادَةٍ، كَمَا أَلْهَمَ الْمَلَائِكَةَ طَاعَتَهُ وَ عَرَفْتُهُمْ نَفْسَهُ بِلَا شَيْبَةٍ وَ لَا كَيْفٍ.»

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۳

﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاصِرٍ لِلنَّاسِ وَوَاعِقٌ لِّهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾^۱

براساس این آیه شریفه، تعقل نیاز به علم دارد. اگر علم صحیح به عقل بدهیم، احکام صحیح صادر می‌کند.

این احکام عقلی - که در اصول فقه از آن به «مستقلات عقلیه» یاد می‌شود - بیرون از شمار و تعداد آن برای افراد بشر، متفاوت است. به میزانی که علم و عقل به کسی داده شود، احکام درست دریافت می‌شود. لذا تعریف ما از ضرورت عقلی، غیر از تعریف دانشمندان علم منطقی است. آن‌ها فقط بدیهیات را ضرورت عقلی محض و قابل قبول می‌شمارند، زیرا از استدلال بی‌نیازند. گزاره‌هایی مانند «کل از جزء بزرگ‌تر است» یا «اجتماع نقیضین محال» است. این نگرش، به محدودیت بسیار دلایل عقلی منجر می‌شود، درحالی‌که در همین دو مثال نیز باید انسان معنای کل، جزء، کوچک‌تر، بزرگ‌تر و ارتباط آن‌ها با هم و نیز معنای اجتماع، نقیض و محال را به واسطه عقل بفهمد و بعد عقل حکم کند. نه اینکه ذهن، ضرورتاً شکل اول منطقی یا قیاس برهانی تشکیل دهد. مانعی وجود ندارد که عقل با داده‌های صحیح دیگر که ملاک تشخیص صحتش نیز خودش باشد، احکامش را صادر کند.

ضرورت‌های عقلی این نوشتار، ضرورت‌های عقلی متکلمین نیز نیست و با این مبنا پیش نرفته‌ایم که این ضرورت‌ها و لطف‌ها بر خدا واجب باشد و دست خدا را ببندد، بلکه در همه آن‌ها دست خدا باز است.

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾^۱

برای تقریب ذهن، سلطان حکیم و رحیمی را در نظر بگیرید که به واسطهٔ شؤون سلطنت، رسولان و سفیرانی دارد و امور مختلفی در سلطنت او جریان و سریان دارد، اما به یکباره همهٔ مناسبات را به هم می‌ریزد و نظام حکیمانهٔ جدیدی تشکیل می‌دهد. این اختیار برای بندهٔ خداممکن و پذیرفتنی است، چگونه برای خالق بندگان و دارندهٔ حرّیت بی‌انتهاممکن نباشد؟

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَسْأَلُ يُدْهِبِكُمْ وَ يَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾^۲

اگر خدای متعال بخواهد نظامات فعلی را می‌برد و نظامات جدیدی می‌آفریند. لذا اختیار و حرّیت مطلقه و لایتناهی خدای متعال در همهٔ مراحل مفروض است.

در این بخش از آیات و روایات بهره می‌گیریم و این رویکرد برای این است که نصوص و حیانی عقل را شکوفا می‌کنند و سرپوش‌هایی را که انسان به دلیل گرفتاری به حجاب‌های دنیا بر عقل خود نهاده، به کناری می‌زند و نور آن را تابنده‌تر می‌کند.

در این بهره‌گیری، عین عبارات برخی از آیات و روایات ترجمه نشده، بلکه برداشت از متن آن‌ها آمده است.

۱. المائدة / ۶۴.

۲. ابراهیم / ۱۹.

درس ۱

سوی حق ای رهنمای راستین

روزها فکر من این است و همه شب سختم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم؟
از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟
به کجا می‌روم آخر؟ ننمایی وطنم؟

همهٔ انسان‌های صاحب‌خرد از ابتدای خلقت تاکنون، در طول عمرشان با این پرسش‌ها و نداهای درونی روبه‌رو شده‌اند و می‌شوند که آغاز و پایان راهشان کجاست؟ به کجا باز می‌گردند؟ برای چه خلق شده‌اند؟ و چه توشه‌ای باید بگیرند؟ آنچه نزد همگان مسلم است، مرگ است و کسی نیست که مرگ را انکار کند. مرگ آغاز سفری طولانی است و مقصدی ناآشنا در پیش است.

وجود فرستادگان الهی پاسخی به این نداهای درونی است. آن‌ها

پاسخ دهنده ندای فطرت و فراخواننده به سوی خدا و خدا پروایی (تقوی) هستند.

در کلام الله درباره خاتم انبیاء ﷺ آمده است:

﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ﴾^۱

پیامبر اکرم فراخواننده مردم به الله به اذن اوست. نکته جالب توجه این است که پیامبر انسان‌ها را به سوی الله فرامی خواند؛ یعنی کار پیامبر دعوتگری به الله است، نه شناساندن الله؛ زیرا مردمان فطرتاً خدا را می‌شناسند و پیامبر فقط آن‌ها را به خدا تذکر می‌دهد و ندای فطری آن‌ها را پاسخ می‌دهد. اگر مردمان زمان جاهلیت، الله را نمی‌شناختند، فراخوان به ناشناخته، بیهوده بود.^۲

همچنین برای هر سفری توشه‌ای لازم است و توشه سفر آخرت نیز به فرموده خدای متعال تقوی است: «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»^۳ امروز نیز باید کسی مردمان را به خدا و پروای الهی دعوت کند، زیرا این ندهای درونی در بشر امروزین نیز وجود دارد. لذا یکی از اسما امام زمان ارواحنا فداه که در زیارت آل یس آمده، «داعی الله» است.

﴿السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَّ اللَّهِ﴾^۴

سلام بر آخرین فراخواننده به الله و پاسخ‌گوی ندای درونی بشر.

۱. الأحزاب / ۴۶.

۲. «وَلَيْتُمْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ» (العنکبوت / ۶۱)

۳. البقرة / ۱۹۷.

۴. زیارت آل یس.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۷

پژوهش و خودآزمایی

چه زمانی نخستین بار دربارهٔ خدا کنجکاو شدید؟
آیاتی را که نشان دهندهٔ شناخت مشرکان و بت پرستان نسبت به
«الله» است، بیان کنید.

درس ۲

عهد فطرت را هماره یاد آر

داشتن زبان مشترک میان همه انسان‌ها آرزوی بسیاری از مصلحان است. آیا روزی می‌رسد که یک انسان شرقی با یک غربی به یک زبان سخن بگویند و همگان آن زبان را بفهمند و به آن احترام بگذارند؟

همه انسان‌ها خداشناس به دنیا می‌آیند، ولی این معرفت در دنیا به فراموشی سپرده می‌شود. خدای متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن نَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾^۱

به یاد آر آنگاه که پروردگار تو از پشت بنی آدم نسلشان را پدید

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۹

آورد و [به زبان فطرت] آن‌ها را بر خودشان گواه ساخت که: مگر من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی دادیم؛ [این گواهی را به زبان فطرت گرفتیم] تا روز رستاخیز نگویید از این [توحید] بی‌خبر بودیم.

باید کسی باشد که اولاً این معرفت را به یاد انسان‌ها بیاورد؛ ثانیاً پیمانی را که براساس این معرفت از او ستانده‌اند، مطالبه کند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه هدف از ارسال رسل را چنین بیان می‌کنند:

«فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ»^۱.

پس خداوند رسولانش را برانگیخت و پیامبرانش را پی‌درپی به‌سوی آنان گسیل داشت، تا ادای عهد فطرت الهی را از مردم بخواهند و نعمت‌های فراموش‌شده او را به‌یادشان آرند.

پس وجود فرستادگان الهی برای یادآوری میثاق عالم ذر ضروری است و اگر امروز انسان‌هایی متذکر معرفت خدای سبحان هستند و بر پیمان خود در عالم الست باقی مانده‌اند، به هدایت و دلالت یکی از این فرستادگان یعنی وجود مبارک ولیّ الله الأعظم حضرت مهدی علیه السلام است.

حضرت صادق علیه السلام به عبدالرحمان بن کثیر فرمودند: اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی‌شد: «أَوْلَانَا مَا عُرِفَ اللهُ»^۲

۱. خطبه / ۱.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۶۱.

پژوهش و خودآزمایی

آیا اینکه حضرات معصومین فرموده‌اند: «اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی‌شد.» با معرفت فطری تضادی دارد؟
روایات مشابهی دربارهٔ نقش ائمه در شناخت خداوند می‌شناسید؟

درس ۳

خالقم از من چه خواهد در جهان؟

دوست دارم انجام وظیفه کنم و ننگ شکست را نپذیرم. آیا راهی به این خواسته قلبی دارم یا نه؟ چگونه می‌توان به آن رسید؟

بعد از آنکه بشر دانست جهان را خدایی است، این سؤال برای او پیش می‌آید که او از بنده‌اش چه می‌خواهد. باید کسی باشد که خواست خدا از بنده - یا به عبارت دیگر، اوامر و نواهی‌اش - را به او برساند. همین مسؤلیت - یعنی نشان دادن خواست الهی از بنده‌اش - ضرورت وجود فرستادگان الهی و نیز دلیل صدق مدّعی آنان را می‌رساند.

امیرالمؤمنین علیه السلام به فضل بن سکن فرمود:

اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولَ بِالرَّسَالَةِ^۱

خدا را با استعانت از خودش بشناسید و رسول را به اینکه فرستادهٔ اوست.

یعنی همان طور که قبلاً بیان شد معرّفی خدا به خودِ خداست ولی راه شناسایی فرستادگان الهی، رسالت و مأموریت آنان است. یعنی آن‌ها از جانب خدا مأمورند تا به سؤال عقلی بشر پاسخ دهند که چه وظیفه‌ای در قبال خالق خود دارد.

پرواضح است که وظایف بندگان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف یکسان نیست. هر امتی، بلکه هر فردی، از جانب خدا موظف به انجام اموری است. امروز خدای متعال از ما چه می‌خواهد؟

البته بسیاری از اوامر و نواهی میان بندگان مشترک است ولی هر بنده‌ای در موقعیت‌های مختلف و وظائفی خاص برعهده دارد.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ»^۱

سلام بر آن امام همام که خواست الهی از هرکسی را به او نشان می‌دهد.

پژوهش و خودآزمایی

این مسأله که انسان بداند خدایش چه چیزی از او می‌خواهد، چه اهمیتی دارد؟

عبارت «حجة الله و دليل ارادته» چه سبک زیستنی برای انسان تعیین می‌کند؟

۴ درس

مالک مملوک! دستم را بگیر!

اختیار جان مرا دارد. جوانی و پیری من به ارادهٔ اوست. می‌دهد و می‌ستاند. این را بارها تجربه کرده‌ام، در خودم و دیگران. به رحمت می‌دهد و به حکمت می‌گیرد. نه در دادنش منت می‌نهد و نه در گرفتنش به زحمت می‌افکند. آری، با تمام وجود به او می‌گویم: انت المالك و أنا المملوك.

انسان‌ها، بانگریستن به خود، می‌یابند که مملوک‌اند و مالک هیچ چیز نیستند. مثلاً حیات و مماتشان به دست خودشان نیست؛ علم و قدرت و کمالاتشان به خودشان نیست، که اگر مالک بودند، آن‌ها را از دست نمی‌دادند. پس این کمالات مالک دارند.

خدای متعال در کتابش به این حقیقت توجه می‌دهد:

﴿وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ

لَا حَيَاةَ وَلَا نُشُورًا^۱

انسان‌ها مالک نفع و ضرری نیستند که بدیشان می‌رسد. نیز مرگ و حیات و برانگیخته شدنشان به خودشان نیست. همچنین انسان‌ها می‌بینند که مالک جهان اطراف خود نیز نیستند. گردش روز و شب، خورشید و ماه و غیر قابل شمار پدیده‌های طبیعی به دست آنان نیست. این پدیده‌های طبیعی نیز مالکی غیر از ما دارند.

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا﴾^۲

ربّ در لغت به معنای مالک و صاحب آمده است.^۳ لذا در آیات متعدد به این حقیقت توجه داده شده که مالک آسمان‌ها و زمین فقط خداست.

ما و جهان اطراف ما مالک دارد و همه مملوک او هستیم؛ پس به حکم عقل نباید در ملک او بی‌اذن او تصرف کنیم.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آلَّهُ أَدْزَنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ﴾^۴

به همین جهت مالک حقیقی عالم، فرستادگانی از جانب خود به سوی مملوکان و مربوبین گسیل داشته و می‌دارد تا برای مردم روشن کنند که در چه قسمت از ملک او - هستی و شریعت - می‌توانند دخل و

۱. الفرقان / ۳.

۲. الرعد / ۱۶.

۳. «فَالرَّبُّ: المالك و الخالق و الصّاحب» معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۸۱.

۴. یونس / ۵۹.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۳۵

تصرّف نمایند.

دقت کنید! این ملک بسیار گسترده است که نه فقط عالم هستی، بلکه عالم شریعت را نیز در بر می‌گیرد. هرگونه دخل و تصرّف در آن نیز نیازمند اذن الهی است.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾^۱

آن بزرگ مردی که امروز نشان دهنده اذن و اجازه خدا در دخل و تصرّف بندگان در دین و دنیا است، وجود مقدّس صاحب الامر عجل الله فرجه است.

پژوهش و خودآزمایی

می‌توانید به نشانه‌هایی از مملوک بودن خود اشاره کنید؟
آیا انسان هیچ‌گاه مالک می‌شود؟

درس ۵

من به رزقت زنده‌ام، روزی رسان!

هر طرفی نگاه می‌کنم خود را غرق نعمت‌هایش می‌بینم، حتی وجودم را از او دارم. حال که چنین است، چه اندازه باید در خدمتش بکوشم؟ و چگونه این همه نعمت را سپاس‌گزارم؟

مابندگان ریزه‌خوارِ خوانِ کرمِ حضرتِ حقیق. شرطِ عقل است که: اولاً روزی‌دهندهٔ خود را بشناسیم؛ ثانیاً تا زمانی که بر سر سفرهٔ او هستیم، او را معصیت نکنیم.

حجج‌الهیة علیهم‌السلام بشر را به رازقیّت خدا تذکر می‌دهند و او را از نمک‌نشناسی و نمکدان‌شکستن باز می‌دارند. یکی از هشدارهای حجج‌الهیة این است:

«وَرُوِيَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام أَنَّهُ جَاءَ رَجُلٌ وَقَالَ: أَنَا رَجُلٌ عَاصٍ وَلَا أَصْبِرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ، فَعِظَنِي بِمَوْعِظَةٍ. قَالَ

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۳۷

صلوات الله عليه: **افْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ؛**

فَأَوَّلُ ذَلِكَ لَا تَأْكُلُ رِزْقَ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ...»^۱

شخصی که آلوده به گناه بود خدمت امام سجّاد علیه السلام رسید و

گفت: توانایی ترک گناه را ندارم. حضرت فرمود: پنج کار انجام

بده، سپس هر چه خواهی گناه کن. یکی اینکه روزی خدا را

مخور و هر گناهی خواستی انجام بده... تا آخر حدیث.

آیا نباید یا نیاز نیست در زمان ما کسی مردم را به رازقیّت خدا

تذکر دهد و از نمک‌نشناسی باز دارد؟ امام زمان ارواحنا فداه، خود واسطه

رزق در زمان ماست. پس او به نحو اتمّ و اکمل می‌تواند کسانی را که

روزی می‌خورند، به روزی‌دهنده توجّه دهد. در دعای عدیله آمده:

«**بِئْسُنِيهِ رِزْقَ الْوَرَى**»^۲

پژوهش و خودآزمایی

در کلمات امام سجّاد علیه السلام به پنج مورد برای موعظه اشاره شده

است، چهار مورد دیگر را که در درس نیامده، بیان کنید.

از امام زمان علیه السلام که واسطه روزی ما است تاکنون چیزی

خواسته‌اید؟ اگر جواب مثبت است، تجربه خود را بیان نمایید. اگر

تاکنون چیزی نخواستید، این مطلب را تجربه کنید.

۱. جامع الأخبار، ص ۱۳۰.

۲. زاد المعاد، ص ۴۲۳.

درس ۶

مالک ملک جهانی ای خدا!

در گذران عمر خودم در این دنیا فهمیده‌ام که دنیا مملکتی بزرگ است با حاکمی که نیازی به مردم ندارد و جز پیشرفت و ترقی آن‌ها را نمی‌خواهد. مقرراتش هم برخاسته از لطف اوست که نیازهای ما را بهتر از خودمان شناخته و بدون توقع برطرف می‌کند.

هر مُلک و مملکتی فرمانروا و سلطانی دارد و هر سلطنتی لوازمی دارد. وزیر و وکیل و سفیر و خدم و حشم داشتن در زمره این لوازم هستند که هر یک تحت فرمان پادشاه به وظیفه خویش مشغولند. از میان آن‌ها سفیران و وظیفه رساندن منویات و پیام‌های سلطان را به دیگران بر عهده دارند.

مُلک هستی نیز فرمانروا و پادشاه دارد. این مَلک الملوک - جَلتِ عظمته - و سلطان بی‌مانند، سفیران و رسولانی دارد که آن‌ها را به سوی

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۳۹

مردمان می‌فرستد تا همه را زیر سایه سلطنتش قرار دهند و از مواهب سلطنت او بهره‌مند شوند.

خدای متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱

بگو ای مردم! منم فرستاده خدا به‌سوی همگی شما، همان خدایی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین ویژه اوست.

اگر سلطنت خدا پابرجاست که قطعاً چنین است، شؤون سلطنتش از جمله وجود کارگزاران و سفیرانش نیز پابرجاست. امروز آخرین سفیر الهی حضرت بقیه الله ﷺ واجد این مقام است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِمَامِنَا وَ ابْنِ أُمَّتِنَا وَ سَيِّدِنَا وَ ابْنِ سَادَتِنَا،
الْوَصِيِّ الزَّكِيِّ التَّقِيِّ النَّقِيِّ، الْإِمَامِ الْبَاقِيِ ابْنِ الْمَاضِي،
حُجَّتِكَ فِي الْأَرْضِ عَلَى الْعِبَادِ وَ غَيْبِكَ الْحَافِظِ فِي الْبِلَادِ وَ
السَّفِيرِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْقَائِمِ فِيهِمْ بِحَقِّكَ.^۲

پژوهش و خودآزمایی

امام زمان سفیر الهی در زمان ما است، آیا خود او نیز سفیرانی دارد؟
سفرای امام زمان چه ویژگی‌هایی دارند؟

۱. الأعراف / ۱۵۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۲۷.

۷ درس

حکمتش مبنای خلقت آمده

کاش همهٔ مدیران براساس حکمت عمل می‌کردند...
کاش همواره در جهان، حاکم، حکیم بود و حکیم،
حاکم... این آرزوی دیرینهٔ بشر است برای حاکمان
بشری‌اش ولی در مورد احکم الحاکمین به‌راستی
چنین است. نیک بنگرید و انصاف دهید. جلوه‌های
حکمتش را در هر گوشهٔ این جهان ندیده‌اید؟

یکی از صفات خالق بی‌همتا، حکیم است، یعنی کسی که کار عبث و
بیهوده نمی‌کند.

آفریدگار حکیم، انسان‌ها را بیهوده خلق نکرده است. خدای متعال
می‌فرماید:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾^۱

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۴۱

آیا پنداشته‌اید شما را بی‌هوده آفریدیم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟

انسان‌ها برای چه خلق شده‌اند؟

باید کسی یا کسانی باشند که هدف خدا از خلقت انسان را به او یادآوری کنند، تا انسان‌ها از حیرت خارج شوند و راه درست انسانی را که مسیر الهی است، بازشناسند و در آن گام نهند.
امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

لَوْلَا مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْهُ وَوَلَدِهِ، كُنْتُمْ
حَيَارَى كَالْبَهَائِمِ.^۱

اگر حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت - که جملگی فرزندان ایشان هستند - نمی‌بودند، شما همچون چهارپایان در حیرت بودید.

حضرت صاحب الزمان آخرین این اوصیاء است که به یمن وجود او، انسان حق جو از حیرت خارج می‌شود.

پژوهش و خودآزمایی

برخی آیات حکیمانه بودن آفرینش را بیان کنید؟
آیا انبیاء علیهم السلام به غیر از جنبه‌های معنوی، در پیشرفت جنبه‌های مادی بشر هم دخالت داشته‌اند؟

درس ۸

کی عبث این خلقت از او شد پدید؟

دنیا را بی‌هدف نیافریده است، اما در این هدف نیازی به آدمیان ندارد. هدفداری را نه تنها به آدمیان که به جانوران و گیاهان و درختان نیز آموخته است. چگونه هدف را بشناسیم و چگونه به سوی آن گام برداریم؟

اندیشیدن در آفرینش آسمان و زمین و دقایق و ظرایف و شگفتی‌های طبیعت، انسان صاحب خرد را به این نقطه می‌رساند که خلقت، باطل و پوچ نیست.

خدای متعال در کتاب نورانی خود به این حقیقت این‌گونه اشاره کرده است که خردورزان چنین می‌گویند:

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۴۳

هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^۱

در نقطه مقابل، پوشانندگان حقیقت، خلقت آسمان‌ها و زمین را باطل می‌پندارند.

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا، ذَلِكَ ظَنُّ

الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾^۲

اندیشیدن در آفرینش خودمان، ما را به پوچ نبودن آن رهنمون می‌سازد، اما کافی نیست که بدانیم آفرینش آسمان و زمین و انسان، پوچ نیست، بلکه باید کسی باشد که هدف از خلقت هستی خصوصاً آفرینش انسان را به ما بگوید. عقل به تنهایی راهی به شناخت هدف آفرینش ندارد. فرستادگانی که از جانب خدا می‌آیند، هدف از خلقت را بیان می‌کنند.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۳

نیاز به دانستن هدف آفرینش، در همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها وجود دارد. امروز امام مهدی عجل الله فرجه هدف از آفرینش را برای مردم، به درستی تبیین می‌فرماید.

ایشان در پاسخ نامه احمد بن اسحاق نگاشتند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدى بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَقُلُوبًا وَ

۱. آل عمران / ۱۹۱.

۲. ص / ۲۷.

۳. الذاریات / ۵۶.

الْبَابَا، ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيَّينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ،
 يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَ يُعَرِّفُونَهُمْ مَا
 جَهَلُوهُ مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَ دِينِهِمْ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَ بَعَثَ
 إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً يَأْتِينَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَنْ بَعَثَهُمُ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ
 الَّذِي جَعَلَهُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ وَ مَا آتَاهُمْ مِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَةِ وَ
 الْبَرَاهِينِ الْبَاهِرَةِ وَ الْآيَاتِ الْعَالِيَةِ.^۱

پژوهش و خودآزمایی

آیه «جن و انس را فقط برای عبادت آفریدیم» به چه معناست؟
 بنا بر فرمایش صاحب الزمان عليه السلام چرا آفرینش بیهوده نیست؟

درس ۹

فضل و رحمت شد اساس کار او

از نخستین لحظه‌ای که دیده بر این دنیا گشوده‌ایم چه دیده‌ایم جز رحمت بیکرانیش؟ بدون اینکه طلبکار باشیم بخشیده است؛ نه، نعمت را بر ما سرازیر کرده و ما را حتی قبل از اینکه نیازمان را بشناسیم بر خوان احسان خود نشانده است. چنین نیست؟

فضل و رحمت الهی منشأ فرستادن حجج الهیّه شده است. به این معنا که بر خدا واجب نیست، کسانی را برای هدایت بشر بفرستد، چون بشر طلبی از خدا ندارد. هرچه انسان دارد، از اوست و برای اوست، اما خدای رحیم می‌خواهد بشر را تکامل دهد و به بهشت ببرد. خلقت بهشت نیز از باب فضل الهی است. لذا بزرگ مردانی را در لباس پیامبری به سوی بشر فرستاده تا آن‌ها را به بهشت و رضوان الهی بشارت دهند. راه بهشت، راهنما می‌طلبد و یکی از مهم‌ترین صفات رسولان الهی

بشارت و راهنمایی به بهشت است.

﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾^۱

این آیه اشاره دارد که خدا انبیاء را برانگیخت تا بشارت دهنده باشند؛ پیامبران آمدند تا مردم را به بهشت بشارت دهند.

امروز وجود مبارک امام عصر آخرین بشیر و پیک رحمت الهی است. خداوند متعال، حضرتش را «رحمت برای تمام جهانها و جهانیان» نامیده است.

در حدیث لوح فاطمه علیها السلام خدای تعالی می فرماید: وَ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.^۲ و این رشته امامت را به وجود فرزند او - یعنی فرزند امام عسکری - که رحمت برای جهانیان است، کامل کنم.

پژوهش و خودآزمایی

حدیث لوح فاطمه علیها السلام را مطالعه نمایید.

صفت «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» برای کدام پیشوا به کار رفته است؟

۱. البقرة / ۲۱۳.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۲۸.

درس ۱۰

ظلم را در کوی او راهی نبود

نه نیازی به ستم کردن بر دیگران دارد، نه عقده‌ای دارد که به ظلم بگشاید، نه کینه‌ای از کسی دارد، پس چرا بر کسی ستم کند؟

خدای متعال به اقتضای عدلش برای عاصیان و گنهکاران کیفر معین کرده است و عاقبت ایشان دوزخ است. بدین روی، باید کسی را قرار دهد که به آنان هشدار دهد.

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا، أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾^۱

بی‌گمان بسیاری از جنّ و انس که پدید آورده‌ایم، دوزخی خواهند شد. [زیرا] قلب‌هایی دارند که با آن [حق را] در نمی‌یابند و چشم‌هایی که با آن [حقایق را] نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن [کلام حق را] نمی‌شنوند. آن‌ها به‌سان دام‌ها هستند؛ بلکه گمراه‌تر؛ آنان در غفلتند.

اگر کسی را کیفر دهیم برای کاری که عواقب آن را برایش توضیح نداده‌ایم، یعنی بدون هشدارهای لازم، این کار زشت و نوعی ظلم است. خدای متعال، از همهٔ زشتی‌ها و ستم‌ها مبرا است، پس کسی را بدون بیان رسا- در دنیا و آخرت- کیفر نمی‌دهد.

﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^۱

و ما مجازات نمی‌کنیم، مگر اینکه پیامبری بر آن‌ها برانگیزیم [و هشدار دهیم].

﴿تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾^۲

نزدیک است [دوزخ] از شدت خشم پاره‌پاره شود. هرگاه گروهی در آن افکنده می‌شود، نگهبانان دوزخ از آن‌ها می‌پرسند: آیا هشداردهنده‌ای به سراغ شما نیامد؟ می‌گویند: چرا، هشداردهنده‌ای به سراغ ما آمد ولی ما او را دروغ‌پرداز شمردیم

۱. الإسراء / ۱۵.

۲. الملک / ۸-۹.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۴۹

و گفتیم: خدا چیزی نازل نکرده و شما در گمراهی بزرگی
هستید.^۱

لذا بشر به هشدار دهنده‌ای نیاز دارد، تا او را از عدل و کيفر الهی
بترساند. امروز هشدار دهنده بزرگواری که از جانب خداوند حکیم
آمده، امام مهدی صلوات الله علیه است.

پژوهش و خودآزمایی

عدل به چه معناست؟

«لام» در «لِجَهَنَّمَ» به چه معناست؟

۱. در آیات ۳۶ و ۳۷ فاطر هم گزارش مشابهی درباره‌ی اهالی دوزخ آمده است.

درس ۱۱

شاهد نیک و بد اعمال ماست

هر مجموعه هدفمندی به نظارت نیاز دارد و دنیا نیز البته خدایمان به گواهان نیاز ندارد، اما فردایی پس از امروز مقرر داشته تا نیکان پاداش ببینند و بدکاران کیفر. وجود شاهدان برای پاسخ به انکار فردای ماست تا نگوییم: ما و بدی؟! ما و ناسپاسی؟! ما و نمک‌ناشناسی؟!

یکی از اصول مسلم نزد عقلای عالم، وجود شاهد یا شاهدان برای محاکمه است. بدین معنا که برای محاکمه و جزا دادن کسی، باید شاهدی با چشم خود، فعلِ فاعل را دیده باشد تا بتواند در محکمه نزد قاضی گواهی دهد. یکی از حکمت‌های ارسال حجّت از طرف خداوند، گواهی دادن آنان در دادگاه عدل الهی است.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۵۱

فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿۱﴾

بر شما پیامبری فرستادیم که شاهد بر شماست، همان‌گونه که بر فرعون رسولی فرستادیم.

البته خدای متعال، خود به شاهد نیاز ندارد، چون خود بر همه چیز - از خرد تا کلان و دور و نزدیک - آگاه است.

این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است:

اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. ۲

از نافرمانی خدا در خلوت‌ها پروا کنید که شاهد همان قاضی است.

خدای متعال برای مردم شاهد قرار داده تا به قلب بندگان آرامش دهد و با عاصیان اتمام حجّت کند.

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا
وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا
حَاسِبِينَ﴾ ۳

میزان‌های عدالت را در روز رستخیز قرار می‌دهیم و هیچ‌کس مطلقاً مورد ستم قرار نخواهد گرفت. اگر [اعمال نیک و بد] هم‌وزن دانه خردلی باشد، آن را [به حساب] می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم.

این سنّت قطعی الهی - یعنی وجود شاهدان از طرف خداوند - در هر

۱. المزمّل / ۱۵.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۲۴.

۳. الأنبياء / ۴۷.

زمان همواره جریان دارد.

﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ
سَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ﴾^۱

بگو: به عمل کوشید که خدا و پیامبرش و مؤمنان، کردار شما را می‌بینند و به‌زودی به پیشگاه خدای دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید و شما را به آنچه کردید، آگاه می‌سازد.

در بیان معصومان علیهم‌السلام آمده که مراد از مؤمنان در این آیه، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که کارهای ما را می‌بینند. وجود مبارک امام عصر ارواحنا فداه - که «چشم بینای خدا در این روزگار» است - گواه بر اعمال ما در این زمان است.

در دعای روز جمعه خطاب به امام زمان علیه‌السلام می‌خوانیم: السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ.^۲

پژوهش و خودآزمایی

آیا شنیدن برای شهادت کافی نیست؟

امام زمان علیه‌السلام در کدام دعا، شاهد معرفی شده‌اند؟

۱. التوبة / ۱۰۵.

۲. جمال الأسبوع، ص ۳۷.

درس ۱۲

رستگاران را، خدا! بنما به ما!

کدام جنایتکار است در این دنیای پرهیاهو که خود را جنایتکار بداند و دیگران را به رهایی فرا نخواند؟ بدترین بدان همانند برترین خوبان ادعای نجات‌بخشی و سامان‌دهی به بشر نابسامان را دارند. کدام‌یک راست می‌گویند؟

در جهان، صدها مکتب و مذهب ادعای حقایق و حقیقت دارند. هر کدام از این مکاتب مردم را به مرام و مسلک خود دعوت و تبلیغ می‌کنند. به عنوان نمونه، فقط صدها فرقه در میان ادیان آسمانی وجود دارد، تا چه رسد به ادیان غیر آسمانی.

این حدیث بخشی از واقعیات مربوط به تفرّق امت‌ها را نشان می‌دهد:

ابو خالد کابلی گوید: از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه: «خدا مثلی می‌زند، مردی که شریکان بر سر او کشاکش کنند و مردی که تسلیم مرد

دیگر است، آیا حکایت این دو یکسان است؟^۱ پرسیدم. امام علیه السلام فرمود: اما آن کس که شریکان بر سر او کشمکش کردند همان اوّلی بود که گروه‌های گوناگون پیرامون حکومت او گرد آمدند و با این حال یک دیگر را لعن و نفرین می‌کردند و از هم بیزاری می‌جستند، اما آن مردی که تسلیم دیگری شد همان پیشوای برحق نخستین و شیعیان او بودند. سپس فرمود: به راستی یهود پس از حضرت موسی علیه السلام هفتاد و یک فرقه شدند، که یک فرقه آن‌ها در بهشت و هفتاد و یک فرقه دیگر در دوزخند. مسیحیان پس از عیسی علیه السلام هفتاد و دو فرقه شدند که یک فرقه آن‌ها در بهشت و هفتاد و یک فرقه دیگر در دوزخند و این امت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و سه فرقه شدند که هفتاد و دو فرقه در آتش و یک فرقه در بهشتند و از این هفتاد و سه فرقه سیزده فرقه دوستی و محبت ما را با خود دارند که دوازده فرقه آن‌ها در دوزخ و یک فرقه در بهشت جای دارند و شصت فرقه از دیگر مردم دوزخی خواهند بود [که دوزخیان همان هفتاد و دو فرقه خواهند بود].^۲

۱. الزمر / ۲۹.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴ «عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلِمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا» (الزمر / ۲۹) قَالَ: أَمَّا الَّذِي فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ، فَلَانِ الْأَوَّلُ يُجْمَعُ الْمُتَفَرِّقُونَ وَلَا يَتَهُ، وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَلْعَنُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ يَبْرَأُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ. فَأَمَّا رَجُلٌ سَلِمٌ رَجُلٌ فَإِنَّهُ الْأَوَّلُ حَقًّا وَ شَيْعَتُهُ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْيَهُودَ تَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِ مُوسَى - عَلَى نَبِيْنَا وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَام - عَلَى إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، مِنْهَا فِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ سَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ. وَ تَفَرَّقَتِ النَّصَارَى بَعْدَ عِيسَى - عَلَى نَبِيْنَا وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَام - عَلَى اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ مِنْهَا فِي الْجَنَّةِ وَ

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۵۵

آیا بشر به تنهایی می‌تواند حقایق یکی از این مکاتب را تشخیص دهد؟ در حالی که همه با ابزار توجیه پیش می‌آیند و حقایق را به خواسته‌های خود بر می‌گردانند.

آنچه بشر تشخیص می‌دهد، اختلاف بین این مکاتب در اصول و فروع است، اما اینکه کدام یک درست می‌گوید، کار بشر نیست. پس یک راه بیشتر نمی‌ماند؛ در این میان خداوند کسی از جانب خود معرفی می‌کند که مکتب حق را از غیر مکتب حق باز شناسد و آن را به حق طلبان بشناساند.

پژوهش و خودآزمایی

حدیث متفرّق شدن امت پیامبر در کدام روایت اهل سنت آمده است؟

آیا قرآن برای تشخیص گروه نجات‌یابنده کافی نیست؟

﴿إِذْ أَخَذَ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ وَ تَفَرَّقَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا ﷺ عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَ فِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ مِنَ الثَّلَاثِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً ثَلَاثَ عَشْرَةَ فِرْقَةً تَنْتَحِلُ وَ لَا يَتَنَا وَ مَوَدَّتْنَا، اثْنَتَا عَشْرَةَ فِرْقَةً مِنْهَا فِي النَّارِ وَ فِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَ سِتُّونَ فِرْقَةً مِنْ سَائِرِ النَّاسِ فِي النَّارِ.﴾

درس ۱۳

در چنین حیرت کدامین سو روم؟

«بیچاره شدیم از این همه سردرگمی و تنوع حرف‌ها! چه خبر است و چه هیاهو؟ کدام راه را برگزینیم؟» می‌پرسیم: آیا زمانی بوده که بشر با چنین پرسشی روبه‌رو نشود؟ چه باید کرد؟

صدور احکام اختلافی میان قاضیان و حاکمان امری رایج در جوامع اسلامی است، به گونه‌ای که برای جرم واحد، احکام مختلفی صادر می‌گردد، حال آنکه حکم خدای متعال واحد است. ضرورتاً باید کسی باشد که حکم مورد رضایت خدا را بیان کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خبری به این ضرورت اشاره می‌کنند:

گاهی یک دعوا نزد یکی از آنان مطرح می‌شود و قاضی به رأی خود حکم می‌کند. پس از آن عین این جریان نزد قاضی دیگری عنوان می‌گردد. او درست برخلاف اوّلی رأی می‌دهد. سپس همه نزد

پیشوایشان که آنان را به قضا و داوری منصوب داشته می‌روند. او رأی همه را تصدیق می‌کند و فتوای همگان را درست می‌شمارد! در صورتی که خدای آنان یکی، پیغمبرشان یکی و کتابشان یکی است. آیا خداوند متعال آنان را به پراکندگی و اختلاف فرمان داده و آنان اطاعتش کرده‌اند؟ یا آنان را از اختلاف نهی فرموده و معصیتش نموده‌اند؟ یا اینکه خدا دین ناقصی فر فرستاده و در تکمیل آن، از آنان استمداد جسته است؟ یا ایشان شریک خدایند که حق دارند بگویند و بر خدا لازم است رضایت دهد؟ یا اینکه خداوند دین را کامل نازل کرده، اما پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبلیغ و ادای آن کوتاهی ورزیده؟ با اینکه خداوند می‌فرماید: «در قرآن هیچ چیز فروگذار نکرده‌ایم» و نیز می‌فرماید: «در قرآن بیان همه چیز آمده است» و یادآور شده است که آیات قرآن یک‌دیگر را تصدیق می‌کنند و اختلافی در آن وجود ندارد، چنان که می‌فرماید: «اگر قرآن از ناحیه غیر خدا بود اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند». قرآن ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز و باطنی پرمایه و عمیق دارد؛ نکات شگفت‌آور آن فانی نگردد و اسرار نهفته آن پایان‌پذیرد. هرگز تاریکی‌های جهل و نادانی جز به آن رفع نخواهد شد.^۱

۱. الإحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۱ «تَرِدُ عَلَى أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ، فَيَحْكُمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ. ثُمَّ تَرِدُ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ بِعَيْنَيْهَا عَلَى غَيْرِهِ، فَيَحْكُمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ. ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِذَلِكَ عِنْدَ الْأَمَامِ الَّذِي اسْتَفْضَاهُمْ؛ فَيُصَوِّبُ آرَاءَهُمْ جَمِيعاً وَإِلَهُمْ وَاحِداً وَنَبِيَّهُمْ وَاحِداً وَكِتَابَهُمْ وَاحِداً. أَفَأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ؟ أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ؟ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ دِيناً نَاقِصاً، فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلَى إِتْمَامِهِ؟ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ، فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَ عَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى؟ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِيناً تَاماً، فَقَصَرَ الرَّسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَدَاتِهِ؟ وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: ﴿مَا قَوَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (الأ‌نعام / ۲۸) وَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ، وَ

برخی می‌گویند: قرآن به تنهایی رافع اختلاف است. باید گفت همه فرقه‌های اسلامی خود را پیرو همین قرآن می‌پندارند و به آن استناد و استدلال می‌کنند. جبریه، مَفُوضه، عدلیّه، حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و شیعه همه احکام خود را مطابق قرآن می‌دانند. باید کسی باشد که «حکم الله» را مطابق واقع و مرضی الهی برای مردم بیان نماید. پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

أَنْتَ تَبَيِّنُ لِأُمَّتِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ بَعْدِي.^۱

رسول خدا ﷺ به امر الهی برای حلّ مشکلی که در آینده روی خواهد داد، امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان «رافع اختلاف» به مردم شناساند، تاهمگان در چنین مواردی راه را از بیراهه باز شناسند و حجت بر همگان تمام شود.

به حکم عقل، این جایگاه پس از امیرالمؤمنین علیه السلام به جانشینان راستین او علیهم السلام رسیده و امروز، امام عصر ارواحنا فدا رافع اختلاف است.

پژوهش و خودآزمایی

در اختلافات بین مؤمنان در زمان غیبت به چه کسی باید مراجعه کرد؟

آیا نمونه‌ای از حلّ اختلاف توسط امام عصر علیه السلام سراغ دارید؟

۱۴ ذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَأَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ. فَقَالَ سُبْحَانَهُ: وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء / ۸۲). وَأَنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنْبِقُ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي عَرَائِبُهُ، وَلَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ»

درس ۱۴

ای امین حق در این ملک جهان!

برای رسیدن به راه رهایی بسیار اندیشیده‌ام، مدعیان را بسیار دیده‌ام و سخنان را فراوان سنجیده‌ام. به اینجا رسیدم که اگر کسی را بیابم که خدایم به او اطمینان دارد، مشکل من برای همیشه حل می‌شود. آیا چنین انسان آسمانی در روی زمین پیدا می‌کنم؟

خدای متعال در هر زمانی امینی میان خلق دارد که سخن او را بی‌کم‌وکاست به آنان می‌رساند. این امین زمانی رسول خدا بودند و پس از حضرتش امامان علیهم‌السلام.

امام رضا علیه‌السلام به عبدالله بن جندب نگاشتند:

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ أَمِينًا لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ، فَلَمَّا قَبِضَ
كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ، فَخُنُّ أُمَّتَاءِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.^۱

اما بعد به راستی محمد ﷺ، امین خدا در میان خلقتش بود. چون وفات کرد، ما اهل بیت وارثانش هستیم و ماییم امان خدا در زمین.

حجت خدا از سوی دیگر، در هر زمان امانت دار بندگان خدا نیز هست. به عنوان نمونه در فضیلت زیارت امین الله - که برای زیارت همه امامان آمده - از امام باقر ع آمده است:

مَا قَالَهَا أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ أَحَدٍ مِنَ
الْأئِمَّةِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، إِلَّا وَقَعَ فِي دَرَجِ نُورٍ وَ طُبِعَ
عَلَيْهِ بِطَابَعِ مُحَمَّدٍ ع، حَتَّى يُسَلَّمَ إِلَى الْقَائِمِ ع، فَيُلْقَى
صَاحِبَهُ بِالْبُشْرَى وَ التَّحِيَّةِ وَ الْكِرَامَةِ وَ هَذِهِ الزِّيَارَةُ السَّلَام
عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.^۱

از شیعیان ما کسی این زیارت را نزد یکی از امامان نمی خواند مگر اینکه زیارتش پیچیده شده در نور و مهر شده به مهر نبوی به محضر امام عصر می رسد.

از این رو حضرت مهدی ع علاوه بر حفظ امانات الهی، امانات ما را نیز نگاه می دارد.

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۶۱

پژوهش و خودآزمایی

امانتی را که آسمان‌ها و زمین از کشیدن آن سر باز زدند، با توجه به تفاسیر توضیح دهید.

ماجرای حدیث پیامبر که فرمود: «لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ عَلِيٌّ»^۱

چیست؟

درس ۱۵

حضرتش در این جهان فصل الخطاب

خسته نشدی از این هیاهو؟ کلام آخر کجاست که به آن دل ببندی و آسوده شوی؟ سر به آرامش بر بالین یقین بگذاری و از توفان سرگردانی به ساحل نجات برسی! فصل الخطاب کجاست؟

وقتی خدا بخواهد با بندگانش سخن گوید، به زبان فرستادگانش با آنان سخن می گوید، زیرا آنان «لسان الله» هستند. امام عصر سلام الله علیه در این باره فرمودند:

بدان که خدای عزوجل آن گونه که چشم ببیند با مردم گفت و گو نمی کند و روبه رو با آنها سخن نمی گوید، به جای آن خدای جل جلاله فرستادگانی از جنس و صنف خودشان بر آنها برمی انگیزد.^۱
شرط اول ارتباط با خدا، وجود فرستادگانی به زبان مردمان است،

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۰۷.

تا برای مردم، کلام الهی را بیان کنند.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾^۱

اما مردمان به یک زبان سخن نمی‌گویند. هزاران زبان و لهجه میان انسان‌ها وجود دارد، خصوصاً در شریعت اسلام که گستره آن همه عالمیان را دربرمی‌گیرد.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ

نَذِيرًا﴾^۲

باید در هر زمان کسی باشد که بتواند با هر زبان و لهجه با مردم سخن گوید.

از این ویژگی در روایات به «فصل الخطاب» یاد شده است.

از اباصلت هر وی نقل شده که حضرت رضا علیه السلام با مردم به زبان‌های ایشان گفت‌وگو می‌کرد. به خدا سوگند که از نظر لغت و زبان فصیح‌ترین و داناترین مردم بود. روزی به آن بزرگوار عرض کردم ای پسر رسول خدا از دانش شما به این لغت‌ها با وجود اختلافات آن‌ها در شگفتم. حضرت فرمود: ای اباصلت! من حجت خدا بر خلق او هستم و حق تعالی حجّتی بر قومی قرار ندهد که زبان‌های ایشان را نشناسد. آیا کلام امیرالمؤمنین علیه السلام به تو نرسیده که فرمود: «فصل الخطاب» به ما داده شده است؟ و آیا فصل الخطاب غیر از شناخت لغت‌ها است؟^۳

۱. ابراهیم / ۴.

۲. الفرقان / ۱.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۲۸. «كَانَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يُكَلِّمُ النَّاسَ بِلُغَاتِهِمْ وَكَانَ

این جایگاه امروز باید در وجود مقدّس حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ یافت. در دعایی که یونس بن عبدالرحمن از امام رضا برای دفع بلا از حضرت صاحب الامر نقل کرده، اشاره به این مقام دارد:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَعَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقَكَ وَ
لِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ.^۱

پژوهش و خودآزمایی

آیا فصل الخطاب معنای دیگری نیز دارد؟
آیا نمونه‌ای از سخن گفتن امامان به زبان غیر عربی می‌شناسید؟

۱۲ وَ اللَّهُ أَفْصَحَ النَّاسِ وَأَعْلَمَهُمْ بِكُلِّ لِسَانٍ وَ لُغَةٍ. فَقُلْتُ لَهُ يَوْمًا: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي
لَأَعْجَبُ مِنْ مَعْرِفَتِكَ بِهَذِهِ اللُّغَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهَا فَقَالَ يَا أَبَا الصَّلْتِ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ
وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَتَّخِذَ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ لُغَاتِهِمْ. أَوْ مَا بَلَغَكَ قَوْلُ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْ تَبِينَا فَضْلَ الْخِطَابِ؟ فَهَلْ فَضْلُ الْخِطَابِ إِلَّا مَعْرِفَةُ اللُّغَاتِ؟»

درس ۱۶

دین حق را او مبین آمده

اختلاف در دین دست‌کم پس از شهادت رسول خدا، از مسلمات تاریخ است. در این میان بدیهی است که دین موردنظر خداوند، یکی از این قرائت‌ها است نه بیشتر. آیا خداوند مردم را در این اختلافات، تنها می‌گذارد و دست آن‌ها را نمی‌گیرد؟

دین اگر برنامه زندگی خداپسندانه برای انسان‌ها باشد، یکی بیش نیست؛ زیرا خدایکی است، پس ناگزیر دین نیز باید یکی باشد. این مطلب مورد تأیید کلام الله نیز هست.

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۱

البته راه و روش دستیابی به این برنامه جامع متفاوت است، لذا یهودیت، مسیحیت، اسلام و غیره بر فرض عدم تحریف، شرایع هستند،

نه ادیان مختلف. برای روشن شدن مطلب، رودخانه بزرگی را در نظر بگیرید که در درّه‌ای جاری است و فقط از مسیرهای مخصوصی می‌توان به آب آن دسترسی داشت. عرب به این دسترسی‌ها «شریعه» می‌گوید. پس یک رودخانه که همان دین باشد، بیشتر نیست اما راه‌های دسترسی به آن متفاوت است که به آن‌ها شریعت می‌گویند. خدای متعال پنج شریعت برای دین قرار داده است و برای هر شریعتی پیامبری معین کرده که عبارتند از: نوح، ابراهیم، موسی و عیسی و محمد علی نبینا و آله و علیهم‌السلام. لذا پنج پیامبر صاحب شریعت، مردم را به اسلام دعوت کردند. به عنوان مثال، حضرت ابراهیم در وصیت خود به فرزندانش فرمود:

﴿وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۱

از طرفی دین باید خیلی گسترده باشد، زیرا زندگی بسیار گسترده است و هر روز نیز برگسترگی زندگی و مسائل آن افزوده می‌شود. لذا به حکم عقل در هر زمان به کسی نیاز داریم که راه و روش زندگی در آن زمان و پاسخ به مسائل جدید را به انسان‌ها بیاموزد. حکمت ارسال بقیه انبیاء و حجج الهی که تعداد آن‌ها به هزاران نفر می‌رسد، تبلیغ و تبیین این پنج شریعت است. شریعت ختمیه حضرت خاتم الانبیاء نیز از این قاعده مستثنی نیست و امروز حضرت ولی عصر علیه‌السلام مبلّغ و مبیین آخرین شریعت الهی است.

در نامه امام عصر ارواحنا فداه به خط سعدبن عبدالله آمده است:

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۶۷

خدای عزّوجلّ فرماید: «الم، آیا مردم گمان برند، به محض اینکه گویند، ایمان آوردیم رها می شوند و آزمایش نشوند؟». چگونه در فتنه و در سرگردانی تردید می افتند؟ از چپ و راست می روند و از دیانت دست برمی دارند. آیا شک دارند؟ یا با حق عناد می ورزند؟ یا آنچه در روایات درست و اخبار صحیحه آمده، نمی دانند؟ یا می دانند و فراموش کردند که زمین از حجّت آشکار یا نهان خالی نمی ماند.^۱

پژوهش و خودآزمایی

باتوجه به آیات قرآن، اسلام مورد رضای الهی کدام است؟

اسلام به چه معناست؟

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱ «فَأَنَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: أَلَمْ أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتَرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ، كَيْفَ يَتَسَاقَطُونَ فِي الْفِتْنَةِ؟ وَ يَتَرَدَّدُونَ فِي الْحَيْرَةِ؟ وَ يَأْخُذُونَ يَمِينًا وَ شِمَالًا، فَارْقُوا دِينَهُمْ، أَمْ ارْتَابُوا، أَمْ عَانَدُوا الْحَقَّ، أَمْ جَهِلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّوَايَاتُ الصَّادِقَةُ وَ الْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ، أَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ فَتَنَسَّوْا مَا يَعْلَمُونَ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا وَ إِمَّا مَعْمُورًا»

درس ۱۷

یاد مُنعم را چو نعمت پاس دار

کدام انسان است که مواجه شود با کسی که به او لطفی کرده، آنگاه تشکر از او را به حکم عقل، لازم نداند؟ کمترین درجه شکر نعمت، تذکر نعمت است که انسان در هر فرصتی از نعمت و نعمت‌دهنده به نیکی یاد کند و یاد او را زنده بدارد.

انسان‌ها به مانند ماهیان در اقیانوس، در نعمت‌های بی‌شمار الهی، غوطه‌ور هستند.

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱

این غرقِ نعمت بودن، سبب و حجاب شده که انسان سه چیز را نبیند:

یکی خودِ نعمت را، زیرا عادت بشری این‌گونه است، چیزی را که

دارد، ذاتی می‌پندارد. این همان حجاب عادت است، که انسان را از حقیقت داشته‌های عاریتی‌اش، غافل می‌کند.

دوم غفلت از این نکته که نعمت‌های الهی غیر قابل شمارش است. به این معنا که اگر به تعدادی از نعمت‌ها خبر و توجّه داشت، از بسیاری دیگر خبر ندارد.

نکته سوم که از دو مورد قبل مهم‌تر است، غفلت نسبت به مُنعم است. بسا انسان‌هایی که به دو مورد اول توجّه دارند، ولی از صاحب نعمت غافل‌اند.

ای دوست! شکر بهتر، یا آنکه شکر سازد

خوبی قمر بهتر، یا آنکه قمر سازد

ای باغ تویی خوش‌تر، یا گلشن و گل در تو

یا آنکه بر آرد گل، صد نرگس تر سازد

بسیاری از انسان‌ها در حجاب نعمت مانده‌اند. یعنی مبهوت زیبایی و شگفتی نعمت‌ها شده و از صاحب نعمت غافل هستند، در صورتی که نعمت باید ما را به صاحب نعمت رهنمون سازد.

خدای متعال حجّت‌هایش را در همهٔ زمان‌ها به سوی مردم فرستاده، تا اولاً آنان را به نعمت‌های فراموش‌شده، یادآوری کنند، ثانیاً از رهگذر این نعمت‌ها، آنان را با صاحبان نعمت‌ها پیوند دهند. وجود امام عصر علیه السلام در این میان نقش اساسی و حیاتی دارد.

پژوهش و خودآزمایی

اولین باری را که نعمتی از خدا را سپاس گفتید، به یاد می‌آورید؟ آیات «نعمت الله» را در قرآن بررسی نمایید.

۱۸ درس

شکر منعم را چه سان جای آورم؟

وارد سرزمینی شده‌ام که آداب آن را نمی‌دانم. در همین دیار، مورد لطف فردی قرار می‌گیرم و دوست دارم به حکم عقل، از او تشکر کنم. چگونه انجام وظیفه کنم؟ این پرسش را از چه کسی بپرسم؟

شکر مُنعم عقلاً واجب است و مُنعم علی الإطلاق انسان‌ها، خدای متعال است.

چگونه باید نعمت‌هایش را سپاس‌گزاریم؟ نحوه و شکل شکرگزاری از او چگونه است؟

عقل راهی به نحوه و شکل و چگونگی تشکر از خدا ندارد؛ زیرا خدای نعمت‌بخش ما، شباهتی با مخلوقات نیکوکار دیگر ندارد. ما برای تشکر از هم‌نوعان خود، می‌دانیم چه باید کرد تا نیکی آنان را پاسخ دهیم ولی در مورد خدای متعال این‌گونه نیست، بلکه باید کسی باشد که

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۷۱

نحوه شکرگزاری از خدا را به ما بیاموزد.

از جهت دیگر باید بین نعمت و تشکر از آن نسبتی برقرار باشد. این نسبت نیز برای عقل انسان مجهول است.

خدای متعال فرستادگانش را در هر زمان در میان مردمان قرار داده تا نحوه سپاسگزاری متناسب با نعمت‌هایش را به آنان بیاموزد.

امروز، ولّی نعمت ما، حضرت حجّت علیه السلام - آن کس که همه خوبی‌ها که به ما رسیده و می‌رسد، از مجرا و ناحیه اوست - نحوه شکرگزاری از خدا را در غالب ادعیه به ما آموخته است.

پژوهش و خودآزمایی

نحوه شکرگزاری در دعای افتتاح را توضیح دهید.

چه پیوندی میان صحیفه سجّادیه به عنوان کتاب شکرگزاری و امام

عصر علیه السلام وجود دارد؟

درس ۱۹

اسوهام را ای خدا بر من نمای

دوست دارم خود را به کمال برسانم، ولی نمی‌دانم چگونه. می‌دانم که اگر یک الگوی عملی را بشناسم و به رفتار او بنگرم، پاسخ کامل به پرسش خود می‌گیرم. اینک الگوی عملی موردنظر خداوند کیست تا رفتار او را سرمشق خود قرار دهم؟

الگوپذیری در سرشت هر انسانی است. کودکان از بدو تولد رفتار اطرافیان خصوصاً پدر و مادر را در لوح وجود خود ضبط می‌کنند. هرچه سن فرزند بالاتر می‌رود، این رنگ گرفتن از رفتار بزرگ‌ترها جدی‌تر می‌شود، تا جایی که علاوه بر ظاهر، در اخلاق و رفتار شخص نیز نمودار می‌شود.

خدای متعال که آفریننده انسان است و او را الگوپذیر سرشته است، الگوهایی برای بندگانش قرار داده تا برای او در مسیر عبودیت اسوه باشند. به این حقیقت در آیات قرآن اشاره شده است.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۷۳

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۱

مهم ترین ویژگی الگو و اسوه، مشهود بودن آن است. یعنی انسان باید الگو را به چشم ببیند تا از او کمال بهره را بگیرد. لذا فقط افرادی به مراتب بالای معنوی رسیده اند که شخص بزرگ و عالمی را در طول حیات خویش دیده و از او پیروی کرده اند. این بزرگان و عالمان هم خود نیاز به الگویی بالاتر دارند، پس باید در هر زمانی الگویی تمام و کمال باشد، که بزرگان و عالمان به او اقتدا کنند.

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَرَى الْتَى بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً﴾^۲

در روایات اهل بیت علیهم السلام قراء ظاهره به عالمان تفسیر شده که واسطه بین مردم و امامان هستند. افرادی چون سیدبن طاووس، سید بحرالعلوم، مقدّس اردبیلی، علامه محمدتقی مجلسی از این دست عالمان هستند که چشمشان به جمال نورانی ولی عصر علیه السلام در زمان غیبت روشن شده است.

در زیارت صاحب الزمان علیه السلام آمده است:

رَضِيئِكَ يَا مَوْلَايَ اِمَامًا وَ هَادِيًا وَ وَلِيًّا وَ مُرْشِدًا، لَا اَبْتَغِي
بِكَ بَدَلًا وَ لَا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا.^۳

مُرشد حقیقی امام زمان ارواحنا فداه است که باید کوشید در دوران غیبت به ایشان یا حداقل به عالمانی که از ایشان نور و بهره

۱.الأحزاب / ۲۱.

۲. سبأ / ۱۸.

۳.المزار الكبير، ص ۵۸۷.

گرفته‌اند، دست یافت.

یکی از حيله‌های شیطان، ساختن مُرشد‌های دروغین است، مانند آنچه در میان صوفیه رواج دارد. امام باقر علیه السلام در مذمت راه صوفیان فرمودند:

كُلُّ مَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ فَهُوَ بَاطِلٌ.^۱

همچنین امام رضا علیه السلام فرمودند:

مَنْ ذَكَرَ عِنْدَهُ الصُّوفِيَّةُ وَ لَمْ يُنْكِرْهُمْ بِلسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَلَيْسَ مِنَّا.^۲

پژوهش و خودآزمایی

الگوی انسان چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
برخی از انحرافات صوفیان را نام ببرید؟

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۳.

درس ۲۰

علت ایجاد هستی کیست؟ کیست؟

عالم وجود با این همه گستردگی و تنوع برای چه هدفی برپا شده است؟ پاسخ به این پرسش به ما کمک می‌کند تا مسیر حرکت به سوی کمال و جاودانگی را پیدا کنیم. بدون این پاسخ سرنوشتی جز سرگذشتی نخواهیم داشت، آنچه آفریدگارمان برای ما نمی‌پسندد.

فرض کنید کلاس درسی تشکیل شده و هدف از تشکیل این کلاس، پرورش و آموزش انسان‌هایی است که در آخر دوره، شرایط قبولی در کلاس را احراز کنند. اگر برپاکننده این کلاس، از اول بدانند که دانش‌آموزی در این کلاس تربیت نمی‌شود و یا حتی یک نفر شرایط قبول در دوره را احراز نمی‌کند، آیا تشکیل این کلاس حکیمانه است؟ جواب منفی است.

آری، کلاس درس بزرگی به ابعاد آفرینش، از جانب خدای حکیم

برپا شده است. شاگرد اوّل این کلاس حجج الهیّه اند که پذیرای تربیت الهی هستند. اگر آنان نباشند، دلیلی برای ایجاد کلاس نیست؛ علت تشکیل کلاس هستی، وجود شریف آنان است. امروز تنها فرد ممتاز مدّ نظر الهی، وجود اقدس امام مهدی علیه السلام است.

در زیارت جامعه کبیره خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام عرضه می‌داریم:

بِكُمْ فَتَحَ اللهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ.

صاحب الزمان علیه السلام نیز در توقیع شریف به این حقیقت اشاره کرده‌اند:

نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا.^۱

پژوهش و خودآزمایی

مثالی دیگر برای نزدیک شدن ذهن به مفهوم «سبب آفرینش هستی» ذکر کنید.

حدیثی درباره سبب آفرینش بیان نمایید.

نداشته باشد، حکیمانه است؟

از این رو وجود افرادی که شایستگی تعلیم و تربیت الهی را در هر زمان داشته باشند، ضروری است.

امروز آخرین کلاس درس الهی برای تنها پذیرندهٔ تعالیم الهی و البته اجراکنندهٔ این تعالیم، حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام تشکیل شده است.

در دعای عدیله در وصف امام عصر ارواحنا فداه این نکته را یادآور می‌شویم که دنیا، تنها به سبب بقای او باقی مانده است.

الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الصَّالِحُ الْقَائِمُ الْمُتَنْظَرُ الْمَهْدِيُّ، الْمُرْجَى
الَّذِي بِيَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا.^۱

پژوهش و خودآزمایی

مثالی دیگر برای مفهوم «سبب نگاهداشت هستی» بنزید.

حدیث کساء در این زمینه چه رهاوردی دارد؟

درس ۲۲

با وجودش گشته حجت‌ها تمام

آموزگاری که برای تدریس وارد جمعی می‌شود، آیا به حکم عقل، می‌تواند بدون تدریس کامل، از دانش آموزان امتحان بگیرد؟ آیا می‌توان به خداوند نسبت داد که بدون اتمام حجت، مردم را بازخواست کند.

اتمام حجت - یا به عبارت دیگر: احتجاج - یعنی آوردن دلیل آشکاری که طرف مقابل نتواند رد کند و جای هرگونه بهانه و عذری از او گرفته شود.

خدای سبحان برای اینکه بهانه را از بندگان بهانه‌جو بگیرد و زبانشان را از اعتراض کوتاه کند، در هر زمان حجتی زنده بر مردم دارد تا حجت‌اش را بر همهٔ مردمان تمام کند.

﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾^۱

ویژگی این حجت‌ها آن است که رسا و قابل فهم هستند.
امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه گرامی خود به این وظیفه فرستادگان
الهی اشاره می‌کند:

«يَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالتَّبْلِيغِ»^۱

رسولان با رساندن پی‌درپی پیام الهی، با معاندان احتجاج می‌کنند و
زبان آن‌ها را در قیامت کوتاه می‌کنند.

حضرت ولی عصر علیه السلام که آخرین حجت بالغه خدا در زمان ما
هستند. ایشان به محمد بن ابراهیم بن مهزیار فرمودند:

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يُخَلِّي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ^۲

پژوهش و خودآزمایی

نمونه‌ای از اتمام حجت الهی با خودتان را بیان کنید.

نمونه‌ای از اتمام حجت امام عصر در دوران غیبت را ذکر کنید.

۱. خطبه / ۱.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۷.

درس ۲۳

جهل را این سان ز جان باید زدود

جهالت یعنی دست نیافتن به علم یا به علم کامل، دشمن دیرینه انسان است. پیامد تصمیم‌گیری بر این اساس، خسارت و زبانی است که آثار آن گاهی قابل جبران نیست. این گرفتاری بزرگ را چگونه می‌توان از دامن بشر زدود؟

انسان به دلیل دو نقص گرفتار است، لذا به بسیاری از علوم ضروری دسترسی ندارد: یکی نقص مطلق که اساساً به برخی عوالم و علوم راه ندارد؛ مانند عالم آخرت. دیگری نقص نسبی که به دلیل محدودیت زمانی و مکانی گرفتار آن است.

نمونه‌های هر دو گونه جهل، در قرآن آمده است:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۱

باید عالمی باشد تا جهل انسان را چاره کند.

أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَلَأَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ
أَعْلَمُ مِنِّْي بِطُرُقِ الْأَرْضِ.^۱

ابن ابی الحدید معتزلی می‌گوید: در میان اصحاب پیامبر، کسی جز علی چنین ادعایی نکرده است. یکی از معانی آن خبر از آینده است که نه یک بار و صد بار، بلکه به میزانی که هرگونه شک‌های را از بین ببرد، گزارش شده است.^۲

خدای حکیم به واسطهٔ خاندان پیامبر، دانستنی‌های دینی را به ما می‌آموزد. در زیارت جامعهٔ کبیره می‌خوانیم:

بِمَوْلَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا.

لذا خداوند متعال در هر زمانی حجتی زنده قرار داده است تا انسان را از جهل برهاند.

منابع اهل تسنن نیز به این حقیقت اعتراف کرده‌اند:

از ابن عمر منقول است که گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ بسیار می‌فرمود: هرکس بدون امام بمیرد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.^۳

پژوهش و خودآزمایی

جهل نسبی و مطلق را با مثال توضیح دهید.

با مراجعه به روایات معنای «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» را بیان

نمایید.

۱. خطبه / ۱۸۹.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۰۶.

۳. مسند طرابلسی، ص ۲۵۹.

درس ۲۴

از چنین تردیدها باید گریخت

تردید، روی دیگرِ سکهٔ جهل است و نشانهٔ فقدان یقین. تمام پیامدهای جهل، از خسران و زیان فردی و جمعی، بر تردید نیز مترتب است. چگونه خود را از شک به یقین برسانیم و از پیامدهای آن بَرهانیم؟

شک یک بیماری است که عارض انسان می‌شود و برخلاف آنچه عده‌ای پنداشته‌اند، ارزشی ندارد. البته اینجا شک در مقابل یقین است. اگر شک ارزشی داشت، باید یقین ضدّ ارزش می‌گشت. در روایت آمده است:

حسین بن حکم گفت: به امام کاظم علیه السلام نامه نوشتم و به ایشان خبر دادم که من به حال شک افتاده‌ام، ابراهیم علیه السلام نیز گفت: «پروردگارا به من بنما که چگونه مرده‌ها را زنده می‌کنی؟» و من دوست دارم که شما چیزی [معجزه‌ای] به من بنمایید. حضرت در پاسخ نوشتند: ابراهیم

به راستی مؤمن و معتقد بود، فقط دوست داشت که بر ایمان او افزوده شود ولی تو در شگئی و شک‌کننده خیری ندارد. امام علیه السلام در ادامه نوشتند: شک تا آنجا است که یقین نیامده و چون یقین آمد، شک کردن روا نباشد. نیز نوشت: به راستی خدای عز و جل فرماید: «در بیشترشان [وفا به] هیچ پیمانی نیافتیم و به راستی در یافتیم که بیشترشان فاسق و ناپاکارند». و این آیه در باره شک‌کننده نازل شده است.^۱

پس انسان باید از شک به در آید و به یقین دست یابد. این خواسته خدا از بندگان است. این را هم باید بدانیم که بدترین شک‌ها، شک بعد از یقین است.

یکی از برکات وجودی امام در هر زمانی، تبدیل شک‌ها به یقین است. یونس بن یعقوب گوید: گروهی از اصحاب که حمران و ابن‌نعمان و ابن‌سالم و طیار در میانشان بودند، خدمت امام صادق علیه السلام بودند. جمع دیگری در اطراف هشام بن حکم - که آن زمان جوان نوری بود - نیز حضور داشتند. امام صادق علیه السلام فرمودند: ای هشام آیا گزارش نمی‌دهی که با عمر و بن‌عبید چه کردی و چگونه از او سؤال نمودی؟ عرض کرد: ای پسر رسول خدا! من شما را بزرگ می‌دارم و از شما حیا می‌کنم و در مقابل شما زبانم حرکت نمی‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۹۹ «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ علیه السلام أَخْبِرْهُ أَنِّي شَاكٌ وَقَدْ قَالَ «إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُخَيِّمُ الْمَوْتِي» (البقرة / ۲۶۰) وَأَنِّي أَحِبُّ أَنْ تُرِيَنِي شَيْئًا. فَكَتَبَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ مُؤْمِنًا وَأَحَبُّ أَنْ يَزِدَّادَ إِيمَانًا، وَأَنْتَ شَاكٌ وَالشَّاكُ لَا خَيْرَ فِيهِ. وَكَتَبَ: إِنَّمَا الشُّكُّ مَا لَمْ يَأْتِ الْيَقِينَ؛ فَإِذَا جَاءَ الْيَقِينَ، لَمْ يَجْزِ الشُّكُّ وَكَتَبَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: وَمَا جَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (الأعراف / ۱۰۱) قَالَ: نَزَلَتْ فِي الشَّاكِّ.»

چون به شما امری نمودم، بجای آورید.

هشام عرض کرد: خبر عُمَرُ و بِنُ عُبَیْد و جلوس او در مسجد بصره به من رسید و بر من گران آمد. رفتم و به بصره وارد شدم و روز جمعه به مسجد در آمدم، جماعت بسیاری را دیدم که حلقه زده و عُمَر و در میان آن هاست، جامهٔ پشمینه سیاهی به کمر بسته و عبایی به دوش انداخته بود و مردم از او می پرسیدند. از مردم راه خواستم، به من راه دادند تا در صف آخر مجلس به زانو نشستم.

پس از اینکه اجازه گرفتم، گفتم: ای مرد دانشمند! من مردی غریبم، اجازه دارم مسأله ای بپرسم؟ گفت: آری. گفتم: شما چشم دارید؟ گفت: پسر جانم! این چه سؤالی است، چیزی را که می بینی چگونه از آن می پرسی؟! گفتم: سؤال من همین طور است. گفت: پسر جانم، اگرچه پرستی احمقانه است. گفتم: شما جواب همان را بفرمایید. گفت: آری. گفتم: با آنچه می کنید؟ گفت: با آن رنگ ها و اشخاص را می بینم. گفتم: بینی دارید؟ گفت: آری. گفتم: با آنچه می کنید؟ گفت: با آن استشمام می کنم. گفتم: دهان دارید؟ گفت: آری. گفتم: با آنچه می کنید؟ گفت: با آن مزه را می چشم. گفتم: گوش دارید؟ گفت: آری. گفتم: با آنچه می کنید؟ گفت: با آن صدا را می شنوم.

گفتم: شما قلب^۱ دارید؟ گفت: آری. گفتم: با آنچه می کنید؟ گفت: با آن هرچه بر اعضاء و حواسم درآید، تشخیص می دهم. گفتم مگر با

۱. قلب و عقل معانی نزدیک به هم دارند. حضرت صادق علیه السلام برای هشام در روایت دیگری قلب را عقل معنا می کنند. **يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ، يَعْنِي الْأَعْقَلَ.** «تحف العقول، ص ۳۸۵»

وجود این اعضاء از قلب بی‌نیازی نیست؟ گفت: نه. گفتم چگونه، با آنکه اعضاء صحیح و سالم باشند؟ [چه نیازی به قلب دارید؟] گفتم پسر جان هرگاه اعضاء بدن تردید کنند در چیزی که ببینند یا بپسند یا بچشند یا بشنوند، آن را به قلب ارجاع دهند تا تردیدشان از بین برود و یقین حاصل کنند. گفتم: پس خدا قلب را برای رفع تردید اعضاء گذاشته است؟ گفت: آری. گفتم: قلب لازم است و گرنه برای اعضاء یقینی نباشد؟ گفت: آری. گفتم: ای عمرو! خدای تبارک و تعالی اعضاء تو را بدون امامی وانگذاشته است که صحیح را تشخیص دهد و تردید را برطرف کند، آیا این همه مخلوق را در سرگردانی و تردید و اختلاف واگذارد و برای ایشان امامی قرار ندهد که در تردید و سرگردانی خود به او رجوع کنند؟! در صورتی که برای اعضاء تو امامی قرار داده است که حیرت و تردیدت را به او ارجاع دهی؟

او ساکت شد و به من جوابی نداد، سپس به من توجه کرد و گفت: اهل کجایی؟ گفتم: اهل کوفه. گفت: تو، به راستی هشامی. سپس من را در آغوش گرفت و بر جای خود نشانید و خودش از آنجا برخاست و تا من آنجا بودم سخن نگفت. حضرت صادق علیه السلام خندیدند و فرمودند: این را چه کسی به تو آموخت؟ عرض کردم: ای پسر رسول خدا بر زبانم جاری شد. فرمودند: به خدا سوگند این مطالب در صحف ابراهیم و موسی نوشته شده است.^۱

امروز رافع شک و تردید از دل‌ها، امام عصر حضرت حجة بن الحسن عجل الله فرجه است.

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۸۷

هر کجا طایر ارشاد تو سپهر بگشود علم را ایمن از دام گمان
ساخته‌ای

پژوهش و خودآزمایی

آیا شک و ظنّ پسندیده هم داریم؟

فرق شک و ظنّ در چیست؟

درس ۲۵

از شیاطین در پناه حق در آ

وجود شیطان، یکی از مسلمات خلقت است. آزمون مردم به این دشمن آشکار، نیز یکی از مسلمات است. آیا خداوند حکیم، در برابر چنین دشمنی انسان را تنها و بدون یار و یاور رها کرده است؟

یکی از مسائل غیبی که خدای متعال در کتابش ما را به آن آگاه کرده، وجود شیاطین و الهامات آنان است.

﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا نَمُودُكُمْ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ﴾^۱

ما الهامات شیطانی را در زندگی خودمان وجدان می‌کنیم و البته آنچه مهم است، تفکیک بین الهامات رحمانی از شیطانی است که کاری

دشوار، بلکه شاید مُحال باشد. خدای متعال برای اینکه دو کفه ترازوی نیروهای خیر و شرّ را در بشر یکسان کند، همان طور که شیاطین را قرار داده، حجت‌های خارجی را هم برای یاری انسان‌ها قرار داده است. چون شیاطین خارجی در زمان ما هم هستند، ضرورتاً حجت خارجی نیز باید موجود باشد که انسان‌ها در زمان‌های حسّاس مُلتجی و پناهنده به او شوند، تا آن‌ها را از شرّ و ساوس و الهامات شیطان نگاه دارد.

در دعای علوی مصری به این حصنِ حصین در مقابل شیطان، یعنی امام هر زمانی اشاره شده است:

وَ أَنْ تُحْصِنَنِي بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ وَ تَحْجُبَنِي بِحِجَابِكَ الْمُنِيعِ
وَ تُحَرِّزَنِي بِحِزْزِكَ الْوَثِيقِ وَ تَكْفِيَنِي بِكَفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ، مِنْ
شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَ ظُلْمِ كُلِّ بَاغٍ وَ مَكْرِ كُلِّ مَآكِرٍ وَ غَدْرِ كُلِّ غَادِرٍ
وَ سِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ فَاجِرٍ.^۱

به قرینه حدیث قدسی، ولایت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه حصن خدای متعال است.

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ
عَذَابِي.^۲

امام زمان ارواحنا فداه نیز غوث و پناه بندگان از شرّ شیاطین انس و جنّ در این زمان است.

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۰.

در نامه مبارک ایشان آمده است:

أَوْ مَارَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاوِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَأَعْلَامًا
تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِي
أَبُو مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.^۱

آیا خدای تعالی پناهگاه‌هایی برای شما قرار نداده که بدان
پناهنده شوید؟ آیا از زمان آدم علیه السلام تا امام گذشته ابومحمد علیه السلام،
پرچم‌های هدایت برای شما قرار نداده است؟

پژوهش و خودآزمایی

آیا انسان می‌تواند شیطان شود؟

برخی از نیرنگ‌ها و ابزارهای شیطان برای گمراهی بشر را
برشمرد.

درس ۲۶

گنج عقلت را بیاب و زنده کن

گنجینه‌ای بزرگ دارد که از آن بی‌خبر مانده و در این حال، با فقری کُشنده و وحشتناک دست‌وپنجه نرم می‌کند، بدون اینکه راهی برای رهایی از این مشکل بیابد. آیا آفریدگار مهرورز او راهی به او نشان نداده است؟

یکی از بزرگ‌ترین موهبت‌های الهی به انسان عقل است، که ظرفیت شناختی فوق‌العاده و گسترده‌ای دارد و خوب و بد و زشت و زیبارا می‌شناسد، لذا یکی از حجّت‌های خدا بر بندگان است. امام کاظم علیه السلام به هشام فرمودند:

إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا
الظَّاهِرَةَ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأئِمَّةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَأَمَّا
الْبَاطِنَةَ فَالْعُقُولُ^۱.

خدای متعال دو حجت بر بندگان دارد: یکی عقل که حجت پنهان است و دیگری انبیاء و اوصیاء که حجت‌های ظاهری او هستند.

البته میزان بهره‌مندی افراد از عقل یکسان نیست، زیرا با ورود ما به این دنیا عقل ما محجوب به حجاب‌های دنیا می‌شود. یکی از کارهای حجت‌های الهی خارج کردن عقل از حجاب است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ.^۱

این مهم، یعنی استخراج ظرفیت‌های مخفی عقل، به عهده حجت زنده خداست. اوست که عقل را شکوفا می‌کند تا نه فقط کلیات - به گمان فلاسفه عقل فقط کلیات را درک می‌کند - بلکه جزئیات را روشن نماید. مثل عقل چون چراغ درون خانه است که خانه را روشن می‌کند. هرچه این چراغ پر نورتر باشد جزئیات بیشتری از این خانه را روشن می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فَإِذَا بَلَغَ كُشِفَ ذَلِكَ السُّتْرُ فَيَقَعُ فِي قَلْبِ هَذَا الْإِنْسَانِ نُورٌ فِيهِمْ الْفَرِيضَةُ وَالسُّنَّةُ وَالْجَيِّدَ وَالرَّدِيَّ. أَلَا وَ مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسَطِ الْبَيْتِ.^۲

هرچه تو سَل و تَمَسَّك انسان به حجت زمان بیشتر شود،

۱. خطبه / ۱.

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۹۸.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۹۳

بهره‌مندی‌اش از عقل افزایش می‌یابد.

امام زمان علیه السلام در توقیع مبارک فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ [وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ
تَقْبَلُونَ]، حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ فَمَا تُغْنِي النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ،
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.^۱

پژوهش و خودآزمایی

از توقیع مبارک امام زمان علیه السلام چه نکاتی برداشت می‌شود؟
تجربه‌ای شخصی درباره‌ی بارور شدن عقل خودتان را بیان کنید.

درس ۲۷

کیست آن خواننده آیات حق؟

قرآن کتابی است شگفت، با ظاهری زیبا و باطنی ژرف، به سان معدنی که هر بار استخراج شود، گوهرهایی تازه دارد؛ اما بخشی از این استخراج وابسته به آن است که چه کسی آن را بخواند؛ زبانی گناه آلوده یا درونی پاک و منزّه از خطا؟

یکی از وظایف فرستادگان خدا تلاوت آیات الهی است. خداوند متعال در آیات لفظی کتابش خواصی قرار داده که مهم‌ترین آن، خاصیت بیدارکنندگی معرفت الله در انسان است. این مطلب جز با وجود رسولی زنده که آیات را برای بشر تلاوت کند، محقق نمی‌شود.

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۱

علی بن ابراهیم گوید: «اسعد بن زراره و ذکوان بن عبد قیس که از قبیله خزرج بودند، در یکی از مراسم به مکه آمده بودند. علت این مسافرت آن بود که بین اوس و خزرج مدت زیادی جنگ و خونریزی ادامه داشت. آنان شب و روز اسلحه را زمین نمی گذاشتند. در جنگ بعاث، قبیله اوس بر خزرج پیروز شده بودند، لذا خزرجیان ناخوشنود به نظر می رسیدند. بدین روی اسعد بن زراره و ذکوان به مکه آمده بودند تا عمره رجب را انجام دهند و از مشرکان قریش برای خود کمک بگیرند. اسعد بن زراره از دوستان عتبه بن ربیعہ بود و در خانه وی منزل کرده بود. اسعد بن زراره گفت: بین ما اکنون جنگ است و ما آمده ایم از شما کمک بگیریم تا با مخالفان خود بجنگیم. عتبه گفت: محل ما از شما دور است و ما نیز اکنون گرفتاری داریم. اسعد پرسید: گرفتاری شما چیست؟ شما که در حرم امن خداوند هستید. عتبه گفت: مردی در میان ما پیدا شده که مدعی است من رسول خدا هستم. وی جوانان ما را از راه به در می برد، خدایان ما را دشنام می دهد و ما را دیوانه و نادان می خواند. اسعد گفت: وی در میان شما چگونه کسی است؟ عتبه گفت: او فرزند عبدالله بن عبدالمطلب و از شرفاء و بزرگان ما است. اسعد و ذکوان و همه اوس و خزرج، از یهودیان بنی نضیر و قریظه و قینقاع شنیده بودند که همین روزها پیغمبری از مکه ظهور خواهد کرد و به مدینه مهاجرت می کند و ما به وسیله او با شما جماعت عرب می جنگیم. هنگامی که اسعد بن زراره این موضوع را از عتبه شنید، گفتار یهودیان برایش تداعی شد، لذا گفت: آن کسی که می گویی مدعی رسالت شده کجاست؟ گفت: اکنون در حجر نشسته است. آن ها جز در موسم

نمی‌توانند از شعب بیرون شوند و با مردم مرتبط باشند (این مذاکرات در هنگامی انجام گرفت که بنی‌هاشم در شعب محاصره بودند). عتبه گفت: مواظب باش، از سخن‌های او چیزی به گوش شما نرسد و با او سخن نیز نگویی، زیرا وی ساحر است و با کلام خود شما را سحر خواهد کرد. اسعد بن زراره گفت: من برای عمره آمده‌ام و ناگزیر باید طواف کنم. عتبه گفت: در گوش‌های خود پنبه بگذار. اسعد با پنبه‌ای در گوش خود وارد مسجد شد و بیت را طواف کرد در حالی که حضرت رسول ﷺ در حجر نشسته و جماعتی از بنی‌هاشم نیز پیرامون ایشان را گرفته بودند. در این هنگام چشم اسعد بن زراره به حضرت رسول ﷺ افتاد. از کنار ایشان گذشت و توجهی نکرد. در شوط دوم با خود گفت: این چه جهل و نادانی است؟ من به مکه آمده‌ام، اما از این خبر مهم بی‌اطلاع بمانم؟ وقتی به محل خود برگردم و از من درباره این موضوع پرسند، من چه پاسخی به آنان بدهم؟ آنگاه پنبه را از گوش خود بیرون کرد و به دور انداخت و به حضرت رسول گفت: «انعم صباحاً». پیغمبر سر را بلند کرده و فرمودند: خداوند این طرز سلام کردن را تغییر داده است؛ شما مانند اهل بهشت بگویید: «السلام علیکم». اسعد گفت: این سخن تازه‌ای است، شما مردم را به چه دعوت می‌کنید؟ حضرت خاتم النبیین ﷺ فرمود: من مردم را به خدای یگانه و رسالت خود از طرف پروردگار دعوت می‌کنم و شما را دعوت می‌کنم:

﴿أَلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ
مِنَ امْتِلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ آيَاتُهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۹۷

ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَأَنْكَلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١﴾

هنگامی که اسعد بن زراره این کلمات شریفه را از حضرت رسول ﷺ شنید، گفت: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و أنك رسول الله»^۲

این یک نمونه از تأثیر تلاوت رسول خدا بر سرنوشت و هدایت افراد است. تلاوت معصوم بدین گونه بر جان می نشیند. امروز، امام عصر ارواحنا فداه تلاوت کننده آیات الهی است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ.

پژوهش و خودآزمایی

برخی از آداب تلاوت قرآن را مستنداً بیان نمایید.
آیا تاکنون نحوه صحیح تلاوت قرآن را از امام زمان عجل الله فرجه درخواست کرده اید؟

۱. الأناعام / ۱۵۱ و ۱۵۲.

۲. اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۵۵.

درس ۲۸

تزکیه یعنی که راهش طی کنی

تزکیه یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر رحمت است و پس از او، کسی گام در این راه می‌نهد، اما این کار، فرایندی عملی است نه فراخوان زبانی. چه کسی می‌تواند دیگران را تزکیه کند؟ آیا خفته می‌تواند خفته را بیدار کند؟

پاک کردن انسان‌ها از لوث پلیدی‌ها خصوصاً شرک، یکی دیگر از وظایف فرستادگان الهی است؛ زیرا تا وقتی ظرف انسان پاک نباشد، پذیرای مظروف پاک توحید نمی‌گردد. آیا می‌شود گمان کرد که بشر زمانی به این تزکیه نیازمند باشد، ولی امروز چنین نباشد؟

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^۱

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۹۹

قطعاً در هر زمانی کسی هست که بشر را تزکیه نماید و او کسی جز معصوم نیست، زیرا تزکیه فرایندی عملی است و زمانی کسی می تواند به تزکیه دیگران پردازد که خداوند، او را پاک و مطهر قرار داده باشد و گرنه به گفته شاعر:

خفته را خفته، کی کند بیدار؟ مست را مست، کی کند هشیار؟

امام صادق علیه السلام در استمرار این تزکیه به شخصی فرمودند:

﴿ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا ﴾^۱، جاریه

هی فی الإمام بعد رسول الله؟ قال: نعم.^۲

یعنی این آیه درباره امامان معصوم بعد از پیامبر همچنان جاری است. در زیارت امام زمان علیه السلام آمده است:

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُزَكِّي الْأَفْعَالُ.^۳

پژوهش و خودآزمایی

پس از اولین گناهی که مرتکب شدید، چه چیزی باعث بازگشت و توبه شما شد؟
انواع شرک را بیان نمایید.

۱. التوبة / ۱۰۳.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳. المزار الكبير، ص ۲۰۵.

درس ۲۹

آنکه آموزد کتاب حق کجاست؟

کتابی نه چون کتاب‌های بشری، که جلوه‌گاه حکمت و رحمت الهی است؛ دنیایی حقایق را در واژگان محدود ریخته و به مردمان عرضه کرده است. کیست آن جان آشنا که براساس علم موهبتی الهی، آن حقایق را بشناسد و برآورد و عرضه کند؟

کتاب خدا با اینکه روشن است و ابهام ندارد، ولی مجمل است، به علاوه محکم و متشابه، خاص و عام، ناسخ و منسوخ و بسیاری علوم دیگر دارد که بدون مبین و مفسر معصوم نمی‌توان به مراد آن پی برد. بدین روی به فرستاده الهی نیاز دارد تا ظرایف آن را به بندگان بیاموزد.

تعلیم قرآن با تمام مراحل آن منصبی است که خدای متعال به پیامبرش بخشیده تا مردمان را از گمراهی برهاند.

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۰۱

وَيُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^۱

خدای متعال در جای دیگر هم فرمود:

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ
وَوَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾^۲

یعنی قرآن با تبیین پیامبر، هدایت برای امت است، وگرنه بستری
برای اختلافات و مشکلات امت می‌شود.

بعد از پیامبر نیز خداوند به لطف خود در هر زمان کسی را قرار
داده که عهده‌دار تعلیم و تبیین قرآن باشد تا مشکلات و شبهات را
برطرف سازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

لَا بُدَّ مِنْ إِمَامٍ عَارِفٍ بِجَمِيعِ مَا جَاءَ مُحَمَّدَ النَّبِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى بِإِقَامَةِ الْمُقَدَّمِ ذِكْرُهَا، يُجِيبُ
عَنْهَا وَ عَنْ جَمِيعِ الْمَشْكَالَاتِ وَ يَنْفِي عَنِ الْأُمَّةِ مَوَاقِعَ
الشُّبُهَاتِ.^۳

امروز امام عصر علیه السلام تنها کسی است که به هر آنچه پیامبر اکرم
آورده آشناست و منصب تعلیم و تبیین کتاب الله را عهده‌دار است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ.^۴

۱. الجمعة / ۲.

۲. النحل / ۶۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۴۴.

۴. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳.

پژوهش و خودآزمایی

آیا قرآن به تنهایی قابل استفاده نیست؟ توضیح دهید؟
آیا تاکنون از امام زمان علیه السلام در فهم قرآن بهره جسته‌اید؟

درس ۳۰

وارث پیغمبران مولای ماست

پیامبران خدا آمدند، با کوله‌باری از هدایت و نور؛ و آنچه برجای نهادند، راهی بود برای ارائه حقایق به بشر؛ راهی که باید تداوم یابد تا نسل‌های بعدی نیز توشه از آن بگیرند و راه نجات در پرتو آن بیابند؛ اما این راه را نزد چه کسی می‌توان یافت؟ و چه کسی پرچمدار تعالیم و هدایت پیامبران در این روزگار است؟

خدای متعال زندگی بشر را با قرار دادن حضرت آدم ابوالبشر علی نبینا و آله و علیه السلام بر روی زمین آغاز می‌کند. این سنت الهی است که زندگی روی زمین با حجت الهی آغاز شود و با حجت الهی پایان پذیرد. امام صادق علیه السلام به ابان بن تغلب فرمودند:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ.^۱

لذا بعد از حضرت آدم، فرزندش شیث وارث او می‌شود. این وراثت در زمان همهٔ انبیاء بوده است، یعنی هر حجّتی قبل از وفاتش میراث و ودایع الهی را به وصی بعد از خود سپرده است. نوح به سام، ابراهیم به اسماعیل و اسحاق، موسی به یوشع بن نون، عیسی به شمعون الصفا و حضرت خاتم الأنبیاء به امیر المؤمنین علیه السلام میراث رسالت را سپردند. بر اساس حکمت خرد پسند الهی نمی‌توان زمانی را فرض کرد که این میراث، وارثی نداشته باشد.

امامان معصوم وارث ختم رسولان یعنی وارث تمام پیامبران الهی‌اند. در زیارت جامعه می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَىٰ وَ مَصَابِيحِ الدُّجَىٰ وَ أَعْلَامِ التَّنْقَىٰ
وَ ذَوَى النَّهْيِ وَ أَوْلَى الْحِجَىٰ وَ كَهْفِ الْوَرَىٰ وَ وَرَثَةِ
الْأَنْبِيَاءِ.^۱

امروز هم سلسلهٔ رسولان از آدم تا خاتم، وارثی دارد که این میراث چند هزار ساله و زحمات پیام‌آوران را پاس می‌دارد و تحقق می‌بخشد. او حضرت مهدی، آخرین وارث و نگاهبان این میراث عظیم الهی است. در صلوات جناب ابوالحسن ضرباب اصفهانی به این حقیقت اشاره شده است:

وَ صَلَّى عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِي، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۲

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۰.

۲. دلائل الإمامة، ص ۵۵۰.

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۰۵

پژوهش و خودآزمایی

با دلیل ذکر کنید که میراث انبیاء مادّی است یا معنوی.
امام زمان وارث چه چیزهایی از انبیاء و اوصیاء گذشته است؟

درس ۳۱

بر هدف باید که از راهش رسید

خدایی که به قدرت گسترده، هیچ نیازی به هیچ آفریده‌ای ندارد، به حکمت فراگیر، برای هر کاری سبب و وسیله‌ای مقرر داشته تا کارها از طریق اسباب انجام گیرد، اما او خود، به همان حکمت فراگیر، «مسبب الأسباب» است و تعیین سبب‌ها را در اختیار و انحصار خود گرفته است.

نظام هستی براساس اسباب و وسایل سامان گرفته است. به‌عنوان مثال، برای رفع گرسنگی باید غذا خورد و برای رفع تشنگی، آب. برای گرم شدن باید لباس پوشید و برای آموختن به مکتب باید رفت. البته خداوند قدرت دارد که بدون این اسباب، امور بشر را سامان دهد ولی او خود، اسباب را برای مردم قرار داده و خود را «مسبب الاسباب» نامیده است. طبعاً برای هدایت مردم نیز افرادی را واسطه قرار داده که پیامبران و جانشینان راستین آنان‌اند.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۰۷

در کلام الله آمده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ
جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾^۱

البته خدای متعال، هدایت کسی را که در تلاش برای رسیدن به
اوست تضمین کرده است.

﴿ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ
الْمُحْسِنِينَ ﴾^۲

این وسیله و سبب هدایت، حجت زنده خدا در هر زمان است و
امروز، مصداق آن امام مهدی علیه السلام است که در دعای ندبه می خوانیم:
«أَيُّنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؟»^۳ کجاست آن سبب پیوند
زمین و آسمان؟

صاحب الزمان ارواحنا فداه در نامه‌ای، کسانی را که گمان می کردند
واسطه میان خلق و خدا قطع شده، نکوهش می کنند:

ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ قَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ كَلَّا
مَا كَانَ ذَلِكَ وَ لَا يَكُونُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَ يَظْهَرَ أَمْرُ اللَّهِ
عَزَّوَجَلَّ وَ هُمْ كَارِهُونَ.^۴

۱. المائدة / ۳۵.

۲. العنكبوت / ۶۹.

۳. المزار الكبير، ص ۵۷۹.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۷.

پژوهش و خودآزمایی

توضیح دهید که آیا از امامان معصوم می‌توان مستقیماً درخواستی کرد؟

بیان نمایید که چگونه آیه «یا ک نستعین» با کمک گرفتن از امامان مخالفتی ندارد.

درس ۳۲

در مسیر حرکت از ظلمت به نور

انسان در این دنیا اسیر است و گرفتار به باطل‌هایی که جامعهٔ حق می‌پوشند و در گمراهی بشر می‌کوشند. ظلمت را به جای نور می‌آریند و به بشر می‌نمایانند. کدامین بندهٔ برگزیده خدا است که به علم الهی ظلمت و نور را بازشناسد و به قدرت الهی بتواند مردم را از ظلمت به نور، رهنمون شود؟

بشر، به خودی خود، در ظلمات کفر و ضلالت قرار دارد. خدای متعال برای رهایی انسان از این ظلمات، کتب آسمانی را فرستاده است که پیامبران به وسیلهٔ آن، بشر را از ظلمت به نور می‌برند. پیامبران بدان سبب در این جایگاه قرار گرفته‌اند که گرد ظلمت بر آنان ننشسته و عصمت آنان از ناحیهٔ خداوند حکیم تضمین شده است. آنان برگزیدهٔ خدایند.

﴿وَأَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ﴾^۱

در این میان حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طلایه دار این منصب است.

﴿الرَّكِيبُ أَتْرَنَاهُ إِلَيْكَ لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾^۲

پس از سال یازدهم هجری که پیامبر اکرم در میان ما نیست، چه کسی براساس قرآن بشر را از ظلمات خارج می‌کند؟
جانشینان راستین و معصوم پیامبر وارث کمالات آسمانی حضرتش هستند و امروز، آخرین جانشین معصوم او است که وظیفه سنگین خارج کردن انسان از ظلمات را برعهده دارد.

در سلام روز جمعه خطاب به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوییم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ.^۳

سلام بر تو ای نور خدا که هدایت‌جویان به او هدایت جویند.

پژوهش و خودآزمایی:

کسی که می‌تواند انسان را در مسیر ظلمت به سوی نور راه ببرد، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
وقتی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را به صفت «نور الله» می‌ستاییم، چه پیامی به خود و دیگران می‌رسانیم؟

۱. ص / ۴۷.

۲. ابراهیم / ۱.

۳. جمال الأسبوع، ص ۳۷.

درس ۳۳

از زیان و سود خود غافل مشو

وقتی ابلیس و سوسه گر با کمک یاران انسانی خود و همراهی درون سرکش، انسان را به هزار رنگ و نیرنگ می‌فریبد، در ذهن او زیان او را به جای سود می‌نشانند و در نظر او زشتی‌ها را می‌آراید. واقعیت را از چه کسی بپرسیم تا اطمینان یابیم که سود ما کدام است و زیان ما کدام؟

یکی از قوانین حاکم بر دنیا، قانون کنش و واکنش است. این قانون را نیوتون در فیزیک بیان کرده، ولی در صحنه‌های دیگر از جمله در افعال انسان نیز قابل مشاهده است. یعنی عمل هر انسان در سرنوشت انسان‌های دیگر و جهان مؤثر است و عکس‌العملی از ناحیه آنان در پی دارد، با این ویژگی که عمل و عکس‌العمل انسان دامنه بی‌انتهایی دارد. به عنوان مثال، جرقه جنگ جهانی اول فقط با ترور و لیعهد اتریش زده شد، ولی آتش آن به بسیاری از کشورها گسترش یافت. ممکن است

شروع کاری با ما باشد، ولی دامنه و گسترهٔ اثر آن در اختیار ما نیست. این ناپیدایی نتایج اعمال انسان می‌طلبد، خدای متعال انسان را از نتایج اعمالش در دنیا و مهم‌تر از آن در آخرت خبر دهد. این کار را حجت‌های الهی انجام می‌دهند، همان‌هایی که به اذن خداوند بر مصالح و منافع بندگان و میزان اثرگذاری آن آگاهی دارند.

حضرت صادق علیه السلام در پاسخ زندقی که دربارهٔ دلیل اثبات فرستادگان الهی پرسیده بود، فرمودند:

ما ثابت کردیم که آفریننده و صانعی داریم که از ما و تمام مخلوق، برتر است و باحکمت و رفعت است؛ روا نباشد که خلقش او را ببینند و لمس کنند و بی‌واسطه بایک دیگر برخورد و مباحثه کنند. آنگاه ثابت شد که او سفیرانی در میان خلقش داشته باشد که خواست او را برای آفریدگان و بندگانش بیان کنند و آنان را به مصالح و منافعشان و موجبات تباه و فنایشان راه نمایند.

پس وجود امر و نهی‌کنندگان و تقریر نمایندگان از طرف خدای حکیم دانا در میان خلقش ثابت شد. آنان همان پیغمبران و برگزیده‌های خلق او بند. حکیمانی هستند که به حکمت تربیت شده‌اند و خدایشان آن‌ها را به حکمت برانگیخته است. آنان در خلقت و اندام با مردم شریکند، ولی در احوال و اخلاق شریک مردم نیستند. آنان از جانب خدای حکیم دانا به حکمت مؤیدند.

سپس آمدن پیغمبران در هر عصر و زمانی به سبب دلائل و براهینی که آوردند، ثابت می‌شود، تا زمین خدا از حجتی که بر صدق گفتار و جواز عدالتش نشانه‌ای داشته باشد، خالی نماند.^۱

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۱۳

این روایت به خوبی نشان می‌دهد، زمین هیچ‌گاه از حجتی که بر مصالح و منافع بندگان آگاه باشد، خالی نمی‌ماند؛ زیرا در غیر این صورت حیات انسانی تباه می‌شود و حیات روی کرهٔ خاکی از میان می‌رود. تداوم حیات روی زمین نشان از زنده بودن حجّت خداست.

پژوهش و خودآزمایی

شرط ورود به مشارکت‌های اجتماعی چیست؟
آیا تاکنون برای ورود به کاری از امام زمان راهنمایی خواسته‌اید؟

درس ۳۴

با خدا باید چنین گویی سخن

تمام وجود ما را - از درون و برون - نعمت‌های خدا پوشانده است. مانند ماهی که درون آب است، ما همواره در موهبت‌های او غرقه‌ایم. در این میان، سپاس این همه موهبت، وظیفهٔ عقلی ماست، اما چگونه و به چه بیان او را بخوانیم که خلاف ادب نکرده باشیم؟

عقل انسان در ارتباط با خدا دو حقیقت را می‌یابد: یکی اینکه نمی‌شود که خدا نباشد و دیگر اینکه او شبیه هیچ چیز نیست. امام رضا علیه السلام فرمود:

لِلنَّاسِ فِي التَّوْحِيدِ ثَلَاثَةٌ مَذَاهِبٌ: نَفْيٌ وَ تَشْبِيهُ وَ إِثْبَاتٌ
بِغَيْرِ تَشْبِيهِ. فَمَذْهَبُ النَّفْيِ لَا يَجُوزُ وَ مَذْهَبُ التَّشْبِيهِ
لَا يَجُوزُ. لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُشْبَهُهُ شَيْءٌ وَ السَّبِيلُ

فِي الطَّرِيقَةِ الثَّالِثَةِ، إِثْبَاتُ بِلَا تَشْبِيهِ^۱.

چون خدا شبیه هیچ یک از مخلوقات نیست، انسان راهی به خواندن خدا ندارد، گرچه به آن نیاز دارد، مگر به شیوه‌ای که خداوند، خود تعلیم کند. زیرا هرچه انسان از جانب خود بگوید، یا تشبیه خدا به آفریدگان اوست یا بی ادبی به ساحت قدس الهی است. لذا باید کسانی باشند که راه سخن گفتن با خدا و دعا کردن را به بشر در هر زمانی بیاموزند و گرنه حق دعا ادا نشده و طبعاً استجابتی نیز در کار نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام دلیل مستجاب نشدن دعای بندگان را درست نشناختن خدا بیان می‌کند:

وَ قَدْ رُوِيَ عَنْ مَوْلَانَا الصَّادِقِ أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: مَا بَالُنَا نَدْعُو اللَّهَ
جَلَّ جَلَالُهُ فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا؟ فَقَالَ عليه السلام: لِأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ
لَا تَعْرِفُونَ.^۲

به عنوان مثال، اگر کسی بخواهد به جایی برود، ولی خیابان یا کوچه را نشناسد، به مقصد نمی‌رسد. شناخت درست اسماء و صفات الهی نیز از این باب است. این موضوع آن قدر با اهمیت است که حتی جابه جایی کلمات مشکل ساز می‌شود. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند:

سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ، فَتَبْتَوْنَ بِلَا عِلْمٍ يَرَى وَلَا إِمَامٍ هُدَى، وَ
لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْعَرِيقِ. قُلْتُ: كَيْفَ دُعَاءُ

۱. التوحید، ص ۱۰۷.

۲. فلاح السائل، ص ۱۰۷.

الْعَرِيقِ؟ قَالَ: يَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ
الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. فَقُلْتُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا
رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.
قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، وَ لَكِنْ قُلْ
كَمَا أَقُولُ لَكَ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.^۱

دعاهای فراوانی از جانب آخرین حجّت خدا حضرت
صاحب الزمان علیه السلام برای ارتباط با خدا به دست ما رسیده که در صحیفه
مهدیه گردآوری شده است. محتوای این ادعیه از نشانه‌های امامت آن
حضرت در زمان ما است. از آن جمله دعای رجبیه است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ
الْمَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ
لِقُدْرَتِكَ الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ
مَشِيئَتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَ أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِكَ وَ
آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تُعْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ
بِهَا مَنْ عَرَفَكَ.^۲

پژوهش و خودآزمایی

آیا ما می‌توانیم برای خدای متعال، اسم و صفتی به کار ببریم؟ چرا؟
آیه و روایتی را که مؤید نظر شما در این زمینه باشد، ذکر نمایید.

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. مصباح‌المتجهّد و سلاح‌المتعبّد، ج ۲، ص ۸۰۳.

درس ۳۵

حجت معصوم حق در این جهان

در سرسرای بزرگ تاریخ، از دیرباز انواع صداها درهم پیچیده است، به گونه‌ای که تشخیص آن‌ها از هم به‌راستی دشوار است، حتی برای اهل نظر، چه رسد به عموم مردم. تشخیص این مطلب که کدام فریاد، بانگ الهی است و کدام یک، شیطانی؛ از امامی معصوم بر می‌آید که خطا نکند و کلامش قابل اطمینان باشد.

در زندگی بشر، از دیرباز حق و باطل درهم آمیخته بوده است.

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور

بر خلائق می‌رود تا نفخ صور

یکی از عواملی که تشخیص این دو از هم را برای بشر دشوار می‌کند، شباهت باطل با حق است، اهل باطل بر کالای خود جامهٔ حق می‌پوشانند و به بشر عرضه می‌کنند. چنان‌که حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْحَقَّ لَوْ خَلَصَ لَمْ يَكُنْ اخْتِلَافٌ وَ لَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ
لَمْ يَخْفَ عَلَى ذِي حِجِّي، لَكِنَّهُ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِعْثٌ وَ مِنْ
هَذَا ضِعْثٌ، فَيُمَزَّجَانِ فَيَجَلَّلَانِ مَعًا، فَهَتَاكَ يَسْتَوِلِي
الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ.^۱

بدین روی، بشر به جداکننده‌ای (فاروقی) نیاز دارد که در هر زمان، حق را از باطل بشناسد و مردم را از سردرگمی نجات دهد، به گونه‌ای که این تشخیص برای انسان‌ها حجت باشد و بتوانند به آن تکیه و اعتماد کنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَنْ تَبْقَى الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يَعْرِفُ
الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ.^۲

امروز، امام عصر سلام الله علیه شناسنده و جداکننده حق از باطل است.

پژوهش و خودآزمایی

لقب «فاروق» برای چه کسی است و در کجا آمده است؟
آیا درباره امام عصر علیه السلام ویژگی جدا کردن حق از باطل در ادعیه آمده است؟

۱. الکافی، ج ۸، ص ۵۸.

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۲۳۴.

درس ۳۶

رشته‌ای از حق به‌سوی خلق اوست

بشر، جدا از دنیا نمی‌تواند زندگی کند، اما این بهره‌گیری از دنیا نباید دلبستگی به آن را در پی داشته باشد وگرنه فردی که پابسته خاک است، چه نسبتی با عالم پاک تواند جست؟ آن کسی که بخواهد پای از خاک بردارد، با کدامین ریسمان به عالم پاک بالا رود؟

نکته‌بینی می‌گفت: وقتی گیلاس با بندبار یکش به درخت متصل است، همه عوامل در جهت رشدش در تلاشند. باد باعث باروری، آب مایه طراوت، آفتاب موجب پختگی و کمال و خاک باعث رشد آن می‌شود؛ اما به محض پاره شدن آن بند و جدا شدن از درخت، آب باعث گندیدگی، باد باعث پلاسیدگی و آفتاب باعث پوسیدگی و از بین رفتن طراوتش می‌شود. بنده بودن یعنی همین، یعنی بند به خدا بودن، که اگر این بند پاره شد، دیگر همه عوامل در نابودی ما مؤثر خواهند بود. پول،

قدرت، شهرت، زیبایی و امکانات دیگر، تا وقتی بند به خداییم برای رشد ما، مفید و بسیار خوب است، اما به محض جدا شدن بند بندگی، همه آن عوامل باعث تباهی و فساد ما می شوند. بندارتباط ما به خدا در هر زمان حجت خدا در آن زمان است.

مثالی دیگر:

انسانی که در چاه افتاده، راهی به رهایی ندارد جز اینکه اولاً کسی (آن هم فردی مطمئن نه هرکسی) از بالای چاه ریسمانی به درون چاه بیندازد. ثانیاً این شخص نیز این ریسمان را محکم بگیرد تا از چاه نجات یابد. افراد بشر مانند همان آدم‌هایی هستند که در چاه دنیا افتاده‌اند، آن کسی که ریسمان برای نجات آنان انداخته، خدای متعال است و آن ریسمان الهی که بتواند بشر را از منجلاب دنیا نجات دهد، فرستادگان الهی هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ
لَا تَفَرَّقُوا﴾ ۲۹۱

امر الهی: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» یعنی اینکه انسان دست خود را حتی یک لحظه از رشته الهی جدا نکند و گرنه نه تنها از چاه بیرون نمی آید، بلکه امکان سقوط به قعر و ژرفای چاه نیز برایش وجود دارد.

پیامبر خدا به امیرالمؤمنین علیه السلام درباره پیروان امام مهدی علیه السلام

۱. آل عمران / ۱۰۳.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۹۱.

فرمود:

یا ابا الحسن شایسته است که خداوند گمشدگان را وارد بهشت کند. سپس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مقصود پیغمبر مؤمنانی هستند که در زمان غیبت به سر می‌برند و از امامی که جایش نامعلوم و خودش از نظرها غائب است، پیروی می‌کنند. آن‌ها عقیده به امامت او دارند، و به ریسمان او چنگ می‌زنند، منتظر آمدن او هستند، یقین به وجود او دارند، شکایتی ندارند و بردبار و تسلیم خواسته‌ی حقند. ایشان از این جهت گم شده هستند که از یافتن مکان امام خود و از شناختن شخص او گم شده‌اند.^۱

پژوهش و خودآزمایی

«ضال» در ادبیات قرآنی به چه معناست؟

چه عاملی وحدت مسلمین را برهم زده است؟

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳ «یا ابا الحسن حقیق علی الله أن یدخل أهل الضلال الجنة و إنما عتی بهذا المؤمنین الذین قاموا فی زمن الفتنة علی الإیتمام بالإمام الخفیی المكان المستور عن الأعیان فهم بإمامته مترون و بعزوته مستمسکون و لخروجه منتظرون موقنون غیر شاکیین صابرون مسلمون و إنما ضلوا عن مکان إمامهم و عن معرفة شخصه».

درس ۳۷

هان مرو بی پیشوا در راه دور

در کوچکترین کارهای دنیایی به پیشوایی نیاز داریم که ما را پیشرو باشد و ما پیرو او شویم. این را هر عاقلی با عمر کوتاهش درباره کارهای دنیا می‌داند. آیا می‌توان برای کارهای آخرت که عمرش بی‌نهایت است، نیازی به پیشوا و پیشرو نداشته باشیم؟ آنگاه چنین پیشرو و پیشوایی را چگونه بشناسیم؟

هر شخصی در هر زمانی و در هر کاری نیاز به امام دارد. امام در لغت^۱ به معنای کسی است که به او اقتدا می‌شود و در امور پیشرو دیگران است.

در روایات فراوان از شیعه و سنی به این حقیقت که انسان بدون

۱. العین، ج ۸، ص ۴۲۶.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۲۳

امام، مساوی با انسان دوران جاهلیّت - یعنی انسان کافر یا دورو یا گمراه است - اشاره شده است.^۱

به ابو عبدالله صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: آیا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفته است که: هر کس بمیرد و بی امام باشد بر کیش جاهلیّت مرده است؟ فرمود: بلی. گفتم: جاهلیّت خالص یا جاهلیّتی که امامش را نشناسد؟ فرمود: جاهلیّت کفر و نفاق و ضلالت.^۲

در منابع اهل سنت هم آمده است:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسیار می فرمود: هر کس بدون امام بمیرد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.^۳

پس باید همواره کسی از طرف خداوند حکیم باشد که پیشرو باشد و امت پشت سر او حرکت کند. امروز نیز باید امامی زنده باشد که از او پیروی شود.

امام صادق صلوات الله علیه فرمود:

وَاللّٰهِ مَا تَرَكَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَرْضَ قَطُّ مُنْذُ قُبِضِ آدَمَ، إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ؛ وَهُوَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ.^۴

امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ، آخرین نجات بخش از عصر جاهلیّت است.

۱. درباره این حدیث به الفاظ مختلف آن از طریق شیعه و سنی، رجوع شود به کتاب: شناخت

امام یا راه‌رهایی از مرگ جاهلی، نوشته مهدی فقیه ایمانی.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۳. مسند طرابلسی، ص ۲۵۹.

۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۰.

پژوهش و خودآزمایی

نظریهٔ اهل سنت دربارهٔ امامت چیست؟
امام از منظر شیعه باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

درس ۳۸

آزمون، همزاد خلقت آمده

هرجا اختیار در میان است، آزمون نیز مطرح می‌شود. معلم با تجربه به محض ورود به یک کلاس می‌داند که هریک از دانش‌آموزان در پایان سال تحصیلی چه وضعی خواهند داشت، ولی اگر امتحان نگیرد، همواره در معرض این اتهام است که قضاوت ناصواب و جانبدارانه کرده است. آزمون مانع از چنین قضاوتی می‌شود.

دنیا سرای ابتلاء و امتحان است. انسان پیوسته در معرض آزمون قرار دارد و بزرگ‌ترین امتحان بشر، گردن نهادن به فرمان فرستاده خداست. آنکه در ظاهر بشری مانند دیگران است.

اشراف کافر قوم نوح علی نبینا و آله و علیه السلام به او گفتند:

﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا﴾^۱

این امتحان همواره در طول تاریخ برای بشر تا دامنۀ قیامت مطرح است که آیا انسان‌ها زیر بار اطاعت حجّت خدا - که در ظاهر بشری از جنس خودشان است - خواهند رفت؟

﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۱
 کفر و نفاق درونی انسان‌ها با وجود حجّت مشخص می‌گردد. لذا در هر زمانی باید حجّتی موجود باشد. رسول خدا ﷺ به حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

لَوْلَا كَ مَا عَرَفَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي.^۲

این حقیقت به قدری روشن و بدیهی بود که جناب ابوذر می‌گفت:

مَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ إِلَّا بِتَكْذِيبِهِمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ التَّخَلُّفُ
 عَنِ الصَّلَوَاتِ وَ الْبُغْضِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.^۳

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نیز در نامه خویش شیعیان را از نفاق و پیروی از غیر حجّت خدا بر حذر داشتند:

مَا ذَكَرْتُ مَا أَنْ الْمَيْمِيَّ أَخْبَرَ كَمَا عَنِ الْمُخْتَارِ وَ مُنَاطِرَاتِهِ مَنْ
 لِقِيَّ وَ احْتِجَاجِهِ بِأَنَّهُ لَا خَلْفَ غَيْرُ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَ تَصَدِيقِهِ
 إِيَّاهُ وَ فَهِمْتُ جَمِيعَ مَا كَتَبْتُمَا بِهِ مِنَّا قَالَ أَصْحَابُكُمْ عَنْهُ وَ
 أَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ وَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ

۱. العنكبوت / ۲.

۲. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۵۲.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجت در هر زمان □ ۱۲۷

الْهُدَىٰ وَ مِنْ مُّوْبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَ مُرْدِيَاتِ الْفِتَنِ، فَإِنَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: أَلَمْ أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا
وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟ كَيْفَ يَتَسَاقَطُونَ فِي الْفِتْنَةِ.^۱

خدای متعال در زمان حاضر جز حضرت مهدی، امام مفترض
الطاعة ای قرار نداده است. در زیارت حضرت صاحب الزمان عجلایه
می خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَ تُزَكَّى الْأَفْعَالُ وَ تُضَاعَفُ
الْحَسَنَاتُ وَ تُمْحَى السَّيِّئَاتُ؛ فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَ اعْتَرَفَ
بِامامتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَ صُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَ تُضَاعَفُ حَسَنَاتُهُ
وَ مُحِيَتِ سَيِّئَاتُهُ؛ وَ مَنْ عَدَلَ عَن وِلَايَتِكَ وَ جَهِلَ مَعْرِفَتَكَ وَ
اسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، أَكَبَّهُ اللهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ، وَ لَمْ يَقْبَلِ
اللهُ مِنْهُ عَمَلًا، وَ لَمْ يُعِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرْثًا.^۲

نکته مهم این زیارت نامه آن است که در جمله اول، کلمه
«بولايتک» قبل از افعال آمده، به این معنا که: «فقط و فقط به سبب
ولایت شماست که اعمال ما را می پذیرند و...». جمله دوم تأکید بر
همین مطلب است: «کسی که ولایت شما را گردن نهاد و...»، یعنی این
خیرات و برکات فقط به کسی می رسد که به این حکم الهی گردن نهد.
جمله سوم نیز تأکیدی دیگر بر همین حقیقت است، که گوییم: «کسی
که از ولایت تو سر پیچد و...، خداوند در قیامت او را به صورت در

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱.

۲. المزار الکبیر، ص ۲۰۵.

آتش می‌افکند و...».

این تقدّم جار و مجرور بر فعل افاده حصر می‌کند و معلوم می‌دارد که تنها راه سعادت در زمان ماگردن نهادن به ولایت صاحب الزمان علیه السلام است.

پژوهش و خودآزمایی

اینکه پیامبر بشری مانند ما است به چه معناست؟

چه کسانی مفترض الطاعة هستند؟

درس ۳۹

وارد شهری مشو از غیر در

وقتی خواست وارد شهر شود، دروازه ورود را شلوغ یافت، لذا از راه غیرمعمول وارد شد. او را به جرم دزدی و کار غیرقانونی گرفتند. این است کیفر کسی که وارد شهری شود، اما نه از در.

برای ورود به هر شهر و خانه و آستانی راهی قرار داده‌اند که هرکس بخواهد ورود قانونی داشته باشد، باید از آن طریق وارد شود. برای ورود به درگاه و آستان الهی نیز راهی باید جست. برای این راه به جز خود خدای حکیم، هیچ‌کس نمی‌تواند نشانی مطمئنی به ما بدهد. خدای سبحان ما را به این حقیقت تذکر می‌دهد که باید از در به خانه‌ها وارد شد.

﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

از آنجا که درگاه الهی در میان مردم، فقط از طریق محضر مقدس نبوی شناخته می‌شود، برای ورود به محضر نبی نیز باید از راهش وارد شد. این حقیقت را رسول خدا در حدیث متواتر مدینه العلم بیان فرمود:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيَّ بِأَبْهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ
البَابَ. ۱

از این حکمت به عبارت «وجه الله» نیز تعبیر شده که در قرآن فرمود:

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا
وَجْهَهُ﴾ ۲

«وجه الله» و «باب الله» در هر زمانی هست، باید آن را جست. نکته مهم اینکه به حکم عقل، خداوند متعال از جسمیت مبرا است. لذا تعبیراتی مانند «وجه الله» به این معنا است که خداوند، برخی از آفریدگان را، راه رسیدن به خود قرار داده، همچنان که صورت در یک انسان، نخستین وسیله برای مواجهه با او است. تعبیر «لسان الله» نیز یعنی: فردی که خداوند آفریده تازبان گویای او باشد. روایات مؤید این مطلب است:

ابو حمزه از امام باقر علیه السلام در این باره می‌پرسد:

قُلْتُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ. قَالَ: يَا

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۷.

۲. القصص / ۸۸.

بخش اول: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۳۱

فُلَانُ! فَيَهْلِكُ كُلُّ شَيْءٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ وَ اللَّهُ
أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ وَ لَكِنْ مَعَهَا كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا دِينَهُ
وَ نَحْنُ الْوَجْهُ الَّذِي يُؤْتِي اللَّهُ مِنْهُ.^۱

اسودبن سعید گوید:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، فَأَنْشَأَ يَقُولُ ابْتِدَاءً مِنْ غَيْرِ أَنْ
يُسْأَلَ: نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ نَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَ
نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ.^۲

در دعای ندبه، امام عصر علیه السلام را چنین می‌جویم:

أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتِي؟ أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ
يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟

امروز، زبان گویای خدایی (لسان الله)، چشم بینای خدایی (عين الله)، دست توانای خدایی (يد الله)، راه ورود به حريم رضای الهی (وجه الله) و به طور کلی تنها راه جلب رضای الهی و تقرب به آفریدگار، امام مهدی ارواحنا فداه است.

همان‌گونه که خداوند، یکی از خانه‌های آفریده خود را «بيت الله» نامیده و توجّه مردمان به آن را دليل ايمانشان دانسته، توجّه به اين بنده خالص و ویژه خود را نشانه ايمان مردم می‌داند، بدون اینکه اختيار را از آن‌ها بگیرد. راه را به روشنی نشان داده و از مردم خواسته با اختيار، بدان روی آورند.

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۶۱.

پژوهش و خودآزمایی

«وجه الله» از لحاظ ادبی چه نوع اضافه‌ای است؟
آیه «نفخت فيه من روحي» به چه معناست؟

درس ۴۰

آن نگهبان شریعت را شناس

دین چیست؟ پیامش، هدفش، آرمانش و راه ورودش چیست؟ چگونه می‌توان حریم آن را پاس داشت؟ آیا با راه‌های خودخواسته و خودساخته می‌توان آن را نگاه داشت؟ مبادا با دلسوزی‌های جاهلانه ناآگاهانه به آن لطمه بزنیم. آیین حفظ دین را از چه کسانی باید فراگیریم؟

امام سجاد علیه السلام صلوات الله علیه در دعای روز عرفة می‌فرماید:
خداوند، دینش را در هر زمانی به سبب امامی تأیید می‌کند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا
لِعِبَادِكَ.^۱

حضرتش در ادامه این جمله، نقش‌ها و فواید و جایگاه امام را

در نظام اندیشه و عمل دینی نشان می‌دهد که با رجوع به صحیفه به دست می‌آید.

دین در لغت به معنای انقیاد و پذیرش است.^۱ دین از پذیرش معرفت خدا آغاز می‌شود: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»^۲ و به انجام واجباتی چون نماز و روزه و حج و غیره می‌رسد.

این هادستاورد ۱۲۴۰۰۰ فرستاده الهی - از آدم تا خاتم - است. باید کسی در هر زمان باشد که اصل دین و واجبات الهی را نگاه دارد. به عنوان نمونه حضرت صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدْعِ الْأَرْضَ إِلَّا وَفِيهَا عَالِمٌ يَعْلَمُ
الزِّيَادَةَ وَالتُّقْصَانَ فِي الْأَرْضِ وَإِذَا زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً
رَدَّهُمْ، وَإِذَا نَقَصُوا أَكْمَلَهُ لَهُمْ. فَقَالَ: خُدُوهُ كَامِلاً وَ لَوْ لَا
ذَلِكَ، لَأَلْتَبَسَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمْرُهُمْ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ الْحَقِّ وَ
الْبَاطِلِ.^۳

یا در حدیث دیگر امام فرمودند:

لَوْ عَطَّلَ النَّاسُ الْحَجَّ، لَوَجَبَ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى
الْحَجِّ إِنْ شَاءُوا وَإِنْ أَبَوْا، فَإِنَّ هَذَا الْبَيْتَ إِنَّمَا وَضِعَ لِلْحَجِّ.^۴
اگر مردم حج را تعطیل کنند، بر حجت خدا در هر زمان لازم

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۱۹ «و هو جنس من الانقیاد و الذل. فالذین:

الطاعة»

۲. خطبه / ۱.

۳. الإختصاص، ص ۲۸۸.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۲.

بخش اوّل: دلایل عقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۳۵

است که خواه و ناخواه، مردم را ناگزیر به حج بفرستد، چرا که خانه خدا برای حج برپا شده است.

نه تنها حجّ که همه ارکان دین چنین هستند. در روایت جامعی در باب صفات امام، حفظ تمام حریم‌های الهی آمده است:

وَ الذَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ.^۱

آنچه امروز مشهود است، دین حقیقی - یعنی شیعه اثنا عشریه - با تمام تلاش‌های دشمنان برای از بین بردن آن، در زمین وجود دارد. این مطلب به خاطر وجود ذی‌جود حضرت بقیه الله است. خود آن حضرت ارواحنا فداه در توقیعی خطاب به شیخ مفید فرمودند:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ؛ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ، لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ.^۲

پژوهش و خودآزمایی

چند برهه تاریخی را نام ببرید که شیعه تا سرحدّ نابودی پیش رفته ولی نجات یافته است.

نمونه‌ای از دستگیری شیعیان در دوران غیبت توسط امام عصر را بیان نمایید.

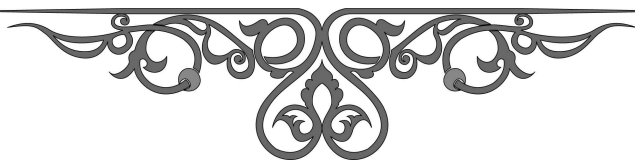
۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

بخش دوم



دلایل نقلی
بر ضرورت وجود حجّت
در هر زمان



دلایل نقلی شیعه بر وجود حجّت در هر زمان فوق تواتر^۱ است. در این بخش فقط به ۳۰ دلیل قرآنی اشاره می‌گردد. در این مسیر، از تفاسیر اهل تسنن بهره می‌بریم تا معلوم گردد اعتقاد شیعه در این موضوع ریشه در کتب مخالفان نیز دارد.

همچنین باید دانست صدها بلکه هزاران تشرف و ملاقات با حضرت حجّت بن الحسن علیه السلام از زمان میلاد ایشان، سال ۲۵۵ هجری قمری، تا کنون از اقشار گوناگون و مذاهب مختلف و گزارش‌های موجود تاریخی در کتب معتبر مانند کتاب نجم ثاقب محدث نوری، دلایل نقلی مفصّلی است که از مجال این نوشتار خارج است.

از این بخش به هفت نتیجه می‌رسیم:

بعد از پیامبر یقیناً جانشینانی وجود دارند. از این جانشینان با تعبیر مختلفی در قرآن و روایات یاد شده است: سبب آمرزش گناهان، وصیت‌شدگان پیامبر، گواهان، مطمئن‌ترین ریسمان، رشته‌های

۱. خبر مستفیض نیاز به بررسی سندی ندارد، چه رسد به خبر متواتر. (و ان استفاضة الروایات، اغنتنا عن النظر فی اسنادها) معجم رجال الحديث للخوئی، ج ۸، ص ۳۶۰.

خدایی، رشتهٔ نجات مردمان، صاحبان امر، کمال دین، ستارگان، فرستادگان، راه استوار، جانشینان، سرشناسان هستی، راستگویان، هشدار دهندگان، راهنمایان، نشانه‌های هدایت، اهل توجه، امام زمان، پناهگاه الهی، روشنی‌بخشندگان، پیوستگان، کشتی نجات، پدر دلسوز، پاکان و پاکیزگان، آب زلال، تحقق سنت پیشینیان، روز روشن، جایگاه فرود فرشتگان و مایهٔ آرامش زمین.

«کلّ» در تعابیری چون «کلّ قوم، کلّ امة، کلّ اناس» بر همگی افراد مجموعه دلالت التزامی دارد. همچنین فعل مضارع در کلمات الهی و احادیث معصومان فراوان به کار رفته است. این‌ها ضرورت وجود و استمرار راهنما در هر زمان تا دامنهٔ قیامت را نشان می‌دهد.

این جانشینان مقام عصمت دارند.

این جانشینان از علم وهبی الهی برخوردارند، یعنی نه تنها نیازی به علم ائمت ندارند، بلکه تمام ائمت به علم آنان نیازمندند.

این جانشینان منتخب و برگزیدهٔ الهی هستند و مردمان در انتخاب آنان اختیاری ندارند.

این جانشینان فقط از اهل بیت و عترت پیامبر، همچنین از قریش خصوصاً بنی‌هاشم هستند، به گونه‌ای که حتی زنان پیامبر در میان آنان جایی ندارند.

شمار این جانشینان دوازده نفر است، نه کم و نه بیش.

این ویژگی‌های هفت‌گانه، بر هیچ‌کس جز دوازده امام شیعه صدق نمی‌کند، صفحات تاریخ بر این مدعا گواه است.

امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس این ۳۰

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۴۱

دلیل زنده است. حضرتش در سال ۲۵۵ قمری در خانه امام حسن
عسکری و حضرت نرجس خاتون علیها السلام در سامراء به دنیا آمده^۱ و
تا کنون بار سنگین امامت امت را بر دوش دارد.

۱. گزارش های میلاد امام مهدی علیه السلام در بسیاری از کتابها از جمله کمال الدین آمده است.

درس ۴۱

توبه خواهی، از درِ حطّه در آ

آن خطا و گناه بزرگ که برای بنی اسرائیل پیش آمد، با توبه و عرض ادب به آستان الهی بخشیده شد؛ با ورودی مخصوص به دری خاص، که باب حطّه نام گرفت. امت اسلام نیز به این کار آزموده شدند، گرچه شمار اندکی از این آزمون به سلامت بیرون آمدند.

﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱

رسول خدا ﷺ فرمود:

مثل اهل بیت من در میان شما مانند «باب حطّه» بنی اسرائیل است

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۴۳

که هر کس از آن در داخل شد، گناهانش آمرزیده شد و شایسته رحمت و افزونی از آفریدگار خود گشت.^۱

همچنین فرمود:

مثل اهل بیت من مانند «باب حطّه» بنی اسرائیل است که هر کس به آن درآید، آمرزیده می شود.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام هم فرمود:

اتّما مثلنا فی هذه الامّة کسفینة نوح و کباب حطّة فی

بنی اسرائیل.^۳

چند نکته

«باب حطّه» در زمان حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام وجود عینی خارجی داشت، اهل بیت نیز در هر زمانی باید وجود عینی و خارجی داشته باشند.

خدای متعال برای آمرزش بنی اسرائیل راهی قرار داد و آن «باب حطّه» بود که با خم شدن از آن در می گذشتند و «حطّه» می گفتند (حطّه از ریشه حطّ به معنای ریزش است، یعنی خدایا گناهان ما را بریز).

خدای متعال برای این امت نیز باب حطّه ای قرار داده که اهل بیت نبوت هستند. اینانند راه آمرزش مسلمانان. لذا باید در هر زمانی اهل بیت پیامبر حاضر باشند تا مسلمانان برای آمرزش گناهان و قصورهای خود به درگاه الهی، به آنان رجوع کنند.

۱. همان، ص ۴۴.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۳.

۳. مصنف ابن ابی شیبّه، ج ۷، ص ۵۰۳.

البته همچنان که در بنی اسرائیل، اکثریت امت این کار را به مسخره گرفتند، در این امت نیز اکثریت امت از این دستور الهی سر پیچیده‌اند. امروز تنها مصداق عینی اهل بیت که مایهٔ آمرزش امت است، امام مهدی علیه السلام هستند.

در زیارت جامعه می‌خوانیم: **وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ**.^۱

این امت نیز بارها به‌ویژه در مقاطعی همچون سقیفه و عاشورا به چنین آزمون‌هایی مبتلا شده و کارنامهٔ منفی نشان داده‌اند. امید که ما، در زمان غیبت امام عصر علیه السلام بتوانیم در این آزمون دشوار، در آن ورطه نیفتیم. چنان‌که در دعای عصر جمعه منقول از آن امام همام می‌خوانیم:

**وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ تَبَيَّنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ
أَمْرِكَ**.^۲

پژوهش و خودآزمایی

آیه‌ای دیگر که مایهٔ آمرزش گناهان است بیان نماید.
داستان «باب حطه» در بنی اسرائیل چه بود؟

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۸.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲.

درس ۴۲

هر پیامبر جانشینی بایدش

سنت دیرینه ادیان الهی چنین بوده که راه هدایت یک پیامبر با رحلتش بسته نشود. آیا این سنت در واپسین و کامل‌ترین دین نقض می‌شود؟

﴿وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی خدا محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بر جن و انس فرستاده و پس از وی دوازده وصی قرار داده، برخی در گذشته‌اند و برخی مانده‌اند. در هر وصی روش و برنامه‌ای بوده است و روش اوصیائی که پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم آمدند روش اوصیاء عیسی است که دوازده تن بودند و

امیر المؤمنین صلوات الله علیه به روش عیسی زیست.^۱

از سلمان نقل شده که گوید به رسول خدا گفتم:

هر پیامبری وصی ای داشته، وصی شما کیست؟ چیزی نفرمود. بعد از آن که مرا دید، فرمود: ای سلمان. به نزد آن حضرت شتافتم و لبیک گفتم. فرمود: می دانی وصی موسی که بود؟ گفتم: بلی، یوشع بن نون. فرمود: چرا؟ گفتم: از جهت آنکه در آن روز اعلم ایشان بود. حضرت فرمود: پس به راستی وصی من، جایگاه سر من و بهترین کسی که بعد از خود قرار می دهم، به جا آورنده و عده من است.^۲

محمد بن اسحاق گفت:

لَمَّا حَضَرَتْ آدَمَ الْوَفَاةُ عَهْدَ إِلَى ابْنِهِ شِيثَ وَ عَلَّمَهُ سَاعَاتِ
الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَعَلَّمَهُ عِبَادَاتِ تِلْكَ السَّاعَاتِ وَ أَعَلَّمَهُ بَوُفُوعِ
الطُّوفَانِ بَعْدَ ذَلِكَ.^۳

حضرت آدم به هنگام مرگ با شیت پیمان بست و ودایع و علومی را به او سپرد.

جابر گوید:

روزی با پیغمبر ﷺ در یکی از نخلستان های مدینه بودیم، در حالی که دست علی را در دست داشت. به یک نخل خرما گذر کردیم که ناگاه فریاد برآورد: این محمد سرور پیغمبران و این علی سرور اوصیاء و پدر ائمه طاهرین است. سپس به نخل دیگری گذر

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۲.

۲. المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۲۱.

۳. البداية و النهايه، ج ۱، ص ۱۰۹.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۴۷

کردیم، چنین ندا سر داد: این محمّد رسول الله است و این علی سیف الله. پیغمبر رو به علی کرد و فرمود: نام این نخل را صیحانی بگذار. از آن روز، این نوع خرما صیحانی نام گرفت و امروزه در مدینه جایی است که آن را صیحانی می خوانند.^۱

چند نکته

هر پیامبری وصی ای زنده دارد که وعده های او را تحقق می بخشد. بنابر فرمایش جناب سلمان، جانشین پیامبر باید اعلم مردم زمان باشد و به گواهی فریقین، اعلم مردم بعد از پیامبر امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.^۲

این جانشین را پیامبر از طرف خداوند حکیم تعیین می کند و مردم در این انتخاب اختیاری ندارند؛ همان گونه که در انتخاب یوشع، اّمّت حضرت موسی دخالتی نداشتند.

پیامبر جانشین خود را جایگاه سرّ خود و بهترین فرد بعد از خود می داند. لذا وصی بلافضل پیامبر، امیر المؤمنین علی علیه السلام است. او صیّاء پیامبر به تعداد نقباء بنی اسرائیل و حواریون عیسی (۱۲ تن) هستند.

عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا فِي الْمَسْجِدِ مَعَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

۱. فیض القدیر مناوی، ج ۵، ص ۲۹۳.

۲. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴.

مَسْعُودٍ فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ: هَلْ حَدَّثَكُمُ نَبِيُّكُمْ كَمْ
يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ خَلِيفَةً؟ قَالَ: نَعَمْ، كَعِدَّةِ نَقْبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.^۱

امروز وصی دوازدهم حضرت خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است که زنده است و روی همین زمین قدم برمی دارد. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در وصف او فرمود:

به خدای علیّی قسم که حجّت خدا بر زمین ایستاده و در راه‌های آن گام برمی دارد، به خانه‌ها و کاخ‌هایش داخل می‌شود، در شرق و غرب زمین گردش می‌کند، گفته‌ها را می‌شنود و بر جماعت سلام می‌کند؛ او می‌بیند اما دیده نمی‌شود تا زمان و وعده‌اش فرارسد.^۲

پژوهش و خودآزمایی

روایتی را که نام او صیاء از آدم تا خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آن آمده، بیابید.
منظور از دوره «فترة من الرسل» چیست؟

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۴۰۶.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۴۴.

درس ۴۳

آن گواه حق که بر مردم رسد

هر حاکمی در میان افراد مملکت خود گواهانی دارد و خداوند عزوجل نیز گواهان در زمین می‌گمارد. چرا گواهی؟ و کیانند گواهان؟

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ

يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾^۱

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ

شَهِيدًا﴾^۲

﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ

الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾^۳

۱. البقرة / ۱۴۳.

۲. النساء / ۴۱.

۳. القصص / ۷۵.

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا﴾^۱
 ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا
 بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ﴾^۲
 ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ
 سَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ﴾^۳

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (البقرة / ۱۴۳) فرمود:

نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَىٰ وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ وَحُجَجُهُ
 فِي أَرْضِهِ.^۴

از ابوسعید خدری نقل شده که رسول خدا فرمود: وسط در این آیه
 به معنای عدل است.^۵

از سلیم بن قیس نقل شده است که امام علی علیه السلام فرمود: مقصود خدا
 از کلامش «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» ماییم و رسول خدا گواه بر
 ماست. ما گواهان خدا بر مردم و حجت او در زمینش هستیم و امت
 وسط در کلام خدا ماییم.^۶

صاحب جواهر الحسان درباره آیه «وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ

۱. النحل / ۸۴.

۲. النحل / ۸۹.

۳. التوبة / ۱۰۵.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۵. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۵۶.

۶. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۹.

شَهِيداً» می‌گوید: یعنی گواهی بر کفر و ایمانشان باشد.^۱
ابن عطیه گفت: مُجاز است که خدا گواهان را از صالحان یا پیامبران
برانگیزد.^۲

آلوسی می‌گوید: وجود گواه در عصر پیامبر ﷺ روشن است. بعد
از ایشان نیز ناگزیر در هر عصر، از اقوامی خواهد بود که حجت به کلام
ایشان تمام شود و ایشان قائم مقام گواه معصوم [پیامبر] هستند.^۳
ثعالبی درباره آیه «وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً» می‌گوید: اینان
عادلان و نیکان امت‌اند، تا گواهی بر کارهای خیر و شر امم باشند.^۴
این شش آیه بر این حقیقت دلالت دارند که هر امتی گواهی دارد و
امت اسلام نیز گواهانی دارد که در قیامت بر مردم گواهی می‌دهند و
پیامبر اکرم گواه بر این گواهان هستند.

ابن عطیه، آلوسی و ثعالبی اصل وجود گواهان را بعد از پیامبر اکرم
- بنا بر آیات مذکور - پذیرفته‌اند؛ لکن صالحان، عادلان و اخیار امت را
مصادیق گواهان گرفته‌اند. این سخن نمی‌تواند درست باشد، زیرا
همان‌گونه که خود اذعان می‌کنند، اینان قائم مقام پیامبر معصوم هستند
و نمی‌شود جانشین معصوم در کاری خطیر چون گواهی بر خلق، غیر
معصوم باشد، زیرا از آنجایی که خدا این گواهان را بر اعمال مردمان
گمارده است، باید:

اولاً، از گناه و اشتباه بری باشند تا در پیشگاه عدل الهی به اشتباه

۱. جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۳۷.

۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۴۵۰.

۳. همان.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۸۱.

گواهی ندهند.

ثانیاً، علمی محیط بر تمام مردمان زمانشان داشته باشند تا اتمام حجت بر همگان شود. پس باید این علم، یک علم وهبی الهی باشد. ثالثاً، طبق روایت بخاری، معنای وسط در «امة وسطاً» عدل است، ولی پیامبر نفرمود: «امة عادلاً». نکته همین جاست که بین صفت عادل و عدل برای امت، تفاوت بسیار است. عادل به کسی اطلاق می‌شود که ممکن است غیر عدالت از او سر بزنند، ولی اگر کسی عدل باشد، عدالت در او ثابت و لایتغیر گشته و این صفت معصومان است. به هر حال، امروز گواه بر امت، حضرت بقیة الله علیه السلام هستند، چنان‌که در دعای مأثور از امام رضا علیه السلام آمده است:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَ
لِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ
وَ شَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ.^۱

پژوهش و خودآزمایی

دعای امام رضا برای امام زمان علیه السلام را یک بار کامل بخوانید. صفات امام زمان را در این دعا بیان کنید.

درس ۴۴

امام، مطمئن‌ترین دستاویز

امان از رفیقان نیمه‌راه! دست انسان ناتوان را می‌گیرند و قدری راه می‌برند، اما نیمه‌راه‌رها می‌کنند و به راه خود می‌روند. کجاست آن انسان خدایی که فرد گرفتار را در نیمه‌راه‌رها نکند؟ کجاست آن رشته‌ای که سست نباشد و بتوان در مسیر دشوار کوهنوردی به آن اعتماد کرد؟

﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا﴾^۱

کسی که کافر به طاغوت و مؤمن به خدا باشد، به راستی به «عروة الوثقی» چنگ زده که سستی در آن نیست.

رسول خدا ﷺ فرمود:

أَلَا إِنَّ أَخِي وَ خَلِيلِي وَ زِيرِي وَ صَفِيِّي وَ خَلِيفَتِي مِنْ
بَعْدِي وَ وَلِيِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَعْدِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،
فَإِذَا هَلَكَ فَابْنِي الْحَسَنُ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِذَا هَلَكَ فَابْنِي الْحُسَيْنُ
مِنْ بَعْدِهِ، ثُمَّ الْأَئِمَّةُ التَّسْعَةُ مِنْ عَقَبِ الْحُسَيْنِ، هُمْ الْهُدَاةُ
الْمُهْتَدُونَ، هُمْ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقِّ مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُونَهُ وَ
لَا يُفَارِقُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، هُمْ زُرُّ الْأَرْضِ الَّذِينَ تَسْكُنُ
إِلَيْهِمُ الْأَرْضُ وَ هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ هُمْ عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى
الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا.^۱

نیز فرمود:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ وَ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا وَ لِيَأْتَمَّ
بِالْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ.^۲

چند نکته

آیه اطلاق دارد که هر کسی در هر زمانی و مکانی می تواند به «عروة
الوثقی» متمسک شود. پس باید عروة الوثقایی در هر زمان باشد.
در تفاسیر شیعه و سنی، اهل بیت پیامبر به عنوان «عروة الوثقی»
معرفی شده اند.

۱. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۷۳۴.

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۶۸.

معنای «عروة الوثقی» به «حبل الله» بسیار نزدیک است.

العُرْوَةُ: عُرْوَةُ الدَّلْوِ.^۱

با این تفاوت که در اینجا تأکید شده که این رشته، سستی و گسستگی ندارد.

قوله تعالی: لَا انْفِصَامَ لَهَا، أَى لَا انْقِطَاعَ لَهَا.^۲

«الوثقی» صفت تفضیلی است، یعنی قابل اطمینان تر از این ریمان وجود ندارد. به عبارت دیگر، محکم ترین رشته است که امروز وجود نازنین امام عصر ارواحنا فداه است. در صلوات مروی از آن حضرت می خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ
الرَّهْمَاءِ وَالْحَسَنِ الرِّضَا وَالْحُسَيْنِ الْمُصْطَفَى وَجَمِيعِ
الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ التَّقَى وَ
الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ.^۳

پژوهش و خودآزمایی

صلوات منقول از صاحب الزمان را عصر جمعه بخوانید.
سبب صدور دعا را بیان کنید.

۱. العین، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۳۱.

۳. مصباح المتهجد، ج ۱، ص ۴۰۸.

درس ۴۵

رشته محکم که دست ما گرفت

گرفتار شده و راهی به رهایی ندارد. می‌داند که از افرادی در رتبه خودش کاری ساخته نیست. دیده به دیگران می‌دوزد، اما کدام یک می‌تواند او را نجات بخشد؟ می‌گوییم: آن بنده برگزیده خدا که خدایش به او برای رهایی گرفتاران مأموریت داده است. حبل الله، در میان خیل گرفتار چه کسی است؟

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۱

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمود:

نَحْنُ الْحَبْلُ^۲

نیز فرمود:

نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ^۳

۱. آل عمران / ۱۰۳.

۲. امالی الطوسی، ص ۲۷۲.

۳. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۶۹.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۵۷

آیه شریفه، به مسلمانان امر می‌کند که به ریسمان الهی چنگ زنند و از کنار او پراکنده نشوند.

چند نکته

این امر الهی مربوط به همهٔ زمان‌ها و همهٔ مسلمانان است، زیرا قید زمان و مکان ندارد.

در تفاسیر عمدتاً شیعی، «حبل الله» امامان از نسل پیامبر معرّفی شده‌اند. این تبیین آیه، با عقل بیشتر سازگاری دارد تا مصداق‌های دیگر که دیگران بیان کرده‌اند.

اگر کسی مدّعی شود که «حبل الله» فقط قرآن کریم است؛ می‌پرسیم: آیا ۷۳ فرقهٔ اسلامی به غیر قرآن اعتصام دارند؟ اگر جواب منفی است، چرا این‌گونه اعتصام مانع از تفرقه نشده است؟

در نتیجه بنا بر حکم عقل و سنّت قطعی پیامبر که همراهی قرآن و عترت است، اعتصام به «حبل الله»، اعتصام به قرآن با تبیین عترت است که در این صورت، امت از راه حق متفرّق نخواهند شد.

امروز، آنکه رشته‌اش به رشتهٔ الهی گره خورده است، وجود مبارک امام عصر ارواحنا فداه است.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ
عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ
بِحَبْلِكَ.^۱

پژوهش و خودآزمایی

دعای منقول از صحیفه سجادیّه را بخوانید.
کدام بخش‌ها از دعا به امام زمان علیه السلام مربوط است.

درس ۴۶

رشته‌ای از مردمان را پاس دار

رشته‌ای که خدایمان به زمین فرستاده تا برای حرکت در مسیر صعود به سوی آسمان، از آن بهره گیریم، بسی گران‌ارج است؛ بیش از حدّ تصوّر و پندار ما. نجات و صعود، در گرو همراهی همواره با آن است.

﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ
مِنَ النَّاسِ﴾^۱

رسول خدا ﷺ درباره این آیه فرمود:

فَالْحَبْلُ مِنَ اللَّهِ كِتَابُهُ وَالْحَبْلُ مِنَ النَّاسِ وَصِيَّتِي.^۲

۱. آل عمران / ۱۱۲.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۴۰.

نیز فرمود:

من در حالی شما را ترک می‌کنم که دو جانشین، یکی کتاب خدا، ریسمان کشیده خدا از آسمان به زمین و دیگری عترت و اهل بیتم را میان شما به یادگار می‌گذارم و آن دو، تا ورود بر حوض، هرگز از هم جدا نمی‌شوند.^۱

در جای دیگر فرمود:

فانظروا كيف تخلفوني في الثقلين؟ قيل: و ما الثقلان يا رسول الله؟ قال: الأكبر كتاب الله عزّ وجلّ؛ سبب طرفه بيد الله و طرفه بأيديكم، فتمسكوا به لا تفلتوا؛ و الأصغر عترتي، و انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.^۲

آیه به صراحت اشاره دارد که یک جبل از ناحیه خدا و یک جبل از ناحیه مردم است. پیامبر خدا این مطلب را بارها در حدیث ثقلین تذکر داده‌اند.

چند نکته

این روایت بیانی برای «جبل الله» است که دو طرف دارد، یکی به دست خدا که کلام الله است و دیگری به دست مردم که عترت است. حرف «لن» نفی ابد است، یعنی قرآن و عترت هرگز از هم جدا نمی‌شوند. اگر امروز قرآن موجود است که هست، حتماً فردی از عترت

۱. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۳۹ «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرَ وَ هُوَ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَ عِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ. فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا.»

۲. معجم الكبير، ج ۳، ص ۶۶.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۶۱

و اهل بیت پیامبر نیز در کنار آن باید زنده باشد.
مناوی شارح سنّی گوید: از «لن یفترقا» برمی آید که قرآن و عترت
مستمرّاً ملازم هم هستند.^۱
همان طور که قرآن معصوم است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ
لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٍ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^۲، اهل بیت نیز باید معصوم باشند.
امروز فردی از اهل بیت که همراه و شریک کتاب است، امام
زمان عَلَيْهِ السَّلَام است:

السَّلَام عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ.^۳

پژوهش و خودآزمایی

«شریک القرآن» برای کدام امام در دعا به کار رفته است؟
این شراکت به چه معناست؟

۱. فیض القدیر، ج ۳، ص ۲۰.

۲. فصلت / ۴۲.

۳. اقبال الأعمال، ج ۲، ص ۷۱۲.

درس ۴۷

صاحبان امر را باید شناخت

خدایمان به پیروی خود فرمان داد و راه آن را اطاعت پیام‌آور خود دانست، اما آن گرامی در دنیا عمری محدود دارد. پس از آن آیین پیروی خداوند چگونه است؟ اولی الامر که در قرآن به شکل کلی معرفی شده‌اند، کیانند؟

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱

عیسی بن سری گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پایه‌هایی که اسلام بر آنها قرار دارد، که چون به آنها چنگ زنم کردارم پاک و بی‌عیب باشد و چیزهای دیگری که نمی‌دانم به من زیان نرساند، کدام است؟ فرمود: گواهی دادن به یگانگی خدا و اینکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجت در هر زمان □ ۱۶۳

خداست و اقرار نمودن به آنچه از جانب خدا آورده و حقی در اموال به عنوان زکات و ولایتی که خدای عزوجل به آن امر فرموده و آن ولایت آل محمد علیهم السلام است، زیرا رسول خدا فرمود: هر که بمیرد و امامش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

خدای عزوجل فرماید: «خدا را اطاعت کنید و پیغمبر را اطاعت کنید و الیان امر از خودتان را». ولئی امر علی علیه السلام بود و پس از او حسن و پس از او حسین و پس از او علی بن الحسین و پس از او محمد بن علی، سپس امر امامت بر همین روش باشد. به راستی زمین بی امام اصلاح نمی شود و هر که بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است و زمانی یکی از شما بیشتر از همه به معرفت امام احتیاج دارد که نفسش به اینجا برسد - با دست اشاره به سینه اش فرمود - آنگاه خواهد گفت: عقیده خوبی داشتم.^۱

از مجاهد ذیل آیه «وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نقل شده که گفت: آیه درباره امیرالمؤمنین نازل شده است، وقتی پیامبر او را جانشین خود در مدینه گذارد؛ علی گفت: آیا من را بر زنان و کودکان جانشین قرار می دهی؟ پیامبر فرمود: آیا نمی پسندی که منزلت تو نسبت به من، منزلت هارون به موسی باشد زمانی که گفت: «اخْلُقْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ»^{۳۲}

از ابوبصیر نقل شده که از باقرالعلوم علیه السلام درباره این آیه پرسیدند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۱.

۲. الأعراف / ۱۴۲.

۳. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۹۰.

فرمود: دربارهٔ علی بن ابی طالب نازل شده است. گفتم مردم می‌گویند چرا نام علی و اهل بیت در قرآن نیامده است؟ فرمود: به آنان بگو خدا نماز را در قرآن نازل فرموده، ولی در مورد رکعات آن حرفی نزده است تا رسولش آن را بیان کند. نیز حج در قرآن آمده، ولی طواف هفتگانه در آن نیامده تا پیامبر بیان کند. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نیز در قرآن آمده و دربارهٔ علی، حسن و حسین نازل شده است. پیامبر فرمود: سفارش می‌کنم شما را به کتاب خدا و اهل بیتم و از خدا درخواست کردم که بین آن دو، تا ورود بر حوض، جدایی نیفکند و خدا درخواست من را اجابت کرد.^۱

چند نکته

امر خدا به اطاعت اولی الامر، امروز نیز باید در مورد کسی صدق کند، چون ما هم امروز مخاطب این آیه می‌شویم و قرآن برای تمام بشر تا قیام قیامت نازل شده است.

«اولی الامر» معصوم است و غیر معصوم را در بر نمی‌گیرد، زیرا قرآن ما را از اطاعت غیر معصوم نهی کرده و می‌فرماید: «وَ لَا تُطِيعُ مَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»^۲، نیز می‌گوید: «وَ لَا تُطِيعُ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا»^۳ بر اساس این آیات، اطاعت مطلق از گناهکار و تابع هوای نفس و حتی کسی که قلبش برای لحظه‌ای از خدا غافل می‌شود، جایز نیست.

۱. همان.

۲. الکهف / ۲۸.

۳. الإنسان / ۲۴.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۶۵

جمع بین این آیات جز بر اطاعت معصوم حکم نمی‌کند. این دیدگاه خردپسند شیعه است و سخن برخی عامّه را نمی‌پذیرد که هر حاکم اسلامی و لو فاسق فاجر را «اولی الامر» می‌پندارند. امروز، مصداق «اولی الامر» کسی جز امام مهدی ارواحنا فداه نیست. ایشان در مقابل شک‌کنندگان و به عقب برگشته‌ها، بازنده بودن آیه و مقیّد نبودن آن به زمانی خاص، استدلال می‌کنند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ اِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ أَنَّهُ وَرَدَ الْعِرَاقَ شَاكًّا مُرْتَادًا،
فَخَرَجَ إِلَيْهِ، قُلُ لِلْمَهْزِيَارِيِّ: قَدْ فَهِمْنَا مَا حَكَيْتَهُ عَنْ مَوَالِينَا
بِنَاحِيَّتِكُمْ. فَقُلْ لَهُمْ: أَمَا سَمِعْتُمْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ
مِنْكُمْ، هَلْ أَمْرَ إِلَّا بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؟^۱

پژوهش و خودآزمایی

سبب صدور نامه برای محمدبن ابراهیم بن مهزیار را توضیح دهید.
شخصیت محمدبن ابراهیم بن مهزیار را در تاریخ بررسی نمایید.

درس ۴۸

با چه امری دین حق کامل شود؟

روزی که خدای حکیم، اکمال دین را به امت اعلام فرمود، راه را برای امت تا واپسین روزهای عمر دنیا روشن ساخت. آن روز چه گذشت؟ و امروز تکلیف و وظیفه ما در برابر آن چیست؟

﴿الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ
الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ
لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱

سلمان از رسول خدا ﷺ درباره این آیه می پرسد:

أَنْزَلْتَ هَذِهِ الْآيَاتِ فِي عَلِيٍّ خَاصَّةً؟ قَالَ: بَلْ فِيهِ وَفِي
أَوْصِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۲

۱. المائدة / ۳.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۷۰.

از ابوهریره نقل است که گفت: کسی که روز هجده ذی‌الحجة را روزه بگیرد، خداوند روزه شصت ماه را برای او می‌نویسد، و آن روز غدیر خم است، هنگامی که پیامبر دست علی را گرفت و گفت: هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست و عمر بن الخطاب گفت: آفرین آفرین به تو، پسر ابوطالب.^۱

از ابوسعید خدری نقل است که رسول خدا به هنگام نزول آیه اكمال فرمود: الله اکبر برا کمال دین و اتمام نعمت و رضایت خدا به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب بعد از من. سپس فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا هر کس ولایت علی را بپذیرد، او را در کنف ولایت خود بگیر و دشمن علی را دشمن بدار و یاریگرش را یاری کن و هر که به او کمک نکند، کمکش نکن.^۲

متن آیه و روایات مربوط به آن می‌رساند که کامل شدن دین موکول به حضور ولّی معصوم و جانشین پیامبر است. اگر جانشین پیامبر بعد از او نباشد، دین از کمال خودش می‌افتد؛ بلکه نقصان اساسی پیدا می‌کند. نکته دیگر اینکه تعیین این جانشین به استناد سه کلمه «اکملت، اتممت، رضیت» فقط به انتخاب الهی و ابلاغ رسول است. پیامبر در روز غدیر خم، جانشین خود یعنی علی بن ابی طالب، امیر المؤمنین را به همگان معرفی کردند، چنان که ده‌ها هزار تن از جمله خلفاء اقرار به عظمت این حادثه کردند. امروز هم یادگار غدیر در میان مردم به - استناد این آیه - وجود دارد، همان بزرگ مردی که رسول خدا در خطبه غدیر،

۱. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. همان.

به عنوان «خاتم الائمة» به ایشان اشاره کرده و برخی از ویژگی‌هایشان را بیان فرمودند.

پژوهش و خودآزمایی

در خطبه غدیر با چه تعبیری از امام مهدی یاد شده است؟
دلیل نگارش و نام گذاری کتاب کمال الدین توسط شیخ صدوق چیست؟

درس ۴۹

رهنمای مردم‌اند از آسمان

ستاره آسمان برای اهل زمین زیبا و دست‌نیافتنی است؛ اما مهم‌تر از آن راهنما است. در آسمان جای دارد و به زمینیان می‌اندیشد. تشبیه امامان معصوم به ستارگان بسیار درس‌آموز است. بخوانید...

﴿ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴾^۱

رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود:

مَثَلُكُمْ مَثَلُ النُّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۲

نیز فرمود:

ستارگان امان اهل آسمان هستند. زمانی که بروند، اهل آسمان هم

۱. الأنعام / ۹۷.

۲. امالی الصدوق، ص ۲۶۹.

بروند. اهل بیت من نیز امان اهل زمین هستند، زمانی که بروند اهل زمین نیز بروند.^۱

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه فرمود:

النجوم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۲

چند نکته

در تشبیه لطیف این آیه، ستارگان سبب هدایت راه جویان و گم‌گشتگان می‌گردند، اهل بیت پیامبر نیز باعث هدایت راه جویان و گم‌گشتگان می‌گردند.

اگر فردی از اهل بیت پیامبر روی زمین نباشد، اهل زمین نابود می‌شوند، همان‌گونه که اگر ستارگان نباشند، اهل آسمان از بین می‌روند. پس در هر زمانی فردی از اهل بیت پیامبر در زمین وجود دارد که مردمان را هدایت و راهنمایی نماید. خود آن حضرت هم در توفیق شریف به این مطلب اشاره کرده‌اند:

وَ إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ
السَّمَاءِ.^۳

ستارگان در همان حال که وسیله هدایت زمینیان‌اند، در اوجی هستند که دست اهل زمین به آن‌ها نمی‌رسد. اهل بیت نیز این‌گونه‌اند؛ اندیشه مردم به کنه مقام آن‌ها نمی‌رسد، در عین حال که وسیله هدایت

۱. همان.

۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۷۱

مردم اند. این معنا از سخن امام رضا علیه السلام به دست می آید که در وصف امام معصوم فرمود:

وَ هُوَ بِحَيْثُ النَّجْمِ عَنِ أَيْدِي الْمُتَنَاوِلِينَ وَ وَصَفِ
الْوَاصِفِينَ.^۱

امروز، امامی که مصداق این آیه شریفه است، همان امام همامی است که به تعبیر دعای ندبه «يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ» است. در توقیع شریف در پیوستگی سلسله امامت فرمود: «وَ إِذَا أَقْلَ نَجْمٌ بَدَأَ نَجْمٌ»^۲

پژوهش و خودآزمایی

چه شباهت‌هایی میان ستارگان و امامان است؟

آیا امام مهدی به ستاره خاصی تشبیه شده است؟

۱. تحف العقول، ص ۴۴۰.

۲. دلائل الإمامة، ص ۵۲۶.

درس ۵

آمده از سوی حق بر جان خلق

فرستادگان آفریدگار بر تمام آفریدگان برتری دارند، بدین روی که سفیران آسمان در زمین‌اند و مردمان را راهنمای امین. رسالت چیست و مصداق آن کیست؟

﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾^۱

﴿وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِمَّنْ قَبْلِ أَنْ نُنزِلَ وَنَخْزِي﴾^۲

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا

۱. الأنعام / ۱۲۴.

۲. طه / ۱۳۴.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۷۳

الطَّاعُونَ^۱

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^۲

﴿وَلَوْ لَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا
لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ﴾^۳

مفضّل به امام صادق علیه السلام عرضه می دارد:

فَامَاتِكُمْ ثَابِتَةً عِنْدَ شِيعَتِكُمْ وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّكُمْ اخْتِيارُ اللَّهِ
فِي قَوْلِهِ: ﴿تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ﴾^۴ وَقَوْلِهِ: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ
حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾^۵.

چند نکته

رسول یک معنای خاص و یک معنای عام دارد.

اگر رسالت همراه با مقام نبوت باشد، بعد از خاتم الانبیاء باب آن بسته شده است. این همان معنای خاص است ولی اگر رسول به معنای عام آن، یعنی فرستادگان الهی باشد، باب آن تا قیام قیامت باز است. خداوند متعال، از فرشتگان موکل بر قبض روح مردم، تعبیر «توفّته

۱. النحل / ۳۶.

۲. یونس / ۴۷.

۳. القصص / ۴۷.

۴. الأنعام / ۸۳.

۵. الهدایة الكبرى، ص ۴۱۹.

رسلنا» رابه کار می برد، یعنی ملائک را در زمرة رسولان می داند. فعل مضارع «يجعل» در آیه «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» بر استمرار امر جعل رسول از طرف خدا در تمام زمان ها اشاره دارد. چهار آیه دیگر نیز به روشنی اشاره دارند به اینکه هر امتی فرستاده ای دارد و اگر این فرستادگان نباشند، اتمام حجت با مردمان صورت نمی گیرد.

با توجه به آیات مذکور نمی توان زمانی را تصوّر کرد که مردمان به فرستادگان زنده الهی بی نیازند.

امروز، آن سفیر و فرستاده الهی بر مردم امام عصر عجل الله فرجه است.

پژوهش و خودآزمایی

نمونه دیگری از کاربرد «رسول» برای غیر انبیاء در کلام الله بیان نمایید.

رئوس دعوت رسولان چیست؟

درس ۵۱

اینک این ما و صراط مستقیم

هر مسلمانی در طول یک شبانه‌روز دست‌کم ده بار، از خدایش می‌خواهد که او را به «صراط مستقیم» هدایت کند. یعنی در طول یک سال، بیش از سه‌هزاروپانصد بار و در طول عمرش هزاران بار، این درخواست را تکرار می‌کند. «صراط مستقیم» چیست که این همه در طلب آن از خدای بزرگ، اصرار می‌کنیم؟

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱

﴿هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ﴾^۲

۱. الأنعام / ۱۵۳.

۲. الحجر / ۴۱.

﴿لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَا تَنبِتُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ﴾^۱

حدود ۳۰ بار در آیات مختلف قرآن ترکیب «صراط مستقیم» به کار رفته است.

امام باقر صلوات الله علیه درباره آن فرمود:

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام، هُمْ صِرَاطُهُ، فَمَنْ أَتَاهُ سَلَكَ السَّبِيلَ.^۲

ابی بریده گفت:

فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» قَالَ: صِرَاطَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.^۳

نیز ابن عباس گفت:

أَهْدِنَا إِلَى حُبِّ النَّبِيِّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ.^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ أَبْنَاءَهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ هُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي، مَنْ اهْتَدَى بِهِمْ «هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۵

۱. الأعراف / ۱۶.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۳۷.

۳. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۷۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۷۵.

۵. آل عمران / ۱۰۱.

۶. همان، ص ۷۶.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجت در هر زمان □ ۱۷۷

امام صادق علیه السلام فرمود:

الصراط الذى قال ابليس: «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

ثُمَّ لَأَيَسَّنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ» و هو على عليه السلام.^۱

امام باقر صلوات الله عليه فرمود:

قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ قَالَ: «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»،

قَالَ: صِرَاطٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.^۲

نیز عبدالله بن ابی جعفر گفت:

هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.^۳

امام عليه السلام فرمود:

«إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۴ يَعْنِي: إِلَى الْإِمَامِ الْمُسْتَقِيمِ.^۵

علی بن ابراهیم گفت:

فِي قَوْلِهِ: ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۶ أَى تَدْعُو

إِلَى الْإِمَامَةِ الْمُسْتَوِيَةِ ثُمَّ قَالَ: «صِرَاطِ اللَّهِ» أَى حُجَّةِ اللَّهِ

الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.^۷

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۹.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۲۵.

۳. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۷۹.

۴. الحج / ۵۴.

۵. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۶.

۶. الشوری / ۵۲.

۷. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۸۰.

امام باقر علیه السلام فرمود:

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ﴿فَاسْتَمْسِكْ بِإِلْدِي أَوْحِي إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۱ قَالَ: إِنَّكَ عَلَى وَلايَةِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ هُوَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ.^۲

امام کاظم علیه السلام فرمود:

﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۳ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ضَرَبَ مَثَلًا مَنْ حَادَ عَنْ وَلايَةِ عَلِيٍّ كَمَنْ يَمْشِي عَلَى وَجْهِهِ لَا يَهْتَدِي لِأَمْرِهِ وَ جَعَلَ مَنْ تَبِعَهُ سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام.^۴

چند نکته

عبارت «صراط مستقیم» فراوان در آیات و روایات استفاده شده است. و منظور از آن امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم ایشان هستند. «صراط مستقیم» یعنی راهی استوار که کژی در او راه ندارد. بدون راه نمی توان به مقصد رسید و راه رسیدن به رضوان الهی، امامان علیهم السلام هستند.

براساس آیات قرآن شیطان بر سر «صراط مستقیم» نشسته و قسم

۱. الزخرف / ۴۲.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۷.

۳. الملک / ۲۲.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۳.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۷۹

خورده تا قیامت مردم را گمراه کند. در نتیجه چون اکنون شیطان هست باید «صراط مستقیم» هم باشد.

امروز، راه استوار خدا حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است که شیطان بر سر راه رسیدن به او نشسته و مردمان را از رسیدن به او باز می‌دارد، چون امام زمان تنها راه رسیدن به بهشت و رضوان الهی در زمان حاضر است.

نَحْنُ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ
عَزَّوَجَلَّ.^۱

پژوهش و خودآزمایی

«صراط مستقیم» از لحاظ لغوی به چه معناست؟

آیات دیگر «صراط مستقیم» را که در تفاسیر به امامان تفسیر شده، بیان کنید.

درس ۵۲

در زمین اینک خدا را جانشین

... و آن روز که خدایمان اراده کرد در زمین خلیفه‌ای برگزیند، آدم علیه السلام را در زمین آفرید؛ تا سفره خلقت را به یمن خلیفه‌اش بگستراند. این سیر خلافت ادامه یافت تا امروز...

﴿اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ﴾^۱

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً
قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ
نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲

اسحاق بن عمار گوید: به موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: مرا به

۱. الأعراف / ۱۴۲.

۲. البقرة / ۳۰.

کسی که دینم را از او به دست آورم راهنمایی فرما، فرمود: همین پسر م علی است، به راستی پدرم دست مرا گرفت و به سوی قبر رسول خدا ﷺ برد و فرمود: پسر عزیزم: خدای عزّوجلّ فرمود: «به راستی من در زمین خلیفه گذارم» و چون خدا چیزی فرماید به آن وفا کند. (پس هیچ‌گاه زمین خالی از خلیفه و حجت نباشد).^۱

از حضرت علی عَلِيٍّ نقل شده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: خدایا جانشینان من را رحمت کن. پرسیدیم: جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که احادیث من را روایت می‌کنند و آن‌ها را به مردم می‌آموزند.^۲

از ثوبان نقل شده که پیامبر خدا گفت: زمانی که او را دیدید با او بیعت کنید، ولو با خزیدن روی برف باشد، چرا که به راستی او «خَلِيفَةَ اللَّهِ مَهْدِي» است.^۳

اسم فاعل، ثبوت را می‌رساند؛ لذا خداوند در هر زمان خلیفه‌ای بر روی زمین دارد.^۴ با توجه به قرائن آیات بعد که این خلیفه را حضرت آدم معرفی می‌کند، این خلیفه باید از ملائکه داناتر باشد. خلیفه زنده خدا در زمان ما حضرت مهدی است که روایات شیعه و سنی به این صفت او صریحاً اشاره کرده‌اند. روایت زیلعی می‌رساند که پیامبر پس

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲. نصب الرایة، ج ۱، ص ۴۷۱.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۴.

۴. یعنی: خداوند فرمود: «انی جاعل»، و نفرمود: «انی اجعل». اگر شکل دوم بود، یعنی فقط در این زمان. ولی ترکیب «انی جاعل» بدان معنا است که در هر زمان خداوند خلیفه‌ای در زمین نصب می‌کند.

از خود خلفایی دارد که تبلیغ و تعلیم احادیث نبوی را بر عهده دارند. امروز نیز امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام که جانشین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، وظیفه تبلیغ و تعلیم مردم را بر عهده دارد. در زیارت آل یس خطاب به حضرتش می‌گوییم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ خَلْقِهِ.

پژوهش و خودآزمایی

در روایتی صحیح امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان چهارمین خلیفه معرفی شده، دلیلش چیست؟ کدام آیه قرآن به خلافت امامان صریحاً اشاره دارد؟

درس ۵۳

دین حق با این ستون‌ها استوار

ماه یکی از صدها جلوه مسحورکننده آسمان است، اما جز آن برنامه زندگی مردم را سامان می‌دهد. تقویم‌هایی که براساس ماه تنظیم می‌شود، چشم به طلوع ماه دارند. تقویم زندگی معنوی مردم نیز براساس طلوع بزرگ‌مردانی تنظیم می‌شود که خداوند حکیم، شناخت آن‌ها و ایمان به آن‌ها را دین استوار می‌داند. این بزرگ‌مردان را بهتر بشناسیم.

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾^۱

امام باقر علیه السلام در تأویل این آیه فرمود:

اما، سال جد بزرگوارم، پیامبر اکرم ﷺ است. ماه‌ها که دوازده ماه است، امیرالمؤمنین و امامان تا به من است، پس از من پسر م جعفر و پسرش موسی و پسرش علی و پسرش محمد و پسرش علی تا پسرش حسن و از او به پسرش محمد که هادی و مهدی است؛ دوازده امام و حجت خدا بر خلق و امین وحی و علم خدا هستند. چهار ماه حرام، چهار نفری هستند که نام علی دارند، امیرالمؤمنین و پدرم علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد. اقرار به اینان دین پایدار است. «فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ»، یعنی معتقد به همه آنها شوید هدایت می‌یابید.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود:

این دین پیوسته تا قیامت برپا خواهد بود و دوازده خلیفه بر شما خواهد بود که همگی از قریشند.^۲

در روایت دیگر، رسول خدا ﷺ فرمود:

به یقین خداوند از فرزندان ابراهیم، اسماعیل را برگزید. و از فرزندان اسماعیل بنی‌کنانه را و از بنی‌کنانه، قریش را و از قریش، بنی‌هاشم را و از بنی‌هاشم، من را برگزید (ترمذی حدیث را حسن صحیح می‌داند).^۳

عایشه گوید که پیامبر از جبرئیل نقل فرمود:

تمام زمین را گشتم و زیر و رو کردم و مردی برتر از محمد ﷺ و

۱. الغيبة طوسی، ص ۱۴۹.

۲. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴.

۳. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۴۳.

خانه‌ای برتر از خانه بنی‌هاشم ندیدم.^۱

چند نکته

پیوسته دین تا قیامت پابرجاست و در این مدت دوازده جانشین پیامبر - که همه از قریش هستند - بر مردمان خلافت می‌کنند.

قریش از بزرگ‌ترین قبائل عرب بود که خود از زیر مجموعه‌های کوچک‌تری چون بنی‌هاشم، بنی‌امیه و غیره تشکیل شده بود. اما خدا بنی‌هاشم را از قریش برگزید. پس دوازده جانشین پیامبر نیز از بنی‌هاشم هستند، نه از تیره‌های دیگر.

شهر در اینجا به معنای لغوی آن است که از اشتهار و شهرت گرفته شده، ماه قمری را به این دلیل «شهر» گفته‌اند که از گردش ماه آسمان به دست می‌آید. ائمه در علم و کمال، مانند ماه در آسمان شهرت دارند، لذا به عنوان «شهر» توصیف شده‌اند.

اگر مراد از این آیه، ماه‌های قمری باشد، چگونه قبول آن را دین استوار خدا بدانیم؟ مگر کافران و معاندان تعداد ماه‌ها را غیر از این می‌دانسته‌اند؟ به علاوه جمع «شهر» به معنای ماه قمری در قرآن «اشهر» آمده است، نه «شهور».

«فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ» قرینه‌ای است که این «شهر» غیر ماه قمری است، زیرا می‌توان بر آن ظلم روا داشت و بر انسان ظلم روا داشته می‌شود.

اینک زمان امامت آخرین ماه منیر خدا حضرت صاحب‌الزمان

است، آیا سزاوار است که از او بهره‌نگیریم و بر او و خودمان جفا روا داریم؟

پژوهش و خودآزمایی

بین ماه‌های قمری و امامان چه شباهت‌هایی است؟

امام زمان علیه السلام چه شباهتی به قمر آسمان دارد؟

درس ۵۴

با گروه راستان همراه شو

در دنیایی که دروغ و دغل، از دیرباز در آن رواج داشته و دارد، فرصتی استثنایی به دست می‌آوریم که با معدود بزرگ‌مردانی آشنا شویم؛ آنان را که خدای سبحان صادق نامید و مردم را به همراهی با آنها امر فرمود. این فرصت طلایی را تا چه مایه ارج می‌نهییم؟

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ

الصَّادِقِينَ﴾^۱

سلمان از عام یا خاص بودن این آیه پرسید، رسول خدا ﷺ

فرمود:

أَمَّا الْمَأْمُورُونَ فَعَامَّةُ الْمُؤْمِنِينَ، أَمْرُوا بِذَلِكَ وَ أَمَّا

الصَّادِقُونَ فَخَاصَةٌ لِأَخِي عَلِيِّ وَ أَوْصِيَائِي مِنْ بَعْدِهِ إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۱

از ابن عباس نقل شده که این آیه درباره حضرت علی علیه السلام به طور
خاص نازل شده است.^۲

از جابر نقل شده که امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمود: با
آل محمد باشید.^۳

چند نکته

امر خدا به همراهی با «صادقین» می‌رساند، که در هر زمانی باید کسی
وجود داشته باشد که نام‌گذاری او به «صادق» از طرف خداوند، بر او
صدق کند تا مردم با او همراهی کنند.^۴

این ترکیب (جمله اسمیه با اسم فاعل) دلالت بر ثبات دارد، یعنی
صدق در آن‌ها ثابت است.

به علاوه اگر این افراد برای لحظه‌ای و کمتر از لحظه‌ای صادق
نباشند، امر خدای متعال، امر به قبیح یعنی پیروی از کاذب می‌شود و این
محال است. پس مقام عصمت به طور دائم برای صادقین برقرار است.
امروز آن صادق که مردم به همراهی با او مأمور شده‌اند، امام

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳. همان.

۴. نام‌گذاری یک شخص به صفتی خاص، از طرف مردم با مسامحه و بدون اطلاع از باطن
آن فرد صورت می‌گیرد ولی چنین نام‌گذاری از سوی خدایی که «عالم الغیب و الشهادة» است و
از ظاهر و باطن مردم خبر دارد، نشان از حقیقتی والا دارد که باید قدر دانست.

مهدی علیه السلام است، که در وصف او می‌خوانیم:

أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حُوبًا وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ
لَمْ يَضَعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ
فَرِيضَةً وَ لَمْ يُعَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ
التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ^۱

پژوهش و خودآزمایی

توضیح دهید که آیا «الصادقین» در همه جای قرآن به معنای
معصومان است؟

چه دلالتی صادق بودن بر عصمت دارد؟

درس ۵۵

آنکه هشدار خدا ابلاغ کرد

هیچ برنامه تربیتی بدون هشدار پیش نمی‌رود. هشدار مکمل نوید دادن است. بدین روی پیامبر هشداردهنده هستند، اما پس از او که دین خدا ادامه می‌یابد، این نقش هشداردهندگی را چه کسی ایفا کند؟ نسبت به چه مطلبی هشدار دهد؟ به چه کسی و چگونه و به چه زبانی؟

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾^۱
﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا
فِيهَا نَذِيرٌ﴾^۲

۱. هود / ۲۵.

۲. فاطر / ۲۴.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۹۱

مقام انذار در زمان حیات رسول الله مخصوص ایشان و بعد از ایشان برای اوصیاء ایشان است و نیز آن دسته از فقیهان آل محمد علیهم السلام که با امام زمانشان مرتبط هستند. همان گونه که در کلام الله آمده است:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۱

احمد بن محمد بن ابونصر گوید: نامه‌ای به امام رضا علیه السلام نوشتم و از جمله این دو آیه را مطرح کردم: «اگر نمی‌دانید از اهل اطلاع پرسید.» و «در توان مؤمنان نبود که همگان کوچ کنند. پس چرا از هر گروه و دسته‌ای یک یا چند تن کوچ نکردند تا در دین خدا فقیه و دانا شوند و بعد از بازگشت به قوم خود، آنان را از نافرمانی خدا هشدار دهند، شاید که بترسند.» بعد از طرح این دو آیه نوشتم: مشاهده می‌شود که پرسش و تحقیق بر دیگران فرض و لازم شده، ولی از چه جهت پاسخ سؤالات آنان بر شما واجب نیست؟

ابوالحسن الرضا، این آیه را در پاسخ من نوشت: «اگر مردمان دعوت تو را اجابت نکردند، بدان که پیرو هوای نفسند و گمراه‌تر از هواپرستان کیست؟»^{۲ و ۳}

شاید منظور امام این است که اگر ما بدانیم که مردمان با حالت اخلاص و تعبد سؤال می‌کنند، پاسخ آنان را می‌دهیم.

۱. التوبة / ۱۲۲.

۲. القصص / ۵۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۲.

آلوسی در تفسیرش می‌گوید:

می‌تواند این نذیر نبی نباشد، بلکه عالم باشد.^۱

ابن‌کنیر گوید:

آیه «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» یعنی هیچ امتی از فرزندان آدم نیست، مگر اینکه خدا در میان آن‌ها هشدار دهندگانی برانگیخته است تا بیماری‌ها - مادی و معنوی - را از آنان دور سازد، همان گونه که فرموده است: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» و نیز فرموده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ»^۲ و آیات در این زمینه بسیار است.^۳

سَقَّاف، از شارحان معاصر اهل سنت گوید:

مقتضای آیه این است که خداوند، مردم را بدون راهنمانگذاشته است تا آنان را به سوی خدا و شرعش و امر و نهییش دلالت کند.^۴

چند نکته

ظهور و اطلاق این آیه و نیز کلام سَقَّاف نشان می‌دهد که قطعاً میان هر امتی راهنما و هشدار دهنده‌ای وجود دارد.

کلام ابن‌کنیر - مفسر شهیر سنی - می‌رساند که اولاً وجود نذیر در تمام امت‌های بنی‌آدم بوده است تا بیماری‌های مادی و معنوی را دور

۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۱، ص ۳۶۰.

۲. النحل / ۳۶.

۳. تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۴۸۱.

۴. صحیح شرح العقیده الطحاویة، ص ۳۹۵.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجت در هر زمان □ ۱۹۳

سازند. ثانیاً مضمون این آیه شبیه آیات بسیاری است، از جمله «وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» یا «لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا».

نتیجه کلام این کثیر چنین می شود که امروز نیز باید منذر باشد.

به بیان آلوسی این منذر می تواند دانشمندی جز پیامبر باشد.

در دیدگاه شیعه این نذیر باید معصوم یا متصل به معصوم باشد، زیرا اگر هشدار دهنده برای لحظه ای از خدا پروا نکند و تابع هوی و هوس شود، نخواهد توانست مردم را به سوی خدا دلالت کند و این نقض غرض است.

این نکات در راستای عقیده خردپسند شیعه است که در هر زمان باید هشدار دهنده ای معصوم از جانب خداوند متعال وجود داشته باشد.

امروز وجود مقدس امام مهدی علیه السلام همان گونه که خود فرموده چنین جایگاهی دارد.

خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ إِلَى مُحَمَّدِ الْحَمِيرِيِّ بَعْدَ الْجَوَابِ
عَنِ الْمَسَائِلِ الَّتِي سَأَلَهَا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا لِأَمْرِهِ
تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْعَةِ فَمَا تَعْنِ التُّدْرُ
عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ.^۱

پژوهش و خودآزمایی

تفاوت دیدگاه شیعه با سنی را درباره آیه انذار بیان کنید.

دلالت کلام امام زمان علیه السلام بر وجود هشدار دهنده چیست؟

درس ۵۶

هر زمانی را امامی رهنماست

رسول خدا ﷺ مدتی در این دنیا زندگی می‌کند و رخت به دیگر سرای می‌بندد؛ اما دینش بر جای می‌ماند. این دین را پس از ایشان چه کسی پاس می‌دارد؟

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَأُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۱

امام باقر عليه السلام در تفسیر آیه فرمود: رسول خدا ﷺ بیم‌دهنده است و در هر دورانی از ما رهبری است که آن‌ها را به آنچه پیغمبر خدا آورده رهبری کند.^۲

۱. الرعد / ۷.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

ابوصالح گوید: «لکل قوم هاد» یعنی هر قومی رهبری دارند.^۱
ابوالعالیه گفت: هادی به معنای رهبر و رهبر به معنای امام است.^۲
از ابن عباس نقل شده که به هنگام نزول این آیه، پیامبر دست بر سینه خود گذاشت و فرمود: «من منذر هستم»؛ آنگاه با دست به علی ع اشاره کرد و فرمود: هادی تویی که فقط به دست تو، هدایت جویان بعد از من هدایت می‌شوند.^۳

ابوبرزه اسلمی گوید: شنیدم رسول خدا ص می‌گفت: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ» درباره من و «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» درباره علی نازل شده است.^۴

چند نکته

از این آیه و روایات ذیل آن فهمیده می‌شود که هر قومی هدایتگر و رهبری دارد که غیر از نبی مکرم است.
این عمومیت آیه بدون تخصیص نشان می‌دهد که در هر زمانی هادی وجود دارد.

این حکمت الهی در زمان مانیز جریان دارد. هادی بعد از پیامبر، امیرالمؤمنین علی ع است و پس از ایشان، طبق روایات متواتر «اثنی عشر خلیفه»،^۵ یازده امام دیگر هستند.

امروز، آخرین هادی امت، امام مهدی ع است که در دعای عهد می‌خوانیم:

۱. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۴۲.

۲. همان.

۳. فتح الباری، ج ۸، ص ۲۸۵.

۴. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۴۵.

۵. در بخش آیه زلزال و شهور نمونه‌هایی آمده است.

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ، الْقَائِمَ بِأَمْرِ اللَّهِ،
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، فِي مَشَارِقِ
الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنْيَ
وَعَنْ وَالِدَيَّْ وَعَنِ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الصَّلَوَاتِ، زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ
وَعَدَدَ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ وَأَخْصَاهُ كِتَابُهُ. ۱

پژوهش و خودآزمایی

آیا بین این آیه و آیهٔ بخش قبل تضادی وجود ندارد؟
باتوجه به روایات معنای مهدی چیست؟

درس ۵۷

این علامات طریق بندگی

هرکسی که راهی برای رهنوردان می‌سازد، برای شناخت دقیق آن و تمایز آن با بیراهه و کژراهه نشانه‌هایی برایش مقرر می‌دارد. راه خدا نشانه‌هایی دارد برای اینکه ابلیس با تلبیس خود، کژراهه را به جای آن به بشر نشان ندهد. شناخت این نشانه‌ها ضرورت حیاتی جدی دارد.

﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾^۱

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود:

ستاره، رسول خدا صلی الله علیه و آله است و علامات ائمه علیهم السلام هستند.^۲

نیز باقرالعلوم علیه السلام فرمود:

۱. النحل / ۱۶.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۶.

«نجم» محمّد و «علامات» اوصیاء هستند.^۱

امام عصر علیه السلام نیز فرمودند:

أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لَكُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَ أَعْلَامًا
تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ عليه السلام إِلَى أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِي
أَبُو مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كُلَّمَا غَابَ عِلْمٌ بَدَأَ عِلْمٌ.^۲

چند نکته

«علامات» جمع علامه به معنای نشانه‌ها است.

«أعلام» جمع عِلْم است و معانی گوناگونی دارد: کوه بلند،^۳ پرچمی که لشکر دور آن جمع می‌شود^۴ و نشانه‌ای که در راه برای پیدا کردن طریق قرار می‌دهند.^۵

هر دو از ریشه «عَلِمَ» و معنای شان یکسان است.^۶

بشر هیچ‌گاه از نشانه برای جهت‌یابی بی‌نیاز نیست.

اوصیاء پیامبر اکرم و ائمه هدی به علامات و اعلام تشبیه شده‌اند. خداوند متعال برای هدایت بشر نشانه‌های استواری قرار داده، که مردم راه را از راه تشخیص دهند.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۵.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۷.

۳. کتاب العین، ج ۲، ص ۱۵۲ «و العَلَم: الجبل الطویل، و الجمیع: الأَعْلَام».

۴. همان «و العَلَم: الرایة، الیها مجمع الجند».

۵. همان «و العَلَم: ما ینصب فی الطریق، لیكون عَلَامة یتهدى بها».

۶. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۲۵ «و العَلَم بالتحرک: عِلْم الثوب من طراز و غیره و

هو العَلامة و جمعه أَعْلَام مثل سبب و أسباب و جمع العَلامة: عِلَامَات».

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۱۹۹

امروز، یگانه پرچم هدایت وجود مبارک امام مهدی عجلایه است که در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

عَلَمِ الْهُدَى وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ
از تَدَى وَ مُجَلَّى الْعَمَى.^۱

پژوهش و خودآزمایی

چه شباهت هایی میان کوه بلند با امام است؟

آیا در دعای دیگری مترادف صفت «عَلَم» به معنای پرچم برای امام
زمان آمده است؟

درس ۵۸

از که پرسم این همه پرسش، خدا؟

از روزی که بشر دیده به دنیا گشوده، این حقیقت را در خود یافته که: انسان است و پرسش، گویی که دو همزادند و از یکدیگر جدایی ندارند. این همه پرسش را به کجا باید ببرد؟ و پاسخ از چه کسی بجوید؟

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲

۱. النحل / ۴۳.

۲. الأنبياء / ۷.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۰۱

در دو آیه از کلام الله، خدای متعال مسلمانان را به پرسش از «اهل الذکر» امر کرده است.

رسول خدا ﷺ درباره این آیه فرمود:

الذِّكْرُ أَنَا وَالْأُمَّةُ أَهْلُ الذِّكْرِ.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

وَ اللَّهُ إِنَّا لَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ، نَحْنُ أَهْلُ الْعِلْمِ وَ نَحْنُ مَعْدِنُ
التَّأْوِيلِ وَ التَّنْزِيلِ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: أَنَا
مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهِ مِنْ بَابِهِ.^۲

چند نکته

در «فَسئَلُوا»، امر خدای متعال به مسلمانان بدون قید زمان و مکان است، پس باید «اهل الذکر» در تمام زمانها باشند.

«اهل الذکر»، از بین عالمان مسلمان است. زیرا عالمان غیرمسلمان مردم را به کیش خود دعوت می‌کنند.

«اهل الذکر» در لغت به معنای اهل توجه است؛ یعنی کسانی که غفلت در آنان راه ندارد.

«اهل الذکر» در کتاب خدا به دو معنای کار رفته است: اهل قرآن و اهل پیامبر که امامان علیهم السلام هستند.

امر مطلق در پرسش از این عالمان، نشان دهنده علم بی‌انتهای آنان است، زیرا علم قرآن پایان ندارد.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۴۳۲.

﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾^۱

طبق تفاسیر شیعه و سنی، «اهل الذکر» اهل بیت پیامبر هستند. تاریخ نیز گواهی می‌دهد که مشکلات و پرسش‌های مطرح‌شده درباره قرآن، در هر زمان با دست‌گره‌گشا و علم‌کامل‌الهی اهل بیت، گشوده و پاسخ داده شده‌اند، نه خلفا یا عالمان وابسته به آن‌ها. امروز نیز مصداق «اهل الذکر»، امام عصر عجل‌الله‌تعالیه است و امت و وظیفه دارد پرسش‌های خود را از ایشان بپرسد و پاسخ بگیرد. گرچه به دلیل غیبت، دایره مستفیدان از ایشان محدود است؛ ولی باید گفت: گرگدا کاهل بود تقصیر صاحب‌خانه چیست؟

پژوهش و خودآزمایی

آیات قبل و بعد این آیه درباره اهل کتاب است؟ این مطلب با تفسیر شیعه از آیه تضادی ندارد؟
در کجای قرآن ذکر به معنای رسول به کار رفته است؟

درس ۵۹

پیشوایت کیست در روز جزا؟

هرکس به محبوبش می‌بالد و خود را به او منتسب می‌دارد، یعنی دوست دارد به او نسبتش دهند. این دوستی و دلبستگی در روز جزا نیز ادامه می‌یابد، یعنی فرصتی پدید می‌آید که محبّ به محبوب خود برسد.

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ
فَأُوْتِيَكَ يَتْرُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

چون آیه «روزی که همه مردم را به امامشان بخوانیم» نازل شد، مسلمانان گفتند: یا رسول الله مگر شما امام همه مردم نیستید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من از طرف خدا بر همه مردم رسولم، و بعد از من

امامانی از خاندانم از طرف خدا بر مردم گماشته می‌شوند، آن‌ها در میان مردم قیام می‌کنند و مردم آن‌ها را تکذیب می‌نمایند و امامان کفر و ضلالت و پیروانشان به آن‌ها ستم می‌کنند، هر که بدان‌ها گروود و پیروی آن‌ها کند و آن‌ها را تصدیق نماید، از من است و همراه من است و مرا ملاقات خواهد کرد، آگاه باشید! هر که بر آنان ستم کند و آن‌ها را تکذیب کند، از من نیست و همراه من نیست و من از او بیزارم.^۱

از ابن عباس درباره این آیه نقل است که گفت: امام هدایت و امام ضلالت.^۲

از علی علیه السلام نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر قومی را به امام زمانشان و کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان می‌خوانند.^۳

چند نکته

از این آیه و روایات ذیل آن برمی‌آید که در قیامت، هرکسی را به نام امام زمانش می‌خوانند، یعنی نمی‌شود کسی امام زمان نداشته باشد. حال این فرد، کدام پیشوا را به امامت پذیرفته باشد، امام هدایت باشد یا امام ضلالت.

باید در هر زمان امامی از جانب خدا باشد تا اصحاب یمین به او اقتدا کنند.

امروز، امام مهدی علیه السلام مصداق این آیه است، چنان‌که امام سجاد علیه السلام در دعای ۴۷ صحیفه، پس از جملاتی که ضرورت وجود

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۹۴.

۳. همان.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۰۵

امام در هر زمان و ویژگی‌های او را بیان می‌دارد، به امام مهدی اشاره کرده و برای ایشان و یاران‌شان دعا کرده‌اند.

وَ أَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ
صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ
مَعَالِمِ دِينِكَ وَ اجْلُ بِهِ صِدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ وَ أَبْنُ بِهِ
الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ وَ أزلْ بِهِ النَّكْبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ وَ امْحَقْ
بِهِ بُعَاةَ قَصْدِكَ عَوْجَا.

پژوهش و خودآزمایی

مواردی را که در دعاها آمده که به دست باکفایت امام زمان زنده می‌شود، بیان کنید؟
شمّه‌ای از جایگاه امامان در قیامت را بیان نمایید.

درس ۶۰

در پناه این چنین کوه امان

در مسیر دشوار کوه با انواع خطرات و مشکلاتی که در کمین انسان است، غارهایی که در مسیر هست، پناهگاه رهنوردان است. راه دشوار عبودیت خطراتی دارد بسیار دشوارتر از یک مسیر کوهنوردی عادی. در این مسیر سخت به کجا باید پناه برد؟

﴿فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا﴾^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

أَلَا إِنَّ عِلْمَ الَّذِي هَبَطَ بِهِ آدَمُ وَ جَمِيعَ مَا فَضَّلَتْ بِهِ

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجت در هر زمان □ ۲۰۷

الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عِتْرَةِ نَبِيِّكُمْ، فَأَيُّنَ يَتَاهُ بِكُمْ وَ أَيُّنَ تَذْهَبُونَ؟
يَا مَعْشَرَ مَنْ نَجَا مِنْ أَصْحَابِ السَّفِينَةِ، هَذَا مِثْلُهَا فِيكُمْ كَمَا
نَجَا فِي هَاتِيكَ مَنْ، فَكَذَلِكَ مَنْ يُنْجُو فِي هَذِهِ مِنْكُمْ مَنْ
يُنْجُو، وَيَلِمْ لِمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ، إِنَّهُمْ لَكُمْ كَالْكَهْفِ لِأَصْحَابِ
الْكَهْفِ.^۱

نیز امام باقر عليه السلام فرمود:

وَ نَحْنُ كَهْفُكُمْ كَأَصْحَابِ الْكَهْفِ.^۲

ابن عباس گفت:

رَحِمَ اللَّهُ أَبِي الْحَسَنِ، كَانَ وَاللَّهِ عَلَّمَ الْهُدَى^۳ وَ كَهْفَ
التُّقَى.^۴

چند نکته

بشر از گذشته دور برای در امان ماندن از رخدادهای طبیعی مانند
آفتاب، باران و برف یا حیوانات درنده به غارها پناه می برد.

جوان مردانی در طول تاریخ پیدا شدند که برای حفظ دین خود به
غاری پناهنده شدند و به اصحاب کهف مشهور شدند و داستان آنان در
قرآن آمده است.

امروز که بشر دیگر غارنشین نیست، باز هم نیاز به پناهگاه دارد،

۱. المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب عليه السلام، ص ۴۰۶.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۴۸.

۳. این صفت امام در بخش بعدی می آید.

۴. معجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

چون علاوه بر بلاای طبیعی، بلایا و فتنه‌هایی وجود دارد که ریشه دین او را می‌کند. همچنین علاوه بر حیوانات درنده‌ای که به چشم می‌آیند، موجودات درنده‌تر دیگری چون شیاطین وجود دارند که باورهای انسان را می‌درند.

امامان علیهم‌السلام خود را به کهف تشبیه کرده‌اند، از آن جهت که بشر برای حفظ دین و نجات از بلایا و شیاطین به آنان پناه ببرد. امروز فقط یک پناهگاه برای بشر باقی مانده است که اگر به او پناهنده شود، نجات می‌یابد.

امام عسکری علیه‌السلام درباره فرزندش مهدی علیه‌السلام فرمود:

وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنَ الْهَلٰكَةِ اِلَّا مَنْ تَبَتَّهٗ اللّٰهُ
عَزَّوَجَلَّ عَلٰى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَقَّهٗ فِيْهَا لِالدُّعَاۗءِ بِتَعَجِيْلِ
فَرَجِهٖ.^۱

پژوهش و خودآزمایی

حدیث امام عسکری را کامل مطالعه کنید. نمونه‌ای از پناه بردن شیعه در دوران غیبت به کهف حصین را بیان نمایید.

درس ۶۱

نور حق را مظهر و مجلا تویی

خدایی که نور را آفریده و به بشر ظلمانی بخشیده، آن را از طریق بندگان نورانی به عالم دنیا می‌رساند، پس آن بندگان را باید شناخت تا راه نور را یافت و گرنه عمری در ظلمت می‌مانیم و فرجامی تیره انتظارمان را می‌کشد.

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۱

امام صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود:

«خدا نور آسمان‌ها و زمین است، حکایت نور او چون فانوسی است» آن فانوس فاطمه علیها السلام است. «که در آن فانوس چراغی است» آن چراغ، حسن است. «چراغ در آبگینه است» آبگینه، حسین است. «آبگینه مانند اختر درخشانی است» آن اختر درخشان فاطمه در میان زنان جهان است. «از درخت پربرکتی برافروزد» آن درخت حضرت ابراهیم است. «درخت زیتونی که خاوری و باختری نیست» یهودی و نصرانی نیست. «نزدیک است روغنش برافروزد» نزدیک است علم از آن بجوشد. «گرچه آتشی به آن نرسد، نوری روی نور است» از فاطمه امامی پس از امامی آید. «خدا هر که را خواهد به نور خود رهبری کند» هر که را خدا بخواد به امامان رهبری کند «و خدا برای مردم مثل‌ها می‌زند».^۱

همچنین دربارهٔ قول خدای تعالی: «وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ»^۲؛ و از نوری که با او نازل شده، پیروی کنید؛ فرمود:

مقصود از نور در اینجا امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام است.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ آیهٔ «آنان می‌خواهند که نور خدا را با دم خویش خاموش کنند، ولی خدا نور خود را به اتمام می‌رساند»^۴ فرمود: دشمنان خدا می‌خواهند نور برادرم علی را خاموش کنند.^۵

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲. الأعراف / ۱۵۷.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۴. التوبة / ۳۲.

۵. الغیبة نعمانی، ص ۸۳.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۱۱

عمّار یاسر در جنگ صفّین می‌گفت:

و انه معاوية، فقاتلوه و العنوه، فانه ممن يطفى نور الله.^۱

چند نکته

براساس روایات فراوان، امام علیه السلام در کلام الله به نور تشبیه شده است. «نور علی نور» به امام پس از امام تعبیر شده است. «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ» نشان می‌دهد امام علیه السلام وسیله هدایت الهی است. همان‌گونه که بشر برای حرکت روی زمین نیازمند نور طبیعی است، برای حرکت در مسیر آخرت هم نیازمند نور است. هدایت امری قلبی و روحانی است، لذا شرط هدایت یافتن، دیدن امام علیه السلام به چشم سر نیست، بلکه کافی است از ایشان با زبان ساده هدایت بخواهیم. امروز، آخرین نور خدایی، حضرت مهدی علیه السلام، مظهر هدایت الهی است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ.^۲

پژوهش و خودآزمایی

مثال‌های دیگری از کاربرد «نور» برای امامان علیهم السلام در قرآن بیان نمایید.

چه شباهت‌هایی بین نور و امامان زمان علیهم السلام است؟

۱. شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، ج ۴، ص ۳۰.

۲. جمال الأسبوع، ص ۳۷.

درس ۶۲

هر زمان آید سفیری از خدا

خدایی که به پوشانیدن خلعت خلقت، انسان را آفرید و برای او رایت هدایت برافراشت، برای تداوم این هدایت، در هر دوره‌ای این رایت را به دست بنده‌ای برگزیده از شمار معدود برگزیدگان خود داده و این نصب را هرگز فرو ننهاده است و هرگز فرو نمی‌نهد و همواره رایت را به دست برگزیده‌ای دیگر می‌دهد.

﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾^۱

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: **إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ**.^۲

۱. القصص / ۵۱.

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۴۱.

دو نکته

از اهل بیت پیامبر در تفسیر آیه آمده که منظور از «وَصَلِّ الْقَوْل» پیوستگی سلسله امامت است، پس هیچ‌گاه زمین بی‌امام نمی‌ماند. خدای متعال امامان علیهم‌السلام را پیوسته فرستاده و از ما هم خواسته به آن‌ها پیوندیم و هیچ‌گاه جدا نشویم. از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» آمده است:

نَزَلَتْ فِي رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَام.^۲

امروز، آن رحمی از آل محمد که باقی مانده تا ما با او پیوندیم، وجود اقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است.

پژوهش و خودآزمایی

آیا صله ارحام شامل امامان هم می‌شود؟
در آیه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (الزمر / ۱۸)،
«القول» چیست؟

۱. الرعد / ۲۱.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۶.

درس ۶۳

در چنان توفان چنین کشتی روان

توفانی شگفت دنیای ما را فرا گرفته، توفانی که کسی نمی‌تواند از آن نجات یابد. در این میان که حتی یک تخته پاره شکسته نیز غنیمت است، کشتی محکمی که خدایمان برای نجات فرستاده، چه قدر و قیمتی دارد؟ کاش ارزش آن را می‌دانستیم.

﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾^۱

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند:

ای مردم تا می‌توانید از فرمان حق پیروی نمایید و معرفت درباره کسی پیدا کنید که نشناختن او مایهٔ پوزش و عذرخواهی شما نیست، زیرا علمی که به حضرت آدم علیه السلام افاضه شد و همه آنچه پیامبران بدان برتری یافتند، به پیامبر شما و از او به خاندانش رسید. اینک چگونه

است که شما را به بیابان‌های سرگردانی هدایت می‌کنند. ای زادهٔ کسانی که با سفینهٔ نوح نجات یافته‌اید (اصحاب السفینه)، چنین سفینه‌ای هم در میان شما موجود است، در آن درآیید. همچنان که سواران آن کشتی از غرقاب دریا و گرداب بلا نجات یافتند، سواران و متوسّلان به این کشتی هم از بدبختی و گمراهی دنیا و عذاب آخرت رهایی پیدا می‌کنند.^۱

رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مَثَلُ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا
وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.^۲

همین مطلب بانندکی تفاوت در منابع اهل سنت آمده است: مثل اهل بیت من در میان شما مانند سفینهٔ نوح است، که هر کس بر آن سوار شود نجات می‌یابد و هر که سوار نشود هلاک می‌شود.^۳ سفینهٔ نوح در زمان حضرت نوح علی نبینا و آله و علیه السلام وجود عینی خارجی داشت؛ اهل بیت نیز در هر زمانی باید وجود عینی و خارجی داشته باشند.

امروز تنها مصداق عینی اهل بیت که کشتی نجات بشر است، امام مهدی عجل الله فرجه هستند. در روز جمعه خطاب به آن حضرت می‌خوانیم: السّلام عليك يا سفينة النجاة.^۴

۱. الإرشاد، ج ۱، ص ۲۳۲.

۲. امالی الصدوق، ص ۲۶۹.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۴۳.

۴. جمال الأسبوع، ص ۳۷.

پژوهش و خودآزمایی

چه تفاوتی میان کشتی نجات با کشتی‌های دیگر است؟
دعای روز جمعه را یک بار با توجه به مقام کشتی بخوانید.

درس ۶۴

جان روشن از که یابیم؟ از امام

پدر و مادر، حق حیات بر فرزند دارند. بدین روی رضایت خداوند در رضای آن‌ها است. اما به جز پدر و مادر جسمی، گروهی دیگر نیز چنین حقی بر گردن انسان دارند، مانند معلّم که حق حیات معنوی بر انسان دارد. امام معصوم نیز چنین حقی دارد. چگونه؟

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۱

﴿أَنْ اشْكُرْ لِي وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۲

در چهار آیه «بالوالدین احسانا» آمده است.

رسول خدا ﷺ درباره این آیه فرمودند:

۱. النساء / ۳۶.

۲. لقمان / ۱۴.

أَنَا أَحَدُ الْوَالِدَيْنِ وَ عَلِيٌّ الْآخَرُ.^۱

نیز امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ هُمَا
الْوَالِدَانِ.^۲

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جای دیگر فرمود:

حَقَّ عَلِيٌّ عَلَيَّ عَلَى الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَيَّ الْوَلَدِ.^۳

نیز به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

أَنَا وَ أَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ.^۴

امیرالمؤمنین سلام الله علیه در تأویل آیه (لقمان / ۱۴)

فرمود:

والدینی که خدا شکر آنان را واجب کرده، آن‌ها ایند که دانش را
زایند و منصب قضاوت را به ارث برند و مردم به فرمانبرداریشان
مأمورند.^۵

امام رضا علیه السلام هم فرمود:

الْإِمَامُ، الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ.^۶

۱. تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۰۵.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۰۴.

۳. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۰۵.

۴. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۷.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۲۸.

۶. همان، ص ۲۰۰.

چند نکته

پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علیه السلام دو پدر این امت هستند.
خدای متعال احسان و فرمانبرداری از ایشان را از امت خواسته
است.

امامان بعد از ایشان در جایگاه ایشان و پدران امت هستند.
پدر سرپرست خانواده است و خانواده بزرگ اسلامی هیچ‌گاه
بی سرپرست نمانده است.

ارتباط با پدر روحانی مانند ارتباط با پدر جسمانی، بی تکلف و
صمیمانه است. فقط کافی است از سُویدای دل با او مانند پدر حرف
بزنیم. او صدای ما را می‌شنود و پدران ما را هدایت می‌کند.

امروز، امام زمان علیه السلام پدر مهربان و سرپرست ما مسلمانان است.
روا نباشد به جای احسان از جانب مابه ایشان اذیت و آزار برسد. لذا با
زبان فرزندان یعقوب به ایشان عرضه می‌داریم: «یا أَبَانَا اسْتَغْفِرُ لَنَا
ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»^۱.

پژوهش و خودآزمایی

روایتی که اهالی یمن، امیرالمؤمنین علیه السلام را پدر می‌یابند بیان نمایید.
و جوه شباهت پدر با امام را بیان کنید.

درس ۶۵

تا خدا خواهد مطهر داردش

... و خدای مہرورز نمونہ‌هایی از طہارت کامل در زمین گماشت تا آدمیان را اسوہ و الگو شوند و حجت خود را بہ سبب آنان بر ہمگان تمام کند. این بندگان برگزیدہ کیانند؟

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱

در تفسیر آیه، رسول خدا ﷺ فرمود:

يَا عَلِيُّ هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيكَ وَ فِي سِبْطِي وَ الْأَيْمَةِ مِنْ
وَأُذِكَ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَكَمْ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: أَنْتَ يَا
عَلِيُّ، ثُمَّ ابْنَاكَ الْحُسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ بَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلِيُّ ابْنُهُ

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۲۱

وَبَعَدَ عَلِيٌّ مُحَمَّدَ ابْنِهِ وَبَعَدَ مُحَمَّدٌ جَعْفَرُ ابْنُهُ وَبَعَدَ جَعْفَرٌ
مُوسَى ابْنَهُ وَبَعَدَ مُوسَى عَلِيُّ ابْنُهُ وَبَعَدَ عَلِيُّ مُحَمَّدَ ابْنَهُ وَ
بَعَدَ مُحَمَّدٌ عَلِيٌّ ابْنَهُ وَبَعَدَ عَلِيُّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَالْحُجَّةُ مِنْ
وُلْدِ الْحَسَنِ هَكَذَا؛ وَجَدْتُ أَسَامِيَهُمْ مَكْتُوبَةً عَلَى سَاقِ
الْعُرْشِ، فَسَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! هُمْ
الْأَيُّمَةُ بَعْدَكَ، مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ وَأَعْدَاؤُهُمْ مَلْعُونُونَ.^۱

از ام سلمه نقل است که رسول خدا به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:
همسر و دو فرزندت را بیاور. هنگامی که ایشان را آورد، کسای فدکی
خود را به روی آنان افکند. سپس دست خود را بر ایشان قرار داد و
گفت: خدایا ایشان آل محمد هستند، پس صلوات و برکاتت را بر محمد
و آل محمد قرار بده، که تو حمید مجید هستی. ام سلمه گفت: کساء را
بالا زدم که وارد آن شوم، ولی پیامبر کساء را از دستم گرفت و گفت: تو
بر خیر هستی.^۲

نیز از ام سلمه روایت شده که گفت: این آیه در خانه من نازل شده
است و در آن هفت نفرند: جبرائیل، میکائیل، رسول الله، علی، فاطمه،
حسن و حسین. من در کنار درب خانه بودم. به پیامبر گفتم: آیا من از
اهل البیت نیستم؟ گفت: تو از همسران پیامبر هستی.^۳

۱. کفایة الأثر، ص ۱۵۶.

۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۳۲۳.

۳. نظم در السمطين، ص ۲۳۸.

چند نکته

دلالیت فعل مضارع، «یرید، لیذهب و یطهرکم» در آیه نشان می‌دهد که خداوند، مستمراً هر نوع پلیدی را از اهل‌البیت دور می‌کند. اهل‌البیت افراد مشخصی هستند که بنا بر روایات عامه، همسران پیامبر را در بر نمی‌گیرد.

بدین‌روی، بشر در هر زمان به حجّت معصوم نیاز دارد که تکیه‌گاهی قابل اعتماد داشته و میان افراد، صالح و شیاد تشخیص دهد. امروز مصداق اهل‌البیت، فرزند پیامبر، امام مهدی عجل الله فرجه است که مقام عصمت دارد.

امام زمان ارواحنا فداه در نامه‌ای به احمد بن اسحاق به این حقیقت اشاره می‌کنند.

يُعْرِفُ بِهِ الْحُجَّةَ مِنَ الْمَحْجُوجِ وَ الْإِمَامَ مِنَ الْمَأْمُومِ، بِأَنَّ
عَصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأَهُمْ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرَهُمْ مِنَ
الذَّنْسِ وَ نَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّيْسِ وَ جَعَلَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعَ
حِكْمَتِهِ وَ مَوْضِعَ سِرِّهِ وَ أَيَّدَهُمْ بِالذَّلَائِلِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ، لَكَانَ
النَّاسُ عَلَى سَوَاءٍ وَ لَادَّعَى أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُلُّ أَحَدٍ، وَ لَمَا
عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَ لَا الْعَالِمُ مِنَ الْجَاهِلِ.^۱

خداوند متعال حجّت‌های خود را از ارتکاب گناهان نگاه داشته، از عیب‌ها پیراسته، از پلیدی‌ها دور ساخته و از شبهات برکنار کرده است. آن‌ها را گنجینه‌دار علم، امانت‌دار حکمت و محلّ سرّ خود

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۲۳

و دارای معجزات نموده است. اگر جز این بود، مردم همه یکسان بودند، هرکسی ادّعای ولایت و امامت می‌کرد و حق از باطل و عالم از جاهل شناخته نمی‌شد.

پژوهش و خودآزمایی

معصوم در لغت به چه معناست؟
آیا عصمت با اختیار منافاتی ندارد؟

درس ۶۶

آب جاری در کویر خاکدان

یک روز را نه، بلکه چند ساعت را بدون آب تصوّر کن؛ که اگر آب نیابی چه می‌کنی؟ زمانی که زندگی انسانی رنگ کویر به خود می‌گیرد و نشانه‌های حیات انسانی رنگ می‌بازد...

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾^۱

بگو اگر آب شما زیر زمین فرو کشد، کیست که برای شما آب

گوارا و زلال بر آورد؟

امام رضا علیه السلام درباره این آیه فرمود:

مَاؤُكُمْ أَبْوَابُكُمْ أَيُّ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأَيْمَةُ أَبْوَابُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَ

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۲۵

بَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ يَعْنِي بِعِلْمِ الْإِمَامِ.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده و می فرماید: اگر امامتان از شما غائب شود و ندانید که او کجاست، چه کسی امام ظاهری برای شما خواهد آورد؟^۲

نیز امام کاظم علیه السلام فرمود:

وقتی امام شما غائب گردد، کیست که امام تازه‌ای آورد؟^۳

و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

اللَّهُمَّ بَلَى، لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِيَّ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهراً مَشْهُوراً وَ إِمَّا خَائِفاً مَغْموراً، لَسَأَلْتُبْطَلَّ حُجْجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ.^۴

ابن حجر می گوید: روایات «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو عَنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ» صحیح است.^۵

چند نکته

حیات زمین و زمینیان وابسته به آب است؛ به عبارت دیگر حیات بدون آب متصوّر نیست.

هر آبی عطش انسان را فرو نمی نشاند؛ بلکه برخی آب‌ها مانند آب

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۴. نهج البلاغه، ص ۴۹۷.

۵. فتح الباری، ج ۶، ص ۳۵۹.

شور و تلخ، بر عطش می‌افزاید.

در این آیه و روایات تفسیری ذیل آن، امام و در برخی علم امام به آب گوارا تشبیه شده است.

همان‌گونه که زمین از آب حیات تهی نمی‌شود، زمین نیز از حجت خدا خالی نمی‌شود.

ناپیدا بودن آب و فروکش کردن آن به معنای نبود آب نیست، به همین ترتیب آشکار نبودن امام نیز به معنای نبود امام نیست.

غیبت امام زمان علیه السلام به معنای عدم حضور نیست، بلکه به معنای عدم ظهور است؛ درست مثل آب فروکش کرده که آشکار نیست ولی در زمین وجود دارد.

فرج و ظهور امام زمان علیه السلام به مانند آوردن آب فقط کار خدای متعال است.

در روایات، غیبت امام زمان علیه السلام به دو معنا است: یا ناشناس در میان مردم زندگی می‌کند، یا مردم از دیدن او نابینا می‌شوند.

يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ^۱

امام زمان مردم را می‌بیند و می‌شناسدشان، ولی مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسندش.

وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ خَلَقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ اِسْرَافِهِمْ
عَلَىٰ اَنْفُسِهِمْ^۲

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۱۴۱.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۲۷

خداوند خلقتش را به واسطهٔ گناهان‌شان از دیدن او نایبنا می‌سازد.
سلام بر امام زمان علیه‌السلام که چشمهٔ حیات است و علم از او می‌جوشد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ.^۱

ما مأموریم - پیدا باشد یا ناپیدا - علم را از او بگیریم، که خود در
توقیع مبارک فرمود:

الْعِلْمُ عَلْمُنَا.^۲

پژوهش و خودآزمایی

ابن حجر به مناسبت چه موضوعی احادیث «خالی نبودن زمین از
قائم» را صحیح می‌شمارد؟

چه معانی غلطی برای غیبت امام زمان علیه‌السلام وجود دارد؟

۱. جمال الأسبوع، ص ۳۷.

۲. الغيبة طوسی، ص ۳۷۴.

درس ۶۷

چشم بگشا و بین تکرار را

تکرار تاریخ؛ واژه‌های آشنا و مفهومی است که همگان تجربه کرده‌اند. اندکی مطالعه تاریخی می‌خواهد برای شناخت دیروز و چشمی گشوده برای دیدن امروز؛ همین‌ها کافی است تا راه را از چاه بازشناسی تا درون چاه نیفتی. آزموده را آزمودن خطاست؛ این را همگان می‌دانند، ولی چرا باز هم گرفتار تکرار مکرر می‌شوند؟

﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾^۱

سلمان فارسی سه روز پس از وفات رسول خدا ﷺ خطبه‌ای خواند و گفت:

اما ای قوم شما همان سنت بنی اسرائیل در هنگام غیبت موسی علیه السلام

را که با سحر سامری گو ساله پرست شدند، در پیش گرفتید. شما در خطا افتاده، حق را رها کردید. می‌دانید ولی خود را به نادانی می‌زنید.

آری به خدا قسم که شما «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» یعنی موبه مو همان سنت بنی اسرائیل را نعل به نعل و تیر به تیر برداشتید. به آن خدایی که جان سلمان به دست اوست، اگر شما علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را آن گونه که خدای تبارک و تعالی ولی آفریدگان گردانیده، ولی خود می‌گرفتید، به راستی از نعمت‌های آسمانی و زمینی فراوانی بهره می‌گرفتید و اگر پرندگان هوا و ماهیان دریا را می‌خواندید، نزد شما می‌آمدند.^۱

از ابو عبیده نقل است که این آیه در خصوص ارتکاب سنت‌های پیشینیان توسط این امت نازل شده است.^۲

از ابو سعید نقل است که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: به راستی، از شیوه آنان که پیش از شما بودند، و جب به و جب و ذراع به ذراع پیروی می‌کنید، تا آنجا که اگر در سوراخ سوسماری در آمده‌اند، دنبال آنان می‌روید.^۳

چند نکته

هر پیشامدی در بنی اسرائیل موبه مو در امت پیامبر نیز روی می‌دهد. اوصیاء حضرت خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تعداد نقباء حضرت موسی ۱۲ نفرند.

حضرت موسی برای اینکه به دست فرعونیان کشته نشود، پنهانی به

۱. الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲. کشف المشکل، ج ۲، ص ۴۰۲.

۳. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۴۴.

دنیا آمد، سال‌ها غائب شد و بعد به سوی بنی اسرائیل بازگشت؛ در این اَمت هم امام مهدی پنهانی به دنیا آمده، پنهانی زندگی می‌کند و در آخرالزمان ظهور می‌نماید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

برای قائم ما غیبتی است که مدّت آن به طول می‌انجامد، گفتم: ای فرزند رسول خدا، از برای چیست؟ فرمود: زیرا خدای تعالی می‌خواهد در او سنّت‌های پیامبران علیهم السلام را در غیبت‌هایشان جاری کند و ای سُدیر! گریزی نیست که مدّت غیبت‌ها به سرآید، خدای تعالی فرمود: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»، یعنی: سنّت‌های پیشینیان در شما جاری است.^۱

پژوهش و خودآزمایی

چند نمونه از رخدادهایی را که در اَمت حضرت خاتم الانبیاء، مشابه بنی اسرائیل، رخ داده، بیان کنید.

چه شباهت‌هایی میان ظهور حضرت موسی با ظهور امام مهدی علیه السلام وجود دارد؟

درس ۶۸

روز روشن را چنین کفران کنند

تاریکی شب را تحمل می‌کنیم، به امید برآمدنِ روز، اما اگر روز برنیاید، یعنی خورشید نتابد، چه می‌توان کرد؟ چگونه به روز دست یابیم تا از مزایای آن بهره گیریم؟

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾^۱

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾^۲

امام صادق علیه السلام درباره آیه نخست و آیات قبل آن فرمود:
وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (سوگند به خورشید و تابش آن)، مقصود از خورشید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که خداوند عزوجل به وسیله او دین مردم را روشن کرد. و القمر اذا تلیها (سوگند به ماه، گاهی که پهلوی آن در آید)، مقصود از آن امیرالمؤمنین علیه السلام است که پهلوی رسول خدا در

۱. الشمس / ۳.

۲. اللیل / ۲.

آمد و پیامبر دانش را به خوبی در او دمید و آموخت. وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (سوگند به شب، هرگاه فراگیردش)، مقصود از شب پیشوایان ناحق هستند که امر حکومت را در برابر خاندان رسول خدا مستبدانه به دست گرفتند و به مسندی در برابر آنها برنشتند که آل رسول سزاوار آن بودند و دین خدا را باستمگری و خلافکاری تیره و تار کردند و خدا از کردار آنها حکایت کرده است. وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (سوگند به روز، هرگاه آن را روشن کند)، مقصود از آن امام بر حق از نژاد فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ است که از دین رسول خدا پرسش شود و آن را برای کسی که پرسیده است روشن کند و خدا از گفتار او حکایت کرده است.^۱

ابن عباس نیز گوید:

وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا، قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ، وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا،
 قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا، قَالَ: الْحَسَنُ وَ
 الْحُسَيْنُ، وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا قَالَ: بَنُو أُمِّيَّةَ.^۲

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره آیه اول و دوم سوره لیل فرمودند:

وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى قَالَ: اللَّيْلُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَلَانَ، غَشِيَ
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي دَوْلَتِهِ الَّتِي جَرَتْ لَهُ عَلَيْهِ، وَ
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَصْبِرُ فِي دَوْلَتِهِمْ حَتَّى تَنْقُضِي، قَالَ: وَ النَّهَارِ
 إِذَا تَحَلَّى قَالَ: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِذَا قَامَ غَلَبَ
 دَوْلَتَهُ الْبَاطِلِ.^۳

۱. الکافی، ج ۸، ص ۵۰.

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۳۲.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۳۳

نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى قَالَ دَوْلَةٌ إِيْلَيْسَ إِيْلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ
يَوْمٌ قِيَامِ الْقَائِمِ، وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَ هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ ۱.

چند نکته

روز و شب در آفرینش کنار هم هستند، اگر روزی هست، شبی هم وجود دارد و بالعکس.

امامان جور به شب و امامان معصوم به روز تشبیه شده‌اند. یکی از جهت پوشاندن حق و دیگری از جهت آشکار کردن آن.

تفاوت جلاها در سوره اول با تجلی در سوره دوم این است که اولی به مقام کلی امامت و دومی به مقام قائمیت اشاره دارد.

مقام امامت، مقام روشن کردن دین خدا در هر زمان است. این مقام را حضرت مهدی علیه السلام مانند پدران معصومش علیهم السلام دارا است، ولی قائمیت که مقام پایان دادن به دولت باطل است، مختص حضرت مهدی علیه السلام است.

امروز، ما از امامت امام عصر ارواحنا فداه به مانند خورشید پشت ابر بهره می‌بریم و منتظر فردای قیام او هستیم که دولت ابلیس را سرنگون کند. در زیارت آل یاسین می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى.

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۷۸۰.

پژوهش و خودآزمایی

چه شباهت‌هایی میان روز و امام معصوم است؟
سرانجام دولت ابلیس چیست؟

درس ۶۹

مهبط خیل ملک در شام قدر

یک شب در سال، برتر از تمام سال؛ بلکه برتر از آن. این شب، حق حیات به گردن تمام سال دارد؛ بلکه تاجی بر سر زمان است. برکت‌های بی‌مانند این شب، آیا قرار است با شهادت رسول رحمت پایان یابد؟ اگر قرار بر ادامه آن است، چرا و چگونه؟

﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾^۱

امام علیؑ در تفسیر آیه فرمود:

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَرُوحُ الْقُدُسِ عَلَى إِمَامِ الزَّمَانِ وَ يَدْفَعُونَ
إِلَيْهِ مَا قَدْ كَتَبُوهُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ.^۲

۱. القدر / ۴.

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۳۱.

رسول خدا صلوات الله علیه و آله به یارانش فرمود: به شب قدر ایمان آورید که آن پس از من برای علی بن ابی طالب و ۱۱ تن فرزندان او است.^۱

از عبدالله بن عمر نقل شده است که: از رسول خدا درباره شب قدر سوال شد، فرمودند: شب قدر در تمام ماه رمضانها موجود است.^۲
ابوهریره گفت: شب قدر، هفتم و نهم ماه است و تعداد فرشتگان در آن شب بیشتر از تعداد ستارگان آسمان است.^۳

رشیدالدین میبیدی مفسر سرشناس سنی گوید: برخی گفته اند: شب قدر، برای زمان پیامبر بود و پس از او نیست ولی همه اصحاب پیامبر و علمای اسلام معتقدند که شب قدر، تا روز قیامت باقی است.^۴
کلمه «تنزل» فعل مضارع است و بر استمرار فعل تأکید می کند، چنان که روایات شیعه و سنی نیز گویا است که شب قدر در تمام ماه رمضانها است. لذا اولاً: هر ساله ملائکه و روح نازل می شوند. ثانیاً: ملائکه - که تعدادشان بیشتر از ستارگان آسمان است - و همچنین روح که به تصریح روایات امامیه، مخلوقی بزرگتر از جبرئیل است، پس از شهادت پیامبر اکرم بر قلب مطهر جانشین او نازل می شوند؛ و گرنه زمین گنجایش این همه ملائکه آسمان را ندارد.

در این روزگار، صاحب شب قدر، امام مهدی علیه السلام است، که از سال

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳.

۲. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۱۳.

۳. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۳۷۶.

۴. کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۱۰، ص ۵۵۹ «فقال بعضهم: انّها کانت علی عهد

رسول الله ثم رفعت و عامة الصحابة و العلماء علی انهم باقية الی يوم القيامة.»

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۳۷

۲۶۰ قمری (پس از شهادت امام عسکری علیه السلام) تا کنون ملائک الهی را
به حضور می پذیرد.

پژوهش و خودآزمایی

اهل سنت شب قدر را چه شبی در سال می دانند؟
در شب قدر فرشتگان چه اموری را به امام زمان عرضه می کنند؟

درس ۷۰

باز می‌دارد عذاب از مردمان

واپسین روزهای عمر دنیا تحولاتی شگرف خواهد داشت، تغییراتی که هرگز به خود ندیده بود. اما این همه زمانی است که حجت خدا بر روی زمین نباشد. یعنی حضور حجت خدا مانع از آن زلزلهٔ بزرگ است که...

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾^۱

در روایات، پایان دنیا به برداشتن حجت از روی زمین تفسیر شده است. پس تا زمانی که زمین و زمان برقرار است، باید حجتی از خدا روی آن باشد که مانند کوه، زمین را از لرزه حفظ کند.

رسول الله ﷺ فرمود:

إِنِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ زُرُّ الْأَرْضِ،

بخش دوم: دلایل نقلی بر ضرورت وجود حجّت در هر زمان □ ۲۳۹

أَعْنِي أَوْ تَادَهَا وَ جِبَالَهَا وَ قَدْ وَتَدَ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ
بِأَهْلِهَا، فَإِذَا ذَهَبَ الْأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي سَاخَتِ الْأَرْضُ
بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يُنْظَرُوا.^۲

به راستی من و یازده نفر از فرزندانم و تو علی کوه‌های زمین
هستیم. به تحقیق خدا به وسیله کوه‌ها زمین را محکم کرده که
اهلش را فرو نبرد. چون یازده نفر از فرزندانم بروند، مهلت تمام
است و زمین اهلش را فرو می‌برد.

نیز فرمود:

لَنْ يَزَالَ الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ قُرَيْشٍ، فَإِذَا هَلَكُوا
مَاجَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا.^۳

پیوسته این دین به وسیله دوازده نفر از قریش پا برجاست، زمانی
که بروند زمین لرزه اهل زمین را فرا می‌گیرد.

و فرمود:

این امر (دین اسلام) کارش به سرانجام نمی‌رسد، مگر زمانی که
دوازده نفر خلیفه کار خود را انجام دهند. پس جمله‌ای آهسته فرمود
که من نشنیدم، از پدرم پرسیدم: پیامبر چه فرمود؟ گفت: فرمود همه
آن‌ها از قریشند.^۴

۱. در بعضی از روایات «ساخت» به معنای فرو رفتن و بعضی «ماجت» به معنای موج خوردن

زمین آمده است.

۲. الأصول الستة عشر، ص ۱۴۰.

۳. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴.

۴. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳.

حیات مادی و معنوی، جسمی و دینی زمینیان وابسته به حیات این دوازده نفر است، اگر یکی از آنان نباشد، زمین آرام نخواهد گرفت. امام عصر ارواحنا فداه آخرین لنگر ثبات زمین است که حق حیات بر گردن ما دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به ایشان فرمود:

بدانید که زمین از حجت خدای عزوجلّ خالی نمی ماند؛ ولی خداوند به زودی دیدهٔ خلقش را از او - به خاطر ظلم و جورشان و زیاده روی آنان نسبت به خودشان - نابینا می سازد. اگر زمین لحظه ای از حجت خدا خالی بماند، اهل خود را فرو می برد، اما آن حجت مردم را می شناسد و آنان او را نمی شناسند.^۱

پژوهش و خودآزمایی

در تاریخ نمونه ای از جلوگیری امام معصوم از زلزله را بیان نمایید. آیا در روایات ۱۲ خلیفه به بنی هاشم بودن آنان نیز اشاره شده است؟

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ۱۰ جلد، مکتبة آية الله المرعشي النجفی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، ۱ جلد، جامعه مدرسین - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ ق.
۵. ----- عیون أخبار الرضا عليه السلام، ۲ جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.
۶. ----- کمال الدین و تمام النعمة، ۲ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ ق.
۷. ----- من لایحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۸. ابن حجر، فتح الباری، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، بی تا.

٩. ابن طاووس، على بن موسى، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، ١ جلد، دار الرضى - قم، چاپ: اول، ١٣٣٠ ق.
١٠. ----- فلاح السائل و نجاح المسائل، ١ جلد، بوستان كتاب - قم، چاپ: اول، ١٤٠٦ ق.
١١. ابن الجوزى، كشف المشكل، رياض: دار الوطن للنشر، ١٤١٨ ق.
١٢. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون، ١٤١٩ ق.
١٣. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، ٦ جلد، مكتب الاعلام الاسلامى - قم، چاپ: اول، ١٤٠٤ ق.
١٤. ابن مشهدى، محمد بن جعفر، المزار الكبير، ١ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم - قم، چاپ: اول، ١٤١٩ ق.
١٥. أبو يعلى الموصلى، مسند أبي يعلى، دار المأمون للتراث، ١٤١٢ ق.
١٦. احمد بن حنبل، مسند، بيروت: دار صادر، بی تا.
١٧. البخارى، صحيح البخارى، بيروت: دار الفكر، ١٤٠١ ق.
١٨. الترمذى، سنن الترمذى، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٣ ق.
١٩. زرندى الحنفى، محمد، نظم درر السمطين، ١٩٥٨ م.
٢٠. الزيلعى، نصب الراية، قاهره: دار الحديث، ١٤١٥ ق.
٢١. سجستانى، سليمان بن الأشعث، سنن أبى داود، بيروت: دار الفكر، ١٤١٠ ق.
٢٢. سقاف، حسن بن على، صحيح شرح العقيدة الطحاوية، عمان: دار الإمام النووى، ١٤١٦ ق.
٢٣. سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور، قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ ق.

۲۴. شریف الرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغة (للصباحى صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. شعيرى، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ۱ جلد، مطبعة حيدرية - نجف، چاپ: اول، بی تا.
۲۶. شهيد اول، محمد بن مكي، المزار فى كيفية زيارات النبی و الأئمة عليهم السلام، (للسهيد الأول)، ۱ جلد، مدرسه امام مهدي عليه السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. جوهرى بصرى، احمد بن عبدالعزيز، مقتضب الأثر فى النصّ على الأئمة الإثني عشر، ۱ جلد، انتشارات طباطبائي - قم، چاپ: اول، بی تا.
۲۸. حسكاني، عبيد الله بن احمد، شواهد التنزيل، تهران: چاپ وزارت ارشاد ۱۴۱۱ ق.
۲۹. حسن بن على عليه السلام، امام يازدهم، التفسير المنسوب الى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ۱ جلد، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف - ايران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، ۱ جلد، البلاغ - بيروت، ۱۴۱۹ ق.
۳۱. خزاز رازى، على بن محمد، كفاية الأثر فى النصّ على الأئمة الإثني عشر، ۱ جلد، بيدار - قم، ۱۴۰۱ ق.
۳۲. حوئى، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، لجنة التحقيق، و تفصيل طبقات الرواة، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. راغب أصفهاني، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، دار القلم - الدار الشامية - بيروت - دمشق، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد عليهم السلام، ۱ جلد، مكتبة آية الله المرعشى النجفى - ايران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.

٣٥. طبرانى، المعجم الكبير، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ ق.
٣٦. طبرانى، المعجم الأوسط، دار الحرمين للطباعة، ١٤١٥ ق.
٣٧. طبرانى، المعجم الصغير، بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
٣٨. طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، ٢ جلد، نشر مرتضى - مشهد، چاپ: اول، ١٤٠٣ ق.
٣٩. طبرى املی، عمادالدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم، بشارة المصطفى لشعبة المرتضى (ط - القديمة)، ١ جلد، المكتبة الحيدرية - نجف، چاپ: دوم، ١٣٨٣ ق.
٤٠. طبرى املی صغير، محمد بن جرير بن رستم، دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، ١ جلد، بعثت - ايران؛ قم، چاپ: اول، ١٤١٣ ق.
٤١. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ ق.
٤٢. طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، ٦ جلد، مرتضوى - تهران، چاپ: سوم، ١٣٧٥ ش.
٤٣. طوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ١٠ جلد، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق.
٤٤. ----- الغيبة (للطوسى) / كتاب الغيبة للحجة، ١ جلد، دار المعارف الإسلامية - ايران؛ قم، چاپ: اول، ١٤١١ ق.
٤٥. ----- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ١ جلد، مؤسسة فقه الشيعة - بيروت، چاپ: اول، ١٤١١ ق.
٤٦. طيالسى، سليمان بن داود، مسند، بيروت: دار المعرفة، بى تا.
٤٧. كلينى، محمد بن يعقوب، كافي، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ ق.
٤٨. كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفى، ١ جلد، مؤسسة الطبع و النشر فى وزارة الإرشاد الإسلامى - تهران، چاپ: اول، ١٤١٠ ق.

۴۹. عده‌ای از علماء، الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ۱ جلد، مؤسسة دار الحديث الثقافية - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۳ ق / ۱۳۸۱ ش.
۵۰. علی بن الحسین عليه السلام، امام چهارم، الصحيفة السجادية، ۱ جلد، دفتر نشر الهدای - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
۵۱. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العين، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۵۲. نسائی، السنن الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۵۳. متقی الهندی، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. -----، زاد المعاد - مفتاح الجنان، ۱ جلد، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۳ ق.
۵۶. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۵۷. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، ۱ جلد، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۸. مناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۵۹. میبدی، احمد بن محمد، كشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۶۰. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، المستدرک، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۶۱. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد، مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.

